

آیا شکستن شاخ این طرز فکرها مایه مسرت نیست؟

کوبا، کیهان لندن و نامه مردم
در صفحه ۳

هزینه‌های یک زندگی ساده

گزارشی درباره گذران معاش
یک خانوار کوچک
در شرایط کنونی کشور
در صفحه ۵

مارکز: رمان حسنی دارد که فیلم فاقد آنست

در صفحه ۶
در مساله آلترا تیبو
در صفحه ۸

سران رژیم از بروز نافرمانی در نیروهای مسلح بیمناکند



دو تن از نیروهای بسیجی در یکی از خیابانهای مشهد هنگام عملیات آمادگی

● قرار است بسیجیان را به جای
نظامیان به سرکوب شورشها
بفرستند

همزمانی زمزمه‌های نافرمانی در میان پاره‌ای از فرماندهان نظامی با بروز شورش در شهرهای قزوین و تبریز، سران رژیم را بشدت نگران کرده و نگاه آنها را متوجه نیرویی ساخته است که در مقابله با ناآرامی‌ها و تظاهراتی که هر روز ممکن است رخ دهد، بتوانند با اطمینان بر آن تکیه کنند و آن را به مقابله و سرکوب مردم بفرستند. سران رژیم ظاهراً این تکیه‌گاه را در نیروی بسیج یافته‌اند. نیروهای بسیج یک باره یگره ماندن روزهای پس از شورش بزرگ مشهد، ارج و قرب ویژه‌ای یافته‌اند. در اجرای این سیاست محمد باقر تاجیک، مسئول تأیید صلاحیت نیروی مقاومت اعلام کرد که ۲۰ هزار تن از نیروی مقاومت بسیج درجه صلاحیت دریافت کرده‌اند که با امتیازات مادی و معنوی ویژه‌ای ادامه در صفحه ۲

بیاد جان باختگان فاجعه ملی سال ۶۷ نام نیکی گرماندز آدمی...

۶ سال پیش بود، روزهای دلیره. روزهایی که چشم مضطرب مادران پشت دیوار بلند اوین جگر گوشه‌های خویش را سراغ می‌گرفت و قنداق تفنگ با سداران را پاسخ می‌شد. ۶ سال پیش در این روزها بود که گورهای دسته جمعی کشف شد. عکس‌های هولناک آن در همه جای جهان انتشار یافت. خمینی روبه مرگ می‌رفت. دهشت مرگ چنان او را در خود گرفته بود که جنون گرفته ۳ مامور کور را برای کشتار همه‌ی زندانیان سیاسی فرستاد. او فکر کرد با این کار میراثی که با رفتنش بجا می‌ماند، ماندنی تر خواهد بود. چنین جنایتی را تاریخ فقط در دوران نازی‌ها تجربه کرده است. قساوت چنان بیرحمانه شد که حتی آیت الله منتظری - که خمینی پاره تنش می‌دانست - تحمل این قساوت نتوانست کرد. او حفظ شرافت را بر سکوت در برابر جنایت ترجیح شمرد. این اول بار نبود که رژیم بی‌محابا می‌کشت. پس از بهمن ۵۷ و پس از خرداد ۶۰ کشتار روزانه حتی از این روزهای ۶۷ فراتر می‌رفت. اما در فاجعه ملی پس مظلومانه و ناجوانمردانه کشتند. قربانیان، همه زندانیان اسیر بودند که با انتظار صد و رحمة به اصطلاح "عدالت" نشسته بودند. یا حکم "عدالت" را دریافت کرده و دوران محکومیت خود را می‌گذراندند. شبانه دسته دسته، متحکوم و غیر متحکوم را بدون داد گاه و محاکمه قانونی، بدون وکیل و هر فریاد دلس دیگر، حتی بی‌اطلاع به پدر و مادر و همسر و فرزندان، بردند و کشتند و مخفیانه به گورهای دسته جمعی سپردند. فرمان خمینی این بود: قبل از مرگ من همه را بکشید. نگاه نکنید چه کاره است، رهبر است یا هوادار است. نگاه نکنید از کدام فکر و از کدام سازمان است، پیر است یا جوان است، زن است یا مرد است، گناهار است یا بی‌گناه است، همه را بکشید. فرورودن محاکمه مرگ من است. ادامه در صفحه ۳

کلینتون رئیس جمهور آمریکا: دولت جمهوری اسلامی در صدر حامیان تروریسم در جهان است

متحد در تلاش واشینگتن شریک شوند تا سران تهران را متقاعد سازند که دیگر نمیتوان رفتار نفرت انگیز آنان تحمل کرد. سه روز پس از کلینتون، گری سیک یکی از مشاوران وزیر خارجه آمریکا نیز در اظهار نظری تند دولت تهران را متهم به حمایت از تروریسم کرد و گفت: دولت آمریکا تلاش دارد که حداکثر فشار را بر رژیم ایران وارد آورد. وی گفت دولت آمریکا سعی کرده است با انتقاد علنی از دولت تهران، تمام جهان را متوجه اقدامات مخرب رژیم اسلامی کند. گری سیک هم چنین اعلام کرد: دولت آمریکا هم چنان به تلاش خود برای قانع کردن متحدان آمریکا ادامه خواهد داد تا مانع شود اعتبارات مالی بین المللی در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد.

رژیم ایران در کمیسیون فرعی سازمان ملل محکوم شد

انجام اقدامات تروریستی در خارج از مرزهای ایران، اعدام، شکنجه و آزار زندانیان سیاسی محکوم کرد. قطعنامه محکومیت رژیم ایران در کمیسیون فرعی مزبور با ۱۵ رای موافق، ۶ رای مخالف و ۳ رای ممتنع به تصویب رسیده است. این قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مجدداً مطرح خواهد شد.

حکومت تهران باز هم اسلحه می‌خرد

این روزها دوباره خرید اسلحه توسط ایران و حمل قاچاق آن بر سر زبان‌ها افتاده است. در فرودگاه وین پایتخت اتریش، پلیس به محموله‌ای به مقصد تهران مشکوک شد و بعد از بازرسی آن معلوم شد که محموله‌ی مذکور حاوی سیستم‌های هدایت آتش برای نصب بر تانک‌های جنگی است. این دستگاه‌های هدایت آتش در اسلوانی ساخته می‌شوند و تا حال از طریق وین به تهران صادر می‌شده‌اند. بنابه گزارش خبری روزنامه‌ی کوریور در چهار سپتامبر محموله‌ی کشف شده سیزدهمین محموله از این نوع دستگاه‌ها بوده که بر حسب اتفاق کشف و از صدور آن جلوگیری شده است. روزنامه‌ی کوریور در ادامه‌ی

شرکت در نماز و تاثیر آن در نمره انضباط

مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ادارات و آموزش و پرورش و اداره عقیدتی سیاسی ارتش سراسر کشور با صدور قطعنامه‌ای از دولت خواستند با استفاده از امکانات، دانش آموزان و کارکنان دولت را به اقامه نماز وادار سازد. در یکی از بندهای قطعنامه، ده ماده‌ای قید شده است که از زیاری کارکنان دولت و نمره انضباط دانش آموزان با یستی بر اساس شرکت آنان در نماز صورت گیرد. به همین منظور مصوبین قطعنامه خواستار بخش اذان در ادارات و مدارس، تخصیص محل و تعیین زمان اقامه نماز شده‌اند. محمدی عراقی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی یکی از سخنرانان اجلاس اظهار کرد برای اجرای

جمهوری اسلامی، حقوق زن و کنترل جمعیت

۱۵۰۰۰ هزار نماینده از ۱۷۰ کشور به دعوت سازمان ملل در قاهره جمع شده بودند که برنامه یک خط مشی ۲۰ ساله و جهانی برای کنترل رشد جمعیت، که در سند ۱۱۰ صفحه‌ای تشریح شده، را به تصویب رسانند. اما تعداد عظیم نمایندگان کنفرانس، تعداد کشورهای شرکت کننده، دوره برنامه و حجم سند در عمل نمادی شدند از عظمت و اهمیت یک پیکار عظیم عموم بشری که با شرکت همه ساکنین زمین در چهار گوشه جهان در جریان است. پیکار عظیمی که به زندگی خصوصی تک تک مردان و زنانی که در این دنیا زندگی می‌کنند، به نوع رابطه خصوصی زن و مرد و بخصوص به موقعیت زن در این ارتباط مربوط می‌شود. از سوی دیگر کنترل جمعیت یعنی کنترل فرود و تأمین رشد اقتصادی جامعه. جوامع هر چه فقیرترند نرخ زاد و ولد آنان بیشتر است و جامعه شناسی می‌گوید این یعنی فقر بیشتر، یعنی عقب ماندگی بیشتر، این یعنی حقوقی بیشتر همه انسانها و پیش از همه زنان در آن جامعه. کنفرانس قاهره عرصه چشمگیری پیکار افراد و ایده‌های متضاد در زمینه مسئله جمعیت و شیوه‌های کنترل آن شد. واتیکان و پیروانش در آمریکا لای تین و دیگر جاها به مقابله با روح سند و کنفرانس برخاستند و ایمان مسیحی را مغایر مفاد آن اعلام کردند. حکومت‌های مذهبی عربستان، سودان و لبنان کنفرانس را به کلی تحریم کردند و مفاد سند را آیه‌های شیطان‌ی نامیدند. ایران که واتیکان و ریاکاران آشکارا دل به همیاری فعالش بسته بودند این بار سازد یگری نواخت: نه تنها کنفرانس را تحریم نکرد، بلکه با اعزام بزرگترین هیات به قاهره، که برخلاف هیات ۱۷ نفره و کاملاً مردانه واتیکان، ۵۰ نفر زن چادری در آن بودند، حضوری فعال در کنفرانس را به جهان مخابره کرد. با سخنرانی نماینده ایران با جامعه روحانی دربر، در دفاع از کنترل جمعیت در موفقیت ایران در کاهش نرخ رشد آن و در دفاع اسلام و جمهوری اسلامی از حقوق زن، چشمان بنیادگرایان مسیحی و اسلامی در سراسر جهان، منجمد در تهران از حدقه بیرون زد. جنتی امام جمعه تهران و عضو شورای نگهبان که در خشک مغزی واقعا گوی سبقت را از تمام ملایان ر بوده است در سر نماز با پر خاش به دولت و هیات ایران با طیلی واقعا کم نظیر بر زبان راند. در میان سران این حکومت هنوز هم کم نیستند کسانی که رشد اقتصادی را مخصوص حیوانات و افزایش نفوس اسلام را برکت خداوندی می‌دانند. علیرغم این مخالفتها بود که حکومت تصمیم گرفت در این کنفرانس ادامه در صفحه ۲

یادداشت

زندانی سیاسی

واقعیتی که در جمهوری اسلامی انکار می شود

سران رژیم، آن زمان که هنوز برای به دست گرفتن قدرت مبارزه می کردند و به همین جهت وعده های بسیاری دادند، از جمله وعده دادند که در حکومت اسلامی می دیگر زندان و زندانی سیاسی نباشد و زندان ها به مدرسه تبدیل شوند. اما هنوز ظن این حرف ها در فضای کشور باقی بود که رژیم به آنچنان تعدادی از بازداشت های سیاسی دست زد، که زندان های ساخته شده توسط حکومت قبلی دیگر کفاف نیازها را نمی داد. شمار زندانیان سیاسی، تنها ظرف چند سال، به ده ها هزار تن سرزد. انبوه زندانیان سیاسی بدان دلیل نبود که مخالفت ها جهت براندازی حکومت گسترده بود، بدان دلیل بود که رژیم با حساسیت فوق العاده ای در جهت برچیدن فعالیت احزاب سیاسی عمل می کرد و حتی هواداران ساده احزاب را می گرفت و به زندان می افکند.

رژیم خمینی با همان مشکلی مواجه شد که رژیم شاه با آن مواجه بود. زندان ها دوباره به کانون اعتراض و مقاومت بدل شدند. همه وحشیگری ها و شکنجه های حیوانی و قرون وسطایی و اعدام های گسترده، نتوانست مقاومت ها را فرو نشاند. سران رژیم که از نقش زندانیان سیاسی در مبارزه با استبداد در حکومت قبلی و از نیروی عظیمی که خواسته ای آزادی زندانیان سیاسی در جریان انقلاب پدید آورد آگاه و بیمناک بودند، به شیوه خود در صدد پیشگیری برآمدند و آماده ی کشتار همگانی شدند. راهنما و مشوق آنها در این کار، ایدئولوژی ارتجاعی شان بود که کشتار اسرا و کفار را مجاز می شمرد و تشویق می کرد و گردن زدن چند هزار تن را تنها در یک روز از افتخارات خود می شمرد. نزدیک شدن زمان مرگ خمینی و ترس از آینده نامطمئن، رژیم را به اجرای نقشه شوم خود مصمم ساخت و حمله مجاهدین از مرزهای غربی کشور، بهانه را بدست جلادان داد و آنها تنها طی چند ماه، با قساوتی بی نظیر هزاران زندانی سیاسی را به فجیع ترین شیوه ها قتل عام کردند و گروه کثیری را که باقی ماندند، آزاد کردند و بدین ترتیب زندانها را خلوت و مساله زندانیان سیاسی را پدید نگونه ظاهرا حل نمودند.

اما زندانیان مدت زیادی خلوت نماندند. همراه با گسترش ناراضی های مردم، یار دیگر گروه گروه از مخالفین به بند کشیده شدند. روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان، فعالین سیاسی سرشناس، توده های ناراضی مردم، ارتشیان مین پرست، فعالین اقلیت های مذهبی و حتی ناراضیان وابسته به جناح های کم قدرت تر حکومت، زندان ها را پر کردند. در زندان ها همان بساطی برقرار شد که تا پیش از سال ۶۷ برقرار بود و در زندان های هر حکومت استبدادی برقرار است. زندانیان سیاسی در بدترین شرایط نگهداری می شوند، تحت فشار قرار می گیرند، شکنجه می شوند، آنها را به زور مجبوره نفی اعتقادشان می سازند و از آنها توبه می گیرند. رفتار حکومت اسلامی با زندانیان سرشناسی چون عباس امیر انظام، محمد علی عمویی و سعیدی سیرجانی تنها نمونه های از این دست است. حکومت اسلامی در حالیکه به انباشتن زندانها از مخالفین خود ادامه می دهد، کوچکترین حقوق آنها را نمی کند. این حکومت اصولاً منکر وجود زندانی سیاسی در ایران است.

همین انکار آنها و طیفه ی ما را روشن می کند. تلاش برای مجبور ساختن حکومت اسلامی به پذیرش آنکه کسانی که بدلیل ابراز مخالفت با این حکومت زندانی شده اند، زندانی سیاسی هستند و در نتیجه از حقوق شناخته شده ای برخوردارند، تلاش برای آنکه زندانیان سیاسی از این حقوق قانونی و شناخته شده برخوردار شوند و بالاخره تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی که با زداشت همه شان غیر قانونی و ضد دموکراتیک است باید به وظایف همگانی و ملی تبدیل شوند و این در گرو آن است که نیروهای سیاسی مخالف حکومت، دفاع از حقوق زندانیان سیاسی را بیش از آنچه تا کنون بوده، مورد توجه خود قرار دهند. این ضرورتی است که در سالروز کشتار زندانیان سیاسی تاکید بر آن اهمیت دوباره ای می یابد.

حکومت تهران باز هم ...

ادامه از صفحه ۱

ردیاب سلاح های شیمیایی به ایران به چهار سال زندان محکوم شد. یک کارشناس صنایع تسلیحاتی کانادا نیز اعلام کرد ۵ فروند هلی کوپتری را که شرکت هلی کوپتر سازی "بل" قصد دارد برای مصارف غیر نظامی در ماه آینده به ایران بفروشد از همان نوعی هستند که هم اکنون در ارتش ایران مورد استفاده هستند و می توانند برای مصارف نظامی تجهیز شوند و به این ترتیب "بل" از مقررات کانادا مبنی بر ممنوعیت فروش کالا های دارای کاربرد نظامی به کشورهای ناقص حقوق بشر یا درگیر در جنگ عدول کرده است.

یک مقام بلند پایه ی وزارت امور خارجه ی روسیه هم در ارتباط با ارسال اسلحه به ایران گفته است که کشورش از همکاری های نظامی و فنی با ایران دست نخواهد کشید. رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد ۳۰ هلی کوپتر حمل و نقل، از جمله ۱۰ هلی کوپتر ام. آی - ۲۶ که بزرگترین هلی کوپتر جهان است از روسیه بخرد یا اجاره کند.

مد کوراز گیرنده واقعی کالا هیچ اسمی برده نشده و فقط عبارت زیر قید شده:

ایران - تهران بانک مرکزی جمهوری اسلامی شرکت "فوتونا" دلیل انتخاب اتریش را به عنوان مقصد اول چنین بیان کرد: چون در "لیاخ" فرودگاه نیست ما بدون هیچ نیت خاصی نزدیکترین فرودگاه را انتخاب کردیم. وی در مورد معامله ی مد کور گفت ایران در سال ۹۱ قرارداد خرید سیستم های هدایت کننده ی آتش را با شرکت "ایسکارا" الکترواپتیکا امضاء و همان زمان هم چهار میلیون دلار پیش قسط پرداخت کرد. در سال ۱۹۲ اجازه ی فروش از وزارت دفاع صادر شد و از آن به بعد دستگاه های مورد معامله بطور منظم در فواصل زمانی معینی به ایران ارسال شده است. این معامله هاز نظر گمرک اسلوانی تا حال هیچ اشکال صادراتی نداشته است. یک اتریشی دیگر نیز اخیراً به خاطر تلاش برای ارسال ۹۰ دستگاه

سران رژیم از بروز نافرمانی ...

ادامه از صفحه ۱

برای آنان همراه است. به گفته همین مقام قرار است تا پایان امسال ۴۰ هزار تن از بسیجیان درجه دریافت کنند.

از سوی دیگر علیرضا افشار فرمانده نیروی مقاومت بسیج پس از مانور سراسری نیروهای بسیج اعلام کرد شرکت کنندگان در این مانور، کسانی هستند که داوطلبانه عضو گردان های عاشورا شده اند و هر زمان در هر نقطه به آنان نیاز باشد، حاضر خواهند شد. فرمانده بسیج تاکید کرد که "گمک به امنیت کشور و دفاع محلی مهمترین وظیفه گردانهای بسیج است. ماه گذشته بیش از ۲۸۰ هزار بسیجی در تهران و سراسر ایران به اجرای مانور و پرداختن که هدف آن همین اعلام شد. سران رژیم این نیروی عظیم را درست پس از شورش مردم قزوین به خیابانها ریختند تا با ایجاد رعب و وحشت قدرت سرکوب خود را به رخ مردم بکشانند. اما نمایش این نیروی ۲۸۰ هزار نفری نتوانست مانع انفجار خشم مردم در تبریز شود.

به نوشته روزنامه های تهران، در طول هفته های اخیر سران رژیم بطور مکرر نیروهای مسلح را به قاطعیت و سرکوب ناآرامی های مردمی فراخواندند. روشن ترین پیام رادر این زمینه خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی داد. وی به نیروهای امنیتی و نظامی فرمان داد که از اقتدار دولت دفاع کنند و با کسانی که "نظم عمومی" را بر هم می زنند هیچ گونه اغماضی را روا ندارند. پیش از او محمد علی بشارتی وزیر کشور و جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح در نیروهای انتظامی در سمنان مسئولان و فرماندهان این نیرو از آنان خواهان اطاعت مطلق از فرمان و دستورات خامنه ای شد و از آنان خواست که در مقام فرماندهی

نسبت به نیروهای تحت امر خود با قاطعیت و اقتدار عمل کنند. او در عین حال به نیروهای مسلح هشدار داد که از سیاست برکنار بمانند و تنها گوش به فرامین خامنه ای داشته باشند.

میدان دادن به بسیج و هشدارهای مکرر به نظامیان که از رهبر جمهوری اسلامی اطاعت کنند و با مخالفین حکومت با خشونت و بدون اغماض روبرو شوند بازتاب نگرانی های عمیقی است که در سران رژیم نسبت به واکنش آتی نیروهای مسلح به ویژه ارتش در برابر شورش های احتمالی تازه پدید آمده است. دلایل برای بروز این نگرانی بسیار است.

هم در شورش های ۲ ساله گذشته و از جمله در مشهد و هم در جریان شورش اخیر در قزوین نیروهای مسلح مستقر در محل از مقابله سریع، موثر و مورد نظر رژیم با مردم ناتوان ماندند. اخبار منتشره در مورد خودداری واحدهای لشکر ۱۶ زرهی ارتش از سرکوب تظاهرات مردم که سران حکومت را ناگزیر ساخت واحد های سپاه پاسداران را از نقاط دیگر برای خواباندن شورش به قزوین اعزام کنند، هشدار دهنده تر از آن بود که بتوان نادیده اش گرفت.

از جمله اخباری که منبع آن روشن نیست، انتشار نامه ای است به امضای سرلشکر علی شهبازی رئیس ستاد مشترک ارتش به علی خامنه ای. در این نامه رئیس ستاد ارتش خواستار مداخله ی خامنه ای برای پایان دادن به رفتار توهین آمیز و سرکوبگرانه اداره عقیدتی سیاسی ارتش علیه پرسنل نظامی شده است. در این نامه گفته شده است: "فرزندان ارتشی مدتی است تحت فشار دائم عناصری قریب

خورده در اداره عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و این عناصر به بهانه خودداری یگانهای ارتش جمهوری اسلامی از دخالت در ماجرای قزوین، مزاحم جان و مال تعدادی از فرماندهان جان بر کف ارتش جمهوری اسلامی ایران شده اند. از محضر مبارک... استدعا می شود تا دستور فرمایند این عناصر قریب خورده دست از اقدامات عوام فریبانه خود بردارند." پاسخ خامنه ای به تقاضای رئیس ستاد مشترک ارتش، که کوتاه و مختصر و بیش از آن دوپهلواست، در زیر همان نامه چنین تحریر شده است: "با سپاس. من نیز پیوند مهرو عطفوت را میان ارتش و مردم از خداوند متعال مسئلت می کنم." تاریخ این نامه ۲۵ مرداد ۱۳۷۳ است.

بیش از آن نامه های دیگری از چهار تن از فرماندهان ارتش و سپاه خطاب به رهبری سیاسی کشور انتشار یافته بود که امضاء کنندگان آن از سران رژیم خواسته بودند ارتش و نیروهای مسلح را در ناآرامی های داخلی درگیر نسازند. از جمله نامه های دیگری که در این زمینه انتشار یافته است، نامه فرمانده لشکر ۱۷

نیروی زمینی سپاه پاسداران به محسن رضایی فرمانده سپاه است. در این نامه از قول فرمانده این لشکر آمده است که: "از تاریخ ۱۳۷۳/۶/۱ بن لشکر در هیچ یک از ماموریت های مربوط به امنیت داخلی شرکت نخواهد نمود." بیانیه هایی نیز از طریق پست تصویری (فاکس) به مراکز نیروهای ایزدیسویون فرستاده شده است که خبر از تشکیل نهضتی بنام "نهضت ملی نیروهای مسلح ایران" می دهد. در این نامه ها حملات تند ی به سران

جمهوری اسلامی، حقوق زن و ...

ادامه از صفحه ۱

شرکت کنند و دلیل این تصمیم نه تنها تن دادن به این واقعیت که باید جمعیت را کنترل کرد، بلکه هر چیزی از یک درگیری و رویارویی تازه با غرب و گشودن جبهه اسلامی در کنفرانس نیز بود.

با این همه پس از مدتها، این اولین بار بود که ایرانیان بر روی تلکس خبر گزارها درباره حکومت ایران خبری به جز ترور و بمب گذاری و آدم زدنی و قطع رابطه و غیره و غیره، خبری با بار مثبت می شنیدند. شواهد می گویند در سالهای اخیر دولت سیاستهای فاجعه بار افزایش نفوس را رها کرده و ضرورت کنترل جمعیت را پذیرفته است؟ آیا این خود مثبت است. اما این تحول به راستی تا چه میزان است؟ آیا آمارهای ارائه شده واقعی است؟ آیا امضا سند قاهره به معنای پایبندی کلیت این رژیم به مفاد آن است؟ آیا حضور ۵ نماینده زن در ترکیب هیئت ایران برای باور به او اینها به حقوق زن کافی است؟

نقض حقوق زن و افزایش جمعیت امروز چنان با هم گره خورده اند، و این هر دو به خصوص در جهان سوم چنان امکانات رشد و رفاه را برپا می دهند که امروز هیچ انسان کار دار دور اندیش دیگر در اندیشه دستیابی به رشد و رفاه بدون کنترل جمعیت نیست و کنترل جمعیت را بی توجه به حقوق زن ممکن نمی شمارد. بازن چشم و گوش بسته ای که هنوز نوجوانی را ندیده و حتی تن خود را هم نشناخته است و در حالی که روحش هم از معنای هم آغوشی خیر ندارد به شوهر می رود و خانه نشین می شود، با سیطره فکر و فرهنگی که مهمترین وظیفه و فایده زن را تمکین و تمکین و تمکین و زاییدن و زاییدن می داند، تنها نرخ بالای مرگ و میر جگر گوشگان، نرخ جمعیت را کنترل خواهد کرد.

دلیلی برای تردید در اینکه امضای جمهوری اسلامی پای سند ۱۱۰ صفحه ای ملل متحد در زمینه سیاست گذاری توسعه و جمعیت، با نوع پذیرش و امضای اسناد سازمان ملل در زمینه حقوق بشر تفاوت کند وجود ندارد. در شرایطی که صرف شرکت نمایشی و اضافه شدن امضای ایران زیر ۱۷۰ امضای دیگر تا این حد خشم روزنامه های هوچی را برانگیخته است، به خواب هم نخواهیم دید که اینان حتی اجازه دهند متن سندی که پیش امضا نهاده اند به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شود:

... سلامت آمیزش جنسی عبارت است از همانند جنبه های بدنی، عاطفی، فکری و اجتماعی حیات جنسی، به شیوه ای که شخصیت رابطه و عشق را اغنا و تعالی بخشد. سلامت آمیزش جنسی بر خورد مثبت با حس جنسی انسان و هدف آن تعالی حیات و رابطه خصوصی است، مفهومی که از موضوع سلامت تولید مثل و یا امراض مقاربتی پس فراتر است. مفهومی و این فقط یکی از دهها فرازی است که در بیانیه آمده است. مفهومی

رژیم شده و از ارتشیان خواسته شده است که در برابر تلاش حکومت برای کشتادن ارتش و سایر نیروهای مسلح به سرکوب جنبشهای مردمی مقاومت کنند. بر پایه همین اخبار گفته می شود که در اصفهان سپاه پاسداران به یازده "ناحیه مقاومت" تقسیم شده است و به هر یک از واحدهای نواحی یازده گانه اجازه داده شده است در صورت لزوم، بدون اتلاف وقت برای اخذ دستور از ارگان بالاتر مستقلا وارد عمل شوند.

منابع انتشار این اخبار و در نتیجه میزان صحت آنها هنوز روشن نیست. اما نشانه های ناراضی در میان نیروهای مسلح آنچنان واقعی است که سران رژیم نیز دیگر نمی توانستند خود را نسبت به آن بی تفاوت نشان دهند.

شرکت در نماز

تاثیر آن ...

ادامه از صفحه ۱

مورد علل عدم گرایش دانش آموزان به اقامه نماز تحقیق کرده و معلوم شده است که ۳۳ درصد مشکلات دانش آموزان در ارتباط با اقامه نماز مربوط به خانواده آنان است یعنی اینکه خانواده های دانش آموزان سر راه اجرای برنامه های رژیم در مدارس سنگ اندازی می کنند.

در همین اجلاس آیت اله جنئی گسترش "منکرات" در ادارات راما به ننگ جمهوری اسلامی خواند و تاکید کرد "حقوق بگیر دولت اسلامی باید سربازی برای اسلام باشد.

کدام یک بدوی و توحش آلود و کاملاً یکجانبه حکومت اسلامی از رابطه مرد با زن نه تنها کاملاً بیگانه که عمیقاً متضاد است.

کسی که امروز در کشور ما اعلام کند "این نه تنها حق حکومت و جامعه نیست که زن را - و در بدی و وسعت هر چه کس را - به دلیل تصمیمی که درباره جسم خود می گیرد تحت پیگرد و مجازات قرار دهند، بلکه نه آنها و نه هیچ کس دیگر حق ندارد اطلاع از آن تصمیم را حق خود بداند" تصور نمی رود جرمش در این حکومت چیزی کمتر از سلمان رشدی تلقی شود. مگر به همین جرم تا کنون دهها زن در ایران اسلامی سنگسار نشده اند؟

در ایران ما چه به دلیل سیطره تفکر بنیادگرایانه و چه به دلیل فرهنگی که طی قرنهای اشاره داده شده و در عمل به نوعی ارزش بدل شده است، هنوز تا روزی که سند سازمان ملل در بعدی مرد می پذیرفته و به کار گرفته شود راهی بس طولانی در پیش است. آنچه طی قرنهای توسط عالمین حکومت در جامعه ترویج و به سند پایدار بدل شده است به سادگی و سهولت تغییر پذیر نیست. آگاهی هر فرد از حقوق خود و ایستادگی در مطالبه آن حق، اصلی ترین پشتوانه تسهیل این تغییر پذیری است.

آنچه امروز عاجل و نیز تحقیق پذیر است جبران سالها سیاست ویرانگرایانه جمهوری اسلامی در زمینه تشویق مولید است. به کار انداختن هر چه بیشتر سرویس های تنظیم خانواده در سراسر کشور است. آشنا کردن مادران و پدران با روشهای جلوگیری از بارداری و توزیع رایگان وسایل آن در خانواده ها از موثرترین کارهایی است که حتی در کوتاه مدت نیز ثمربخش است. در نظر گرفتن امتیازات اقتصادی معین برای خانواده های کم اولاد، بالا بردن سن ازدواج، سرمایه گذاری بیشتر برای تسریع سواد آموزی همگانی بخصوص برای جلب بیشتر دختران به تحصیل در میان مدت حائز تاثیرات معین است. در سیاست دراز مدت تغییر ساختار خانواده، رشد درصد اشتغال زنان و بویژه اعتلای بیشتر موقعیت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زن و نزدیکی گرداندن آن با موقعیت مرد در سطح جامعه و خانواده

پایان بخش بحران رشد سرطانی جمعیت است. درمانپذیری بنیادین رشد بیمارگونه جمعیت و فلا کتهای اقتصادی ناشی از آن در گرو تغییر بنیادین تلقی جامعه از زن و فراتر از آن از مقام و موقعیت هر انسانی است که روی کره خاک پای می گذارد. هر چه قدر انسان قدر خویشتن خود را، قدر هر کودکی را که پا به عرصه زندگی می نهد را بهتر بداند، به همان میزان حفظ و سلامت و تربیت و سعادت در حیات اجتماعی اهمیت و بالاتری می یابد. در جامعه ای که سطح رشد آن مقام والای هر انسان را به وی بازگردانیده است مرض رشد سرطان گونه جمعیت برای همیشه از دل ریشه کن شده است.

دومین سالگشت ترورد کتر شرفکندی و یارانش

دو سال از ترورد کتر شرفکندی و یارانش گذشت. ۲۶ شهریورماه سال ۷۲ تروریست‌های رژیم اسلامی صادق شرفکندی، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، نوری دهکردی، شخصیت منفرد چپ، فتحاح عبدلی، نماینده حزب دموکرات کردستان ایران در اروپا و همایون اردلان مسئول این حزب در آلمان را ترورد کردند.

شرفکندی دومین دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران بود که توسط تروریست‌های رژیم اسلامی به قتل رسید. ترورد کتر شرفکندی بخشی از نقشه پلید رژیم برای محروم کردن اپوزیسیون از چهره‌های مؤثر و پرنفوذ آن و ایجاد رعب در صفوف آن بود.

بی‌شک این ترورد ضربه‌ای بود بر حزب دموکرات و اپوزیسیون. ولی سرکرده‌گان حکومت تصور نمی‌کردند که این ترور به کارزاری وسیع در مقیاس جهانی علیه آن تبدیل شود و جمهوری اسلامی به عنوان متهم اصلی در دادگاه برلین به محاکمه کشیده شود.

ولی فایتلین شرفکندی و یارانش دستگیر و روانه زندان شدند و در بازجویی از آنان معلوم شد که وزارت اطلاعات سازمان گراپ ترورد کرده است. رژیم اسلامی کوشید مانع از انتشار حقایق مربوط به این ترور شود، اما موفق به این کار نشد. در نشریات معتبر آلمان نظیر اشترن، اشپیگل و فوکوس گزارش‌ها و اسنادی به چاپ رسید که در آن‌ها نقش رژیم اسلامی در ترورد برلین فاش شده بود.

در نشریات اپوزیسیون در خارج از کشور و از جمله در نشریه کار مقالات متعددی در افشای نقش رژیم اسلامی در ترورد برلین درج گردید. برخی نیروهای اپوزیسیون به فعالیت گسترده‌ای در افشای تروریسم رژیم دست زدند. در برلین و در برخی از کشورهای کمیته‌های ضد ترور تشکیل شدند. در این کمیته‌ها جریان‌های مختلف سیاسی و فکری شرکت داشتند. فعالیت نیروهای اپوزیسیون موجب آن شد که مسئله ترورد مخالفین توسط شبکه‌های ترور رژیم اسلامی در خارج از کشور در سطح بین‌المللی و در قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل با جدیت بیشتری طرح گردد.

گرچه برخی از مقامات دولت آلمان تلاش نمودند تا دخالت حکومت اسلامی در ترورد برلین را پنهان بکند، ولی سرانجام دادستانی فدرال آلمان در کيفرخواست تنظیمی خود داریابی سازمان گراپ اصلی این ترور را مورد خیران سفر فلان حیوان به آلمان دولت این کشور را شایسته تحت فشار قرار داد و خواهان جلوگیری از تشکیل دادگاه و یا حداقل به تعویق انداختن آن شد. ولی رژیم اسلامی در پیشبرد این خواست خود نیز تا کام ماند. سرانجام دادگاه محاکمه فایتلین شرفکندی و یارانش تشکیل شد و به دادگاه محاکمه رژیم اسلامی بدل شد. کار دادگاه هنوز به اتمام نرسیده و حکم نهایی آن صادر نشده است. اما صرف نظر از رأی دادگاه مجموعه تلاش‌های صورت گرفته در دو سال اخیر موجب افشای وسیع تروریسم رژیم اسلامی و بیدار کردن وجدی سازمان‌های بین‌المللی به این مسئله شده است.

همه در "دفا تر ریاست جمهوری" خدمت کنند!

تشکیلات مجاهدین در خارج از کشور منحل شد

مردمی یعنی شورای ملی مقاومت ایران در برابر دیکتاتور پلید آخوندی است. انحلال تشکیلات مجاهدین خلق در خارج از کشور آنچنانکه در اطلاعیه‌ی شورای رهبری مجاهدین گفته شده، بر اساس مباحث اجلاس میان‌دوره‌ای شورای ملی مقاومت، و به دستور رهبری مجاهدین اتخاذ شده است و اعضای تشکیلاتشان به دستور رهبری منحل شده، خود هیچگونه نقشی در این تصمیم‌گیری نداشته‌اند.

انتخاب رئیس جمهور برای مردم ایران از سوی شورای ملی مقاومت، از سوی تمامی نیروهای سیاسی اپوزیسیون که عضو شورای ملی مقاومت نیستند، به عنوان یک عمل غیردموکراتیک مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفته است.

تصمیم اخیر رهبری مجاهدین خلق را در درجه‌ی نخست باید گامی تازه در راستای تلاش این سازمان برای فاصله گرفتن از سیاست‌های گذشته‌ی خود به منظور تبدیل شدن به یک "آلترناتیو مطلوب" برای غرب دانست. در همین رابطه آنان از مدتی

شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق در بیانیه‌ای که به مناسبت سی‌امین سالگرد تأسیس این سازمان منتشر کرد، تشکیلات مجاهدین خلق در خارج از کشور را به حذف فعالیت‌های منحل کرده و به فعالیت خود در این پس در "دفا تر ریاست جمهوری" ادامه دهند. خیر تأسیس این دفا تر ریاست جمهوری از راهپیمایی مجاهدین در ۳۰ تیر ماه، مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت اعلام کرده بود. در پی اطلاعیه‌ی شورای رهبری مجاهدین، ۵۳ تن از اعضای اصلی و کاندیداهای این شورای نیز به منظور خدمت در "دفا تر ریاست جمهوری" از مسئولیت‌های خود استعفا دادند. در اطلاعیه فوق‌الذکر آمده است که: "تأسیس دفا تر ریاست جمهوری در کشورها و نقاط مختلف، بهترین پاسخ به نیاز طیف گسترده‌ی ایرانیان و اقشار و تمایلات گوناگون هموطنانمان برای ارتباط با یکدیگر و بارئیس جمهوری باشد. ارتباطاتی که گسترش و تحکیم آن یک نیاز مبرم ملی و ضرورت اعتلای مقاومت میهنی و تنها جایگزین دموکراتیک و

خامنه‌ای خطاب به نیروهای امنیتی و انتظامی:

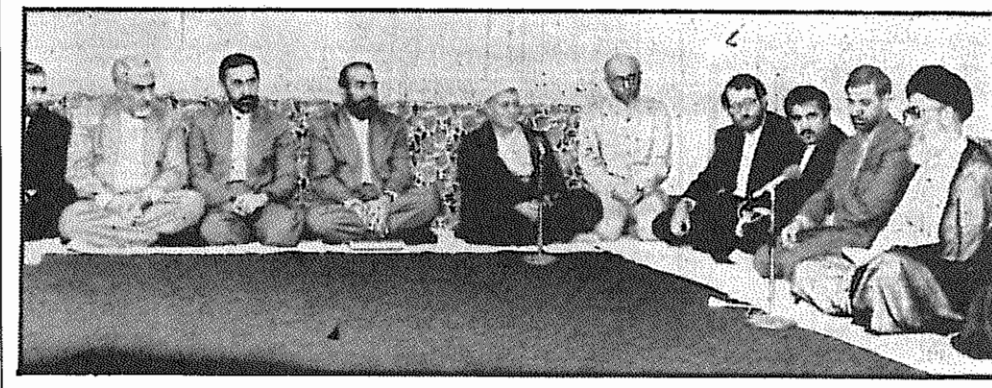
به معترضین رحم نکنید!

با همه‌ی وجود حس می‌کنند. خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانش گفت: "البته وعده داده شده و گفته شده است که کارهایی از قبیل تأمین اجتماعی و غیره انجام می‌شود، منتهی تا اینها انجام بشود و تحقق پیدا کند، فکرمی‌کنم دیر خواهد شد. باید کارهای ضربتی کرد. باید بنای کار را بر این قرارداد که به طبقات ضعیف و عقب مانده‌ی جامعه رسیدگی بشود، به هر شکلی که ممکن است.

خامنه‌ای به وزرا رهنمود داد: "به مسئله‌ی تبلیغات خیلی اهمیت دهید. بنظر نمی‌رسد که سخنان او و در مورد گرانی تنها یک "تبلیغ" موردی دیگران باشد. در این سخنان احساس نگرانی رهبر جمهوری اسلامی از اوضاع

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با هیئت وزیران بمناسبت هفته‌ی دولت، نسبت به اوضاع بد اقتصادی مردم، گرانی و احتمال گسترش ناامنی در کشور هشدار داد. خامنه‌ای در مورد گرانی گفت: بارها ما این مسئله را گفته‌ایم. من عقیده ندارم این گرانی که الان در کشور ما وجود دارد، غیر قابل اجتناب است. وی ضمن رد استدلال همیشگی رفسنجانی در مورد مقایسه‌ی قیمت‌ها بین ایران و کشورهای همسایه، افزود: البته اگر ما کشور خودمان را با کشورهای همسایه مقایسه کنیم، در کشور ما ارزانی است. اما ما به کشورهای همسایه چکار داریم؟ ما امکاناتی در کشور داریم. این گرانی البته برای بعضی‌ها اصلاً محسوس نیست، اما یک فشری هم هستند که این گرانی را

و خامت با اقتصاد مردم به خوبی آشکار است. اما رهنمود واقعی و اصلی او برای مقابله با این وضع نه رسیدگی واقعی به مسائل مردم، بلکه تأکید بیشتر بر نیروهای انتظامی و سرکوب است: "نگذارید اقتدار دولت شکسته بشود. بعضی‌ها دوست دارند اقتدار دولت را بشکنند که اینها در حقیقت می‌خواهند اقتدار ملی را بشکنند. شما این را اجازه ندهید. دستگاه‌های امنیتی و انتظامی مسئولیت دارند. باید با کسی که با نظم عمومی مقابله و معارضا می‌کند و اختلال و خدشه ایجاد می‌کند برخورد بشود. نباید نسبت به کسی که نظم عمومی را خراب می‌کند، حنا اندکی اغماض رواداشت.



نام نیکی گریمانندز آدمی...

ادامه از صفحه ۱

اکنون او رفته است. و در بهشت زهرا در این روزها بر روی هر قطره اشکی که در چشمان جگر سوختگان حلقه می‌زند تصویر آن "سرای زرنگار" که کمی آن سوتر به جامانده نقش بسته است.

۶ سال پیش بود آن روزهای دلهره. اما هنوز داغ و سوز آن عزیزان بردل هاست. هزاران گل آرزو پرپر شد. گنجینه‌ای گرانقدر بر باد رفت. تاریخ چیزی را فراموش نخواهد کرد. نسل به نسل، سینه به سینه نقل خواهند کرد که با آن فرزندان آزاده این خاک چه کردند آنها.

امروزها، به دیدار مادران، پدران، همسران و فرزندان که در فاجعه ملی داغ دیده‌اند خواهیم رفت تا به آنان و تمام مردم ایران بار دیگر بگوییم همه‌ی آن آرزوهای شریف را چون مردمک چشم گرامی خواهیم داشت. ما به یکدیگر خواهیم گفت میدانیم که این زمستان خواهد رفت، این کلیه احزان بجا نخواهد ماند، اما نام نیکی آن رفتگان شریف بر تارک تاریخ زرنگار خواهد شد و خواهد ماند و خواهد ماند و خواهد ماند.

آیا شکستن شاخ این طرز فکرها ما میسر است نیست؟

کوبا، کیهان لندن و نامه مردم

بسیار شده است که هر فدايي خلق از خود بپرسد آیا واقعا راست است که من می‌خواهم خود را در راه مردم فدا کنم؟ پاسخ‌ها گاه این بوده است که آری در راه نجات خلق باید قربانی داد و گاه نیز پاسخ این شد که نه، من قبل از آنکه فدایی خلق باشم باید پیشرو خلق باشم. مسئولیت هدایت جنبش مردم در راه مطالباتشان بر عهده من است.

اما فدایی خلق هیچگاه آرزو نکرد که خلق را فدای خود کند. با اینحال مادر سالهایی با کسانی همراه شده‌ایم که پاسخ‌های اساسا وارونه به مساله می‌دهند: اگر قربانی شدن خلق از عهده نجات اندیشه من، حکومت من، و حتی شخص من برآید بگذار، از خونش رودخانه‌ای خروشان جاری شود. مهم این نیست بر سر مردمی که خود را به من سپرده‌اند چه خواهد آمد، مهم این است که ایده‌هایم از پا نیفتند، حکومتم برپا بماند، مهم این است که به شکست تن ندهیم. ما تو گفت امپریالیسم ببر کاغذی است، خروشچف پاسخ داد اما ندان آنمی‌دازد. ما تو گفت حد اکثر دو سوم از بین می‌روند و بقیه خوشبخت خواهند شد. هزار بار شکر که کار به از من دو سوم نکشید. آنچنان که خروشچف می‌خواست همزیستی مسالمت آمیز و رقابت اقتصادی و سیاسی و مبارزه با ایدئولوژیک جنگ سرد را پایان برد. اما نه بسودشرف.

زمانی که چشم انداز شکست قطعی می‌شد در میان چپ ایران دو نظر پدیدار شد: یکی شعار استقامت بیشتر می‌داد و می‌گفت مردم باید بیشتر فداکاری کنند. فداکاری وظیفه ماست. دیگری می‌گفت امروز فداکاری تغییر و اصلاح خویش است. "نامه مردم" فکر "فدایی‌یاد خلق" و "کار" دگرگونی فکر فدايي خلق را در مقابل خود یافتند. به تعبیر ما و نه به تائید نامه مردم، این شد جوهره جدایی دو فکر.

کیهان لندن که اساسا به حمایت حامیان رژیم سلطنت تحریر و نشر می‌یابد، می‌نویسد که خواهان استقرار دموکراسی است و از فکر آشتی با مخالفان سلطنت، منجمله با چپ‌ها و جمهوری خواهان و از گفتگو و اشتراک مساعی با آنان هواداری می‌کند. و سؤال مکرر اینان از آنان همواره این بوده است که چگونه می‌توان به شما اعتماد کرد که این خواسته نه ناشی از در حکومت نبودن، که ناشی از اعتقاد شما به اصول دموکراسی است. از کجا معلوم که اگر مجدداً خودی نا کرده دنیا به کامتان شود، از نو با مخالفان آن تکبید که دیر روز کرده‌اید؟ برق سبطه استبداد حاکم بر کشور و همجنوایی همه مخالفان رژیم با یکدیگر در اعتراض علیه آن و هواداری همگانی از شعارهای آزادی و دموکراسی و حقوق، فضای ساخته است که کمتر می‌توان تصور کرد که این یا آن فکر اگر قدرت می‌داشتند با مردم چه می‌کردند.

با سقوط شوروی از همان ابتدا برای هیچکس تردیدی نبود که برای کوبا ثبات عمر زندگی به شیوه سابق سرآمده است. مساله این بود که حالا حکومت چه باید بکند و به این سوال ایرانیان سه پاسخ متفاوت داده‌اند: "کار بر ضرورت اصلاحات انگشت گذاشت و دکتراسترو را به تغییر در روش خود، مدارا با مخالفان در سیاست داخلی و خارجی دعوت کرد. "کار" دولت بوش را نیز به لغو تحریم‌ها و مذاکره با کوبا فورا خواند.

"نامه مردم" کاسترو را به ادامه راه سابق و مردم کوبا را به فداکاری بیشتر دعوت و سفارش کرد همه چیز خود را باید تا آخرین نفس در راه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و در دفاع از انقلاب کوبا و حکومت برآمده از آن قربانی کنند.

"کیهان" لندن به آمریکا هشدار داد که مبادا در برابر کوبا انعطاف نشان دهد و پیشنهاد مذاکره با کاسترو را بپذیرد. مذاکره بیهوده است، باید گلولی کوبا را آتقدرفشرد تا دیکتاتور از پای درآید. کاسترو هیچ کاری ندارد بکند جز آنکه فوراً بدست آمریکا سرنگون شود.

اما نه کاسترو و نه کلینتون هیچکدام آن حد از تعصب و خودبینی که نامه مردم و کیهان لندن خواب آن را دیده بوده‌اند، از خود نشان ندادند. آمریکا پیشنهاد مذاکره با کاسترو را بپذیرفت و مذاکرات نه تنها با موفقیت پیش رفت و به توافق معقول حول مساله مهاجرین انجامید، بلکه تا آنجا که پیداست ابعاد آن تعمیم یافته و می‌رود که کلیت مسایل فیما بین رادبر گیر و وزیر خارجه کوبا در ماد درید برای اولین بار پس از ۳۲ سال با مخالفین به گفتگو نشست.

و این سوال پیش روی ما مانده است که اینها اگر کاسترو بودند چه به روز آن ۱۰ میلیون مردم معصوم می‌آوردند و آنها اگر کلینتون بودند با زهم آن مردم محکوم بودند به خاطر عصیان در برابر ستم و استبداد تا دم مرگ کفار پس دهند. آیا شکستن شاخ این طرز فکرها ما میسر است؟

واکنش دبیر اول حزب توده ایران و کیهان لندن در بحران مهاجرین کوبا، واقعا خواندنی است:

علی‌خاوری دبیر اول حزب توده ایران: ... محاصره اقتصادی، فشارهای سیاسی و نظامی امپریالیسم در تمامی این سالها با مقاومت شجاعانه مردم کوبا با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شده است... مقاومت دلیرانه مردم کوبا، علیرغم شرایط طاقت فرسای اقتصادی که به آنان تحمیل کرده است تا کنون آرزوهای امپریالیسم را نقش بر آب کرده است. دولت کلینتون مترصد است تا با تشدید جنگ روانی علیه کوبا از یکسو افکار عمومی داخل آمریکا را از شکست‌های سیاست‌های داخلی‌اش منحرف کند و از سوی دیگر شرایط را برای یک حمله نظامی علیه کوبا آماده کند...

نامه مردم ۸ شهریور ۱۳۷۳

کیهان لندن:

باور کردنی است که فیدل کاسترو صدای این ناقوس (مرگ خود) را نشنیده باشد؟ بعید نیست. زیرا وی در آن وقت که می‌توانست، با آمریکا مذاکره‌ای نکرد، ولی امروز که نمی‌تواند، پیشنهاد مذاکره می‌دهد. گفته‌اند کلینتون در سیاست جهانی تجربه‌ای ندارد. اما نیازی به تجربه نیست تا بداند مذاکره با مردمی که آفتاب عمر سیاسی‌اش لب‌بام است فایده‌ای ندارد که هیچ، منتهی نادانی هم هست. مذاکره با کاسترو موفقیت او را اگر هم محکم نسازد، هر آینه در جهت معکوس سیاستی است که واشنگتن در برابر دیکتاتور کوبا در پیش گرفته است: سرنگونی.

کیهان لندن ۱۰ شهریور ۷۳

تغییرات وسیع در دستگاه قضایی کشور

محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور شد

آیت الله محمدی گیلانی دبیر شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی از سوی محمد یزدی رئیس قوه قضاییه به سمت ریاست دیوان عالی کشور برگزیده شد. رئیس سابق دیوان عالی کشور آیت الله مرتضی مقتدایی بود. محمدی گیلانی در دوره ای که ریاست کل دادگاه های انقلاب را برعهده داشت شمار کثیری از زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، زن و مرد، دختر و پسر کم سن و سال را اعدام محکوم کرد. دوتن از فرزندان او جزو اعدای سیاسی بودند که حکم شان را خود وی صادر کرد. مرتضی مقتدایی به جای ابراهیم موسوی تبریزی به سمت دادستان کل کشور انتخاب شد. موسوی تبریزی از پنج سال پیش دادستان کل کشور بود. وی چندی پیش استعفاي خود را به یزدی رئیس قوه قضاییه تحویل داد اما با آن موافقت نشد. اکنون یزدی ضمن موافقت با استعفاي موسوی وی را به حوزه علمیه فرستاد. در تهران اعلام شد که هدف استعفاي موسوی تبریزی بازگشت وی به حوزه علمیه قم جهت تدریس بود. آیت الله یزدی در حکم انتصاب موسوی تبریزی به عنوان مشاور نوشت: "با پذیرش استعفاي آن جناب که مدتی است نزد ما نگهداری شده، جناب عالی را به عنوان مشاور عالی قضایی منصوب می کنم".

در انتصاب های اخیر قوه قضاییه حجت الاسلام ابراهیم رئیس به جای حجت الاسلام محقق داماد به ریاست بازرسی کل کشور منصوب شد. ابراهیم رئیس تا زمان اجرای قانون جدید دادگاه های عام همچنان ریاست دادسراها و دادگاه های انقلاب اسلامی استان تهران را برعهده خواهد داشت.

حجت الاسلام محقق داماد دو ماه پیش وضع دستگاه قضایی را غیر قابل تحمل خواند و در اعتراض به فساد مزمن در همه دستگاه های اداری و قضایی از مقام خود استعفا کرد. استعفاي محقق داماد آغازگر تغییرات دردناک گسترده بود. ریاست قوه قضاییه تا ۵ سال آینده برعهده محمد یزدی است. حکم ریاست وی روز ۲۲ تیر ماه از سوی خامنه ای صادر شد.

علاوه بر تغییرات فوق، رئیس قوه قضاییه با صدور احکام جداگانه روسای جدید دادگستری تهران، معاون قضایی دیوان عالی کشور، دادستان انتظامی قضات و رئیس شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات را منصوب کرد. در جریان این تغییرات روسای دادگستری بسیاری از استانها نیز عوض شدند. حضور محمد گیلانی چهره سرشناس رژیم در راس دیوان عالی کشور نشانگر نزول بیشتر دستگاه

سردبیر روزنامه سلام: خدایا شکر اشتباهم غیر عمد بود!

روزنامه کیهان تهران به سرپرستی و سردبیری شریعتمداری در شماره ششم شهریورماه با چاپ مقاله ای با عنوان "جوابیه سلام و نظر ما"، عباس عبدی سردبیر روزنامه سلام را به تحریک و ترغیب مردم به شورش علیه رژیم و حمایت از شورش قزوین متهم ساخته و نوشته است که در آینده نزدیک "لیست مستندی از دشمنان تا بلودار اسلام را که به مخالفت خوانی علیه کیهان مشغولند منتشر خواهد کرد".

پرونده سازی کیهان علیه نویسندگان و حتی نویسندگان درون حکومتی اما مخالف جناح حاکم واز جمله عباس عبدی سابقه و نوبینه دارد. یک سال پیش عبدی بر اساس شانناژ و پرونده سازی کیهان به زندان محکوم شد و به مدت چندین ماه از کار مطبوعاتی دور ماند. عبدی پس از آزادی با سمت سردبیر سلام در رابطه با حوادث قزوین سلسله مقالاتی تحت عنوان "از لس آنجلس تا قزوین" نوشت و سیاست رژیم و مطبوعات وابسته به آن از جمله کیهان را مورد انتقاد قرار داد.

روزنامه کیهان در شماره ۲۴ مرداد در پاسخ به انتقاد عبدی در مقاله ای تحت عنوان "این کجا و آن کجا" مقایسه حادثه قزوین با لس آنجلس را از سوی عبدی یک "ارزیابی سطحی" جانبدارانه "اتحاد با کاخ سفید" و "اصرار برای تطهیر آمریکا" خواند و ابراز امیدواری کرد که عبدی از سر "آگاهی" و بطور غیرعمد به حمایت از شورش قزوین برخاسته است. عبدی در جوابیه نوشت: "خدایا شکر که به یک اشتباه عمدی متهم نشدم و طرافت عمیق درک نویسنده محترم در اینجا بخصوص شامل حال حقیر شد و الا معلوم نبود اگر متهم به اشتباه عمدی می شدم الان چه سرنوشتی در انتظارم بود".

اخبار کوتاه

۲۸ میلیون نفر زیر ۱۵ سال

در حال حاضر ۲۸ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر ۱۵ سال قرار دارند که به زودی ۱۴ میلیون زوج بارور را تشکیل خواهند داد و اگر هر کدام از این زوجها تنها دو فرزند داشته باشند کشور با افزایش جمعیت چشمگیری روبرو خواهد شد.

یکی از مدیران کل وزارت بهداشت با اعلام این خبر گفت: هنوز ۴۰ درصد از حاملگی ها در کشور ناخواسته است که پیامدهای آن میتواند هشدارنده باشد. درباره میزان مولدوی گفت: به موجب نمونه گیری وزارت بهداشت در خرداد ماه امسال، میزان مولد به ازای هر یک هزار نفر جمعیت ۲۱/۸ بوده است. این مقام وزارت بهداشت افزود تعداد کل مولد ثبت شده در این در سال گذشته حدود یک میلیون و ۳۸۵ هزار بوده است. این رقم در سال قبل از آن (۷۱) دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود.

ناطق نوری: وارد کوجه بن بست آمریکانمی شویم

ناطق رئیس مجلس در یک سخنرانی که اخیراً در کرج داشت گفت: در سیاست مجلس کوجه بن بست به نام آمریکا وجود دارد که ورود به آن ممنوع است. وی گفت: جمهوری اسلامی ایران بر مسئله فلسطین و قبله اول مسلمین با کسی معامله نخواهد کرد و تا آخرین لحظه پشت سر رهبر معظم انقلاب از مردم این سرزمین حمایت می کند.

امتیاز روزنامه ابرار واگذار شد

امتیاز روزنامه ابرار که تا پیش از این به غفور گرشاسبی تعلق داشت، به سید محمد صفی زاده واگذار گردید. صاحب امتیاز و مدیر مسئول ابرار چند ماه پیش با درج آگهی خیریه داده بود که قصد واگذاری امتیاز ابرار را دارد. هفته گذشته روزنامه های تهران نوشتند که این اقدام با حضور و تأیید هیأت نظارت بر مطبوعات صورت گرفت و سید محمد صفی زاده صاحب امتیاز و مسئول روزنامه ابرار گردید. سید محمد صفی زاده قبلاً ریاست فدراسیون فوتبال را عهده دار بوده است.

نرخ آب برای مصارف بالا ۲ برابر می شود

تعرفه های آب آشامیدنی برای مصارف بالا از سال آینده به میزان ۱/۵ تا ۲ برابر افزایش می یابد. آب بهای دریافتی به ازای هر متر مکعب ۵۰۰ ریال پیش بینی شده است. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب که این خبر را اعلام کرد، نگفت سقف مورد نظر برای مصارف بالا چقدر در نظر گرفته شده است.

مطابق پیش بینی برنامه دوم که ظاهراً اجرای آن از آغاز سال آینده شروع می شود بهای اغلب خدمات دولتی مثل برق، آب، تلفن و نفت و گاز افزایش خواهد یافت.

ماهواره ایرانی زهره آماده پرتاب است

مهندس مهدی نراقی مدیر عامل شرکت ملی مخابرات ایران اعلام کرد که یک ماهواره ی مستقل مخابراتی ایرانی بنام زهره آماده ی پرتاب می باشد تا تمام کشور را که بخاطر وجود کوه های مرتفع دارای نقاط کور فراوان می باشد تحت پوشش مخابراتی و تلویزیونی قرار دهد وی گفت نقاط مداری محل استقرار ماهواره ی زهره از سازمان های بین المللی زیربط تقاضا و مهلت آن نیز تمدید شده است که در صورت تأیید مسئولان سیاسی کشور نسبت به پرتاب آن اقدام خواهد شد و هیچ مشکل فنی و اقتصادی در مقابل پرتاب این ماهواره وجود ندارد.

تعطیل زمستانی برای مدارس

دکتر نجفی وزیر آموزش و پرورش خبر مربوط به کاهش تعطیلات تابستانی که از طرف معاون او اعلام شده بود را رد کرد و گفت: نه تنها تعطیلات تابستانی یک ماه نخواهد شد بلکه آموزش و پرورش برای تعطیلات زمستانی نیز برنامه ای را در دست اجرا دارد. یکی دیگر از مسئولین این وزارتخانه اعلام کرد که فعالیت های پرورشی مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تغییر خواهد کرد. به گفته ی وی در دوره ی ابتدایی طرح ایجاد رغبت و عادت به مطالعه در مدارس ابتدایی به اجرا در می آید. در مدارس راهنمایی ۵ گروه مختلف فرهنگی، هنری، علمی و ورزشی و امداد و پشتیبانی تشکیل خواهد شد و در مقطع متوسطه طرح تربیت سیاسی به اجرا در می آید.

جرایم کامپیوتری در ایران قانونی شد

برای مقابله با جرایم کامپیوتری فصلی دو ماده از طرف دولت تهیه شده که پس از تصویب در مجلس به قانون مجازات جمهوری اسلامی افزوده می شود. این لایحه از طرف هیأت وزیران آماده شده و قرار است برای تصویب به مجلس ارائه شود. طبق این لایحه وارد کردن هر نوع ویروس و یا تغییر و امحاء داده ها و نرم افزارهای کامپیوتری جرم محسوب شده علاوه بر میزان خسارت وارده مشمول مجازات های مقرر خواهد شد.

مسافران خارج باید اظهارنامه گمرکی پر کنند

به نوشته ی روزنامه های داخلی کلیه مسافرانی که از طریق مرزهای هوایی عازم خارج کشور می باشند، قبل از حضور در فرودگاه فرم های اظهارنامه ی گمرکی را پر می کنند. به نوشته ی همین روزنامه ها این تصمیم در اجرای مصوبه ی شورای عالی اداری برای تسریع کار خروج مسافران است. این فرم ها را آژانس های مسافرتی و یا نمایندگان آنها در فرودگاه در اختیار مسافران می گذارند و مسافران موظفند هنگام مراجعه به گمرک تکمیل شده ی آنرا تحویل دهند. همراه نبودن فرم تکمیل شده گمرک تأخیر در روند انجام تشریفات گمرکی خواهد شد. در فرم اظهارنامه بخشی بعنوان شرح کالا و ارزش همراه مسافر اختصاص یافته است.

رویدادهای ورزشی

آغاز فوتبال حذفی تهران

در اولین روز فوتبال حذفی باشگاه های پایتخت، راه آهن، گربه سیاه فوتبال تهران موفق شد با تک گل دقیقه ۸۵ حسن جعفری تیم صاحب نام سایپا را به زانو در آورد. راه آهن موقعیت های گل بسیاری داشت که موفق به استفاده از آن ها نشد. در دیدارهای دیگر جام حذفی

نتایج تیم فوتبال ایران در سفر تدارکاتی به اروپا

ملی پوشان فوتبال ایران که در اردوی آمادگی در مونیخ به سر میبردند در نخستین بازی خود در مقابل تیم "دنیورگن" اشتوتگارت به نتیجه مساوی یک بر یک دست یافتند تک گل تیم ایران در این دیدار در پی سانتر زورنیچ توسط علی دایی و در دقیقه ۷۰ ثمر رسید. پیش از آن تیم حریف در دقیقه ۳۶ با گل دوندسون بر تیم ملی فوتبال ایران پیشی گرفته بود. ملی پوشان فوتبال لیست در دومین دیدار خود با نتیجه ۳ بر ۳ در مقابل تیم لایپزیگ شکست خوردند. گل های ایران در این دیدار توسط جواد منافعی در دقیقه ۵ و حسن شیرمحمدی در دقیقه ۸۵ ثمر رسید.

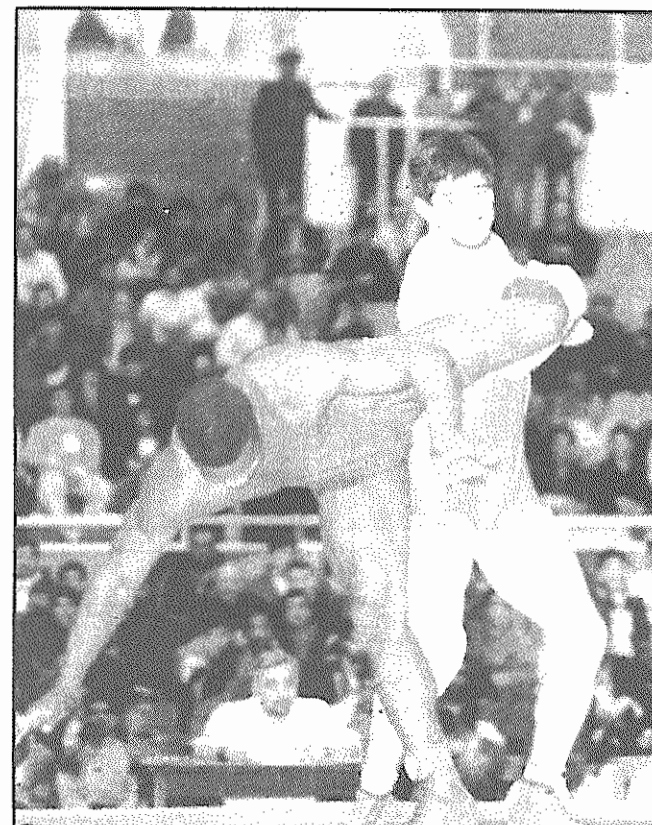
پس از این دیدار، تیم ملی فوتبال ایران آلمان را به قصد مجارستان ترک کرد قرار است ملی پوشان ایران در مجارستان دو دیدار دوستانه با تیمهای باشگاهی کرداکس و وانشا داشته باشند.

استانکر بولکه، پروچ سرمربی تیم ملی

یک، پیروزی و یک شکست برای تیم ملی

والیبال جوانان ایران در بازیهای قهرمانی آسیا

والیبالیستهای جوان ملی پوش که نخستین رویارویی خود در این دوره از مسابقات قهرمانی آسیا در قطر را با نتیجه ۳ بر ۳ صفر به تیم مدعی چین واگذار کرده بودند با پیروزی ۳ بر صفر بر تیم ملی والیبالیست جوانان عمان به عنوان تیم دوم گروه خود به دور دوم مسابقات راه یافتند. جوانان ملی پوش والیبالیست کشور در این روزها دو تیم مدعی چین و کره جنوبی و نیز تیم استرالیا هم گروه هستند. تا پایان دیدارهای دور اول مسابقات قهرمانی آسیا ایران تنها تیمی بود که یک گیم را با نتیجه ۱۵ بر صفر به پیروز ی رسیده بود. پیش از این مسابقات تیم ملی جوانان ایران موفق شده بود در بهترین مسابقه تمام تاریخ والیبالیست



پیروزی طلایی

پیروزی در این کشتی رسول خادم را قهرمان مسابقات جهانی کشتی در ترکیه ساخت. حریف او در مسابقه با یانی کشتی گیر کوبایی بود که مقهور تکنیک و قدرت برتر رسول خادم شد. در این مسابقات تیم ملی کشتی ایران با کسب یک مدال طلا، یک نقره و دو برنز و ۱۵۰ امتیاز بعد از تیمهای ترکیه، روسیه و کوبا به مقام چهارم جهان رسید.

قیمت نفت مجددا کاهش یافت

بهای نفت در بازارهای جهانی، به همان سرعتی که ماه گذشته روبه صعود گذاشت، مجددا کاهش پیدا کرد. قیمت نفت برنت دریای شمال که ماه پیش برای نخستین بار در طول یکسال ونیم گذشته به بیش از ۱۹ دلار رسیده بود، طی دو هفته گذشته مجددا سقوط کرد نفت سبک ایران نیز طی دو هفته اخیر هر بشکه بین ۱۴/۹۰ - ۱۴/۴۰ دلار برتره فروش رسید. تا دو هفته پیش نفت سبک ایران به ۱۸/۱۵ دلار رسیده بود. دستگیری رهبران سندیکای نفت نیجریه و تا حدی میازا اعتصاب نفتگران توسط دولت نظامی نیجریه و نیز علانمی درباره احتمال آغاز صدور نفت از سوی عراق (از جمله مذاکره مقامات عراق و ترکیه برای فروش نفت موجود در خط لوله نفتی عراق - ترکیه به ترکیه) از عوامل سقوط مجدد بهای نفت در بازار جهانی ذکر شده است. این کاهش بهادر حالی صورت می گیرد که تقاضا در بازار نفت هم بدلیل پیش رو بودن زمستان و افزایش مصرف انرژی و هم بخاطر افزایش مصرف نفت از سوی کشورهای صنعتی در پی بازگشت به رونق اقتصادی افزایش یافته است. کاهش مجدد بهای نفت امید می باشد که محافل حکومت اسلامی برای رفع و رجوع پاره ای از مشکلات اقتصادی در اثر بالا رفتن بهای نفت ایجاد شده بود، از بین برده است.

امروزه سختی گذران معاش در کشور ما تنها مشکل لاینحل قشرهای محروم و کم درآمد یا خیل بیکاران جامعه نیست، اکثریت قریب به اتفاق ساکنان شهرها و آنها بیکه شاغلند و ماهانه حقوق و دستمزد نیز دریافت می کنند، روزبه روز بیشتر در برابر فشار گرانی و تا مین حداقل نیازهای زندگی کم رخم می کنند. اظهارات هراز چند گاه مقامات و مسئولان رژیم اسلامی درباره گرانی و دشواریهای معیشتی، به هیچ وجه اعتراف به این واقعیت از سوی آنها نیست که فقر و ناداری و مشکلات اقتصادی طاقت از مردم گرفته و انفجارهای اجتماعی و شورشهایی که هراز چندی در گوشه ای از کشور رخ می دهد و هراس از آینده نظام اسلامی را تا اعماق وجود مسئولان نظام رسوخ می دهد، قبل از هر چیز ریشه در این نابسامانی و پریشانی دارد. گزارشی که در زیر می خوانید، با بررسی هزینه های ماهانه زندگی یک خانوار چهار نفره به همین واقعیت اشاره دارد. به نوشته گزارشگر روزنامه کیهان - که این گزارش در آن به چاپ رسیده - زندگی خانوار فرضی مورد بررسی کاملاً ساده و عاری از هر گونه تجملات و لوکس گرایی هاست. هزینه های در نظر گرفته شده در این گزارش بر مبنای نرخ های اعلام شده از سوی بانک مرکزی در سطح خرده فروش در اول ماه گذشته (مرداد) است. علاوه بر این در این محاسبات تعداد خانوار ۴ نفر منظور شده است. در حالیکه بر اساس آخرین سرشماری رسمی در کشور تعداد خانوار در

هزینه های یک زندگی ساده

مکرر اجاره خانه ها رفت... اگر بخواهیم اجاره بهای رایج برای دو اتاق و آشپزخانه را برای چهار نفر در یکی از مناطق جنوبی شهر تهران در نظر بگیریم و از خیر آپارتمانهای دو خوابه و حتی یک خوابه هم بگذریم و از استانداردهای فضای مسکونی به مقدار زیادی دور شویم آنگاه باید ماهانه ۱۰ هزار تومان را بپردازیم. تا اینجا یک کارمند باید ماهانه ۳۳ هزار و چهارصد و هشتاد تومان (۳۳۴۸۰) درآمد داشته باشد تا بتواند در پایین ترین حد معیشتی زندگی کند. اما آیا ۳۳ هزار و چهارصد و هشتاد تومان در ماه تمام هزینه ای است که باید برای یک زندگی کاملاً ساده در تهران و ایضا در شهرهای بزرگ پرداخت؟ قطعاً چنین وضع بسیار خوشبینانه آنها ماهانه ۱۴۴۰ تومان هزینه حمل و نقل

مگر اجاره خانه ها رفت... اگر بخواهیم اجاره بهای رایج برای دو اتاق و آشپزخانه را برای چهار نفر در یکی از مناطق جنوبی شهر تهران در نظر بگیریم و از خیر آپارتمانهای دو خوابه و حتی یک خوابه هم بگذریم و از استانداردهای فضای مسکونی به مقدار زیادی دور شویم آنگاه باید ماهانه ۱۰ هزار تومان را بپردازیم. تا اینجا یک کارمند باید ماهانه ۳۳ هزار و چهارصد و هشتاد تومان (۳۳۴۸۰) درآمد داشته باشد تا بتواند در پایین ترین حد معیشتی زندگی کند. اما آیا ۳۳ هزار و چهارصد و هشتاد تومان در ماه تمام هزینه ای است که باید برای یک زندگی کاملاً ساده در تهران و ایضا در شهرهای بزرگ پرداخت؟ قطعاً چنین وضع بسیار خوشبینانه آنها ماهانه ۱۴۴۰ تومان هزینه حمل و نقل

هزینه های خوراکی

بر اساس محاسبات ما اگر خانوار چهار نفری مورد نظر در طول ماه هیچ یک از اعضای خانواده لب به سیگار نزنند و از خوردن غذاهایی مثل کالباس و سوسیس چشم پوشی کنند و نوزادی که از شیر خشک تغذیه کند، نداشته باشند و هرگز بابت انواع نوشابه های آماده حتی در گرم ترین روزها هزینه ای نپردازند و ادویه و چاشنی های گران قیمت را از غذاهای خود حذف کنند (مثل زعفران) و هرگز ریالی بابت خرید انواع شیرینی، بستنی، شکلات، خشکبار و تنقلات هزینه نکنند و کودکانشان به هیچ عنوان بادیدن انواع میوه های گران قیمت مثل موز، کیوی و نیوبلهای ۲۰۰۰ تومانی، شکلات و کاکائوهای ۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومانی آمریکایی که به یمن درهای با واردات، بازار را انباشته اند، هوس چسبیدنشان را نکنند، آنوقت باید ماهانه ۱۶ هزار و ۴۶۰ تومان بابت هزینه های کاملاً ضروری خوراکی هزینه کنند. البته این دو حالی است که در مصرف همان دسته خوراکیها هم جانب صرفه جویی را رعایت کنند و برای مثال هر نفر از اعضای خانواده در طول روز حدود ۲۵ گرم پنیر، یک عدد تخم مرغ، ۲۹ گرم گوشت گوسفند، ۱۳ گرم کره، ۱۷ گرم مرغ، ۱۷ گرم شکر مصرف کنند.

پوشاک

اگر اینطور حساب کنیم که هر عضو خانواده فرضی ما، کلیه پوشاک مورد نیاز خود را تنها در نوع ذیل خلاصه کنند و استفاده خود را به شکل کاملاً صرفه جویانه سازمان دهند و هر سه ماه تنها یک عدد زیرپوش، یک عدد پیراهن و دو لباس زیر نیاز داشته باشند (سه ماه تمام هر روز یک پیراهنی را مرتباً بپوشند، بدون نیاز به لباس برای مراسم خاص و میهمانی ها) و آنگاه هر شش ماه یک عدد کاپشن، یک جفت کفش و یک شلوار تهیه کنند، باید در طول ماه به طور متوسط ۷ هزار و بیست تومان برای چهار نفر اعضای خانواده به عنوان هزینه پوشاک این چنینی کنار بگذارند. البته این احتمال وجود دارد که برخی تصور کنند، هر ماهه این مبلغ با چیزی حدود آن را برای تهیه پوشاک نمی پردازند، اما باید به این نکته توجه داشت که هزینه پوشاک، یک هزینه یک جا و با فاصله است. درست است که امکان دارد خانواده ای در طول سه ماه هیچ پوشاکی نخرد (که البته این غیر ممکن است چون دست کم از خرید جوراب و لباس زیر ناگزیر خواهد بود که خود هزینه قابل توجهی را تشکیل می دهد) اما ناگهان پس از سه ماه مبالغ قابل توجهی را صرف این کار خواهد کرد.

مسکن

اگر تصور شود گروههای مورد بررسی در این گزارش فاقد منزل مسکونی شخصی و لا جرم اجاره نشین باشند، آنوقت باید به سراغ حدیث



باید هر ماه به طور متوسط ۶۰۰ تومان برای هزینه درمان کنار بگذارند.

و نقل، لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات خانوار، هزینه تحصیل و آموزش و هزینه های مربوط به تفریح و سرگرمی شوید، اینطور نیست؟
بهداشت و درمان
در بخش بهداشت هزینه هایی نظیر صابون، بودریل با شویی، لوازم شستشو، خمیر دندان و مسواک، هزینه استحمام (در صورت فقدان حمام خانگی) و هزینه اصلاح سرو صورت به عنوان موارد عمده مطرح هستند.
... بابت خرید ماهانه ۸ قالب صابون تولید داخلی (هر صابون برای دو بار استحمام، موارد شستشوی دست در طول روز، هیچ)، دو بسته بودرینم کیلویی لباسشویی و دو عدد خمیر دندان (داخلی) به ترتیب ۲۴۰ تومان، ۲۸۰ تومان و ۱۰۰ تومان باید پرداخت که با هزینه استحمام (یک بار در هفته برای هر نفر در ماه ۸۰۰ تومان)، خواهد شد ۱۴۲۰ تومان که در این صورت هزینه های نظیر مسواک و لوازم شستشو را در نظر نگرفته ایم و برای آن هیچ رقمی پیش بینی نکرده ایم.
به فرض آنکه خانوار مورد نظر ما بیمه باشند و تحت پوشش سازمان مراجعه به پزشک ۵۰ تومان و به طور متوسط با گران شدن نرخ دارو حتی در قبال ارائه دفترچه بیمه ۱۰۰ تومان بپردازند. به فرض آنکه هر یک از افراد خانوار در طول ماه تنها و تنها یک بار به پزشک مراجعه کنند. هیچیک از افراد خانوار چهار نفری مورد نظر ما مبتلا به انواع نسبتاً سببی از بیماریهای پرخرج نشوند و در تمام طول ماهها و سالیها، بیماریهای در حد سرما خوردگی داشته باشند و سرو کارشان با دندانپزشکی، آزمایشگاه، رادیولوژی، عینک سازی و یا سایر تجهیزات پزشکی نباشد و به بازار آزاد دارو هم کاری نداشته باشند، آنوقت

خواهند داشت.
لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات خانوار
هر خانوار در طول یک ماه برای سر فصلی تحت عنوان لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات خانوار در شرایط فعلی چقدر هزینه می کنند؟ وسعت حوزه این عنوان از هزینه های خانوار بسیار زیاد است. خرید لوازم منزل که مستهلک می شوند، می کشند و به هردلیلی غیر قابل استفاده می شوند، انواع تعمیرات پرخرج، بخصوص تعمیرات وسایل برقی از این مقررله اند. برای این عنوان، ماهی ۸۰۰ تومان در نظر می گیریم که در قیاس با قیمت های فعلی، رقمی

تحصیل و آموزش

بسیار ناچیز است. تحصیل و آموزش، عنوانی است که هزینه های متفاوتی را در بر می گیرد اما خانوار فرضی ما، هزینه تحصیل فرزندان در مدارس غیر انتفاعی و نمونه با حق سرویس، هزینه کلاسهای زبان انگلیسی، کلاسهای کامپیوتر، کلاسهای شنا و موسیقی و کلاسهای جبرانی، تقویتی، کنکور و تدریس خصوصی اصلاً مد نظر نیست. خانوار فرضی ما، فرزندان در مدارس دولتی درس می خوانند و شهریه های دولتی می دهند و تنها هزینه آموزش و تحصیل شان، هزینه های لوازم التحریر است. اگر برای هر یک از فرزندان خانواده ماهانه ۴۰۰ تومان هزینه تحصیل و آموزش در نظر بگیریم، آنوقت رقم ۸۰۰ تومان راه عنوان سرجمع این هزینه در ماه خواهیم داشت.

تفریح و سرگرمی

امروزه متخصصان مسائل تربیتی و روانشناسی تفریح و سرگرمی را به عنوان جزئی غیر قابل انکار از ضروریات زندگی می شمارند و پرداختن به انواع آن راه خانوارها اکید توصیه می کنند. دامنه تفریح و سرگرمی از سفرهای خارج از کشور و سیروساحت در مناطق خوش آب و هوای کشور گرفته تا اسکی بازی، بازیهای کامپیوتری، عضویت در کلوبهای تفریحی، استفاده از وسائل تفریحی صوتی و تصویری و... گسترده است. اما سهم خانوار فرضی، از این همه، تنها ماهی یکبار رفتن به سینما است. بدون آنکه غذایی در بیرون صرف کنند و... چنین هزینه ای با احتساب ۸۰۰ تومان برای نرخ هر بلیت سینما و هر نفر ۴۰ تومان برای مخلفات، ماهانه ۴۸۰ تومان خواهد شد.

خواهند داشت.
لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات خانوار
هر خانوار در طول یک ماه برای سر فصلی تحت عنوان لوازم، اثاثه، ملزومات و خدمات خانوار در شرایط فعلی چقدر هزینه می کنند؟ وسعت حوزه این عنوان از هزینه های خانوار بسیار زیاد است. خرید لوازم منزل که مستهلک می شوند، می کشند و به هردلیلی غیر قابل استفاده می شوند، انواع تعمیرات پرخرج، بخصوص تعمیرات وسایل برقی از این مقررله اند. برای این عنوان، ماهی ۸۰۰ تومان در نظر می گیریم که در قیاس با قیمت های فعلی، رقمی

| قیمت و مقدار مصرف ماهانه برخی اقلام خوراکی برای یک خانواده چهار نفره | | |
|--|------------|-------------|
| نوع کالا | قیمت واحد | مقدار مصرف |
| ماست غیر پاستوریزه | ۶۸ تومان | ۴ کیلو |
| پنیر ایرانی | ۴۱۰ تومان | ۳ کیلو |
| کره پاستوریزه | ۷۵۶ تومان | ۱/۵ کیلو |
| تخم مرغ | ۲۱۲ تومان | ۴ شانه |
| برنج خارجی غیر تابلندی | ۱۴۰ تومان | ۱۲ کیلو |
| حبوبات | ۱۰۰ تومان | ۶ کیلو |
| انگور | ۹۳ تومان | ۳۰ کیلو |
| خیار | ۵۷ تومان | ۱۵ کیلو |
| گوجه فرنگی | ۲۷ تومان | ۱۵ کیلو |
| بادنجان | ۴۰ تومان | ۴ کیلو |
| کدو | ۴۷ تومان | ۲ کیلو |
| سیب زمینی | ۲۶ تومان | ۱۵ کیلو |
| پیاز | ۲۸ تومان | ۱۵ کیلو |
| گوشت گوسفند با استخوان | ۶۶۶ تومان | ۳/۵ کیلو |
| مرغ | ۲۵۰ تومان | ۲ کیلو |
| قند | ۲۲۰ تومان | ۲ کیلو |
| شکر | ۲۱۱ تومان | ۲ کیلو |
| چای مخلوط | ۱۰۰ تومان | ۲ بسته |
| روغن نباتی | ۱۳۹۰ تومان | ۱ حلب |
| جمع کل | | ۱۶۴۶۰ تومان |

بهای ارزهای خارجی با زهم افزایش یافت

پس از دو ماه ثبات نسبی در بهای ارز در بازار آزاد تهران، هفته گذشته قیمت انواع ارزهای خارجی بویژه دلار آمریکا مجدداً روبه افزایش گذاشت. هر دلار آمریکا که تا دو هفته پیش در حد ۲۴۰ تومان ثابت مانده بود، هفته گذشته تا ۲۵۰ تومان افزایش یافت. این افزایش تا حدودی شامل سایر ارزهای خارجی نیز شد.

در اظهار نظری که صرافان تهران پیرامون دلایل این افزایش قیمت کرده اند، برخی آن را نتیجه شایعات مربوط به استعفای عادل رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی می دانند. برخی گفته اند فروش ارزی به قیمت بالاتر در بازار

ایران به اندازه هند فرآورده های نفتی مصرف می کند

روزانه ۳۱/۵ میلیون لیتر بنزین، ۳۴ میلیون لیتر نفت سفید، ۶۲ میلیون لیتر گازوئیل و ۴۰ میلیون لیتر نفت کوره در کشور مصرف می شود. این ارقام از سوی آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در میزگردی از سوی "جامعه اسلامی مهندسان اعلام شد. وی گفت: پیش بینی می شود در سال ۷۳، روزانه برای مصارف داخلی کشور یک میلیون بشکه نفت خام و ۳۰ میلیون بشکه گاز طبیعی مصرف گردد و این در حالی است که کشور پاکستان ۳۳۰ هزار بشکه نفت خام و ۱۵ میلیارد متر

مکعب گاز طبیعی، ترکیه با جمعیتی بیش از ایران ۵۶۰ هزار بشکه نفت خام و ۲۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و هند با جمعیتی حدود یک میلیارد نفر تقریباً معادل ایران مصرف فرآورده های نفتی دارد. مهندس یحیی نماینده مجلس ویکی از شرکت کنندگان این میزگرد نیز گفت: باروند رشد فعلی مصرف کاهش مخزن کشور، ظرف ۸ تا ۱۰ سال آینده کل تولید فرآورده های نفتی صرف تأمین نیازهای داخلی خواهد شد.

سالانه یک سوم مرکبات مازندران از بین می روند

در استان مازندران سالانه یک میلیون و دو صد هزار تن مرکبات تولید می شود که ۷۵۰ تن آن وارد بازار، ۷۵ هزار تن جذب صنایع تبدیلی و بقیه بصورت ضایعات از بین

می رود. فقدان صنایع بسته بندی و صنایع تبدیلی و نیز کمبود یا نبود سردخانه های مجهز موجب این تلفات در محصولات استان مازندران می شود.

فرهنگ مهر پرور (مهرنگ) در گذشت



فرهنگ مهر پرور گوینده، بازیگر و کارگردان با سابقه راد بو، تلویزیون و سینما روز و شب ۱۴ شهریور برابر اسکته مغزی در تهران در گذشت. مهر پرور متولد سال ۱۳۲۵ بود و قریب به ۲۷ سال از عمر ۴۸ ساله اش را در رادیو، تلویزیون و سینما گذرانده بود. معروفیت او از جمله در نتیجه اجرای بخشی از برنامه مخصوص کودکان به نام "بچه ها بچه ها" بود. در آنجا بود که وی نام مهرنگ را به خود گرفت. در سالهای اخیر ایرانیان صدای این هنرمند را بیشتر در برنامه های "صبح جمعه با شما" می شنیدند. مهر پرور به خاطر تسلط به زبان فرانسه در دوبله فیلم نیز فعالیت داشت. "کار فقدان این هنرمند را به خانواده، دوستان و همه هنرمندان و هنردوستان تسلیم می گوید.

به انگیزه برگزاری نمایشگاه بزرگ ایرانگردی در تهران

رواج ایرانگردی از مسیر دیگری می گذرد

انتقال آنها به نقاط دیگر کشور و ایجاد نوعی تعادل و توازن حداقل در این زمینه ها و گسترش رفت و آمد میان بخش های مختلف کمتر اندیشیده می شود.

کمبود راه های ارتباطی و ضعف ناوگان حمل و نقل

همه این عوامل به عقب ماندگی سیستم حمل و نقل و راه های ارتباطی کشور و عدم توجه به بسط و گسترش آنها انجامیده است. طبق استانداردهای بین المللی در هر صد کیلومتر مربع اراضی یک کشور باید حداقل ۱۰۰ کیلومتر راه اصلی وجود داشته باشد، در کشور ما اما این رقم از ۱۱ کیلومتر فراتر نمی رود در کشوری همچون زاین که مساحتش به ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع هم نمی رسد یک میلیون و ۱۰۰ هزار کیلومتر راه ارتباطی ساخته شده، لیکن کشور ما که مساحتش ۴ برابر زاین است تنها صاحب ۱۴۵ هزار کیلومتر راه است که نیمی از آنها هم اسفالت نیستند. راه آهن که در کشور پهنای هم چون ایران می تواند بخش بزرگی از حمل و نقل داخلی را به عهده بگیرد و با ارائه خدمات نسبتا ارزان در تسهیل سفر موثر واقع شود نیز سخت عقب مانده و نا کارا است. کشوری همچون مجارستان که به لحاظ توسعه راه آهن در سطح متوسطی قرار دارد در هر صد کیلومتر مربع خود دارای ۱۴ کیلومتر ریل آهن است، این رقم اما در کشور ما به ۵۰ متر هم نمی رسد. همین محدودیت ها و کمبود ها و نیز نارسایی و ضعف ناوگان حمل و نقل کشور سرفرا را به امری نسبتا دشوار مبدل می کند. این دشواری به ویژه در برخی از ایام سال همچون نوروز چنان شدت می گیرد که مسافر بخشی از وقت تعطیلی خود را باید صرف یافتن بلیط حرکت کند و گهگاه هنوز به مقصد نرسیده باید راه بازگشت در پیش گیرد.

نارسایی سیستم آموزشی

وی توجهی رسانه ها و نهادها

در ایجاد انگیزه سفر در مردم و تشویق آنها به دیدن امکانات طبیعی، تاریخی و فرهنگی کشور سیستم آموزشی نیز نقشی به سزا دارد. آموزش درست و علمی تاریخ و توضیح نقشی و جایگاه بزرگان و سرآمدان فرهنگی و علمی کشور در گذشته، تعلیم برخوردی پویا و آینده نگر به تاریخ و آموزش و تشویق دیدار از موزه ها و مناطق تاریخی، برانگیختن حس احترام به طبیعت و پاسداری و لذت بردن از آن و نیز حرمت نهادن به فرهنگ ها و شیوه های دیگر زندگی که می توانند در برانگیختن شوق سفر در مردم موثر افتند. راست این است که بسیاری از موزه ها و تفریحی جغرافیایی، وضعیت جوی و طبیعی و امکانات فرهنگی و تاریخی نقاط مختلف میهنمان درک و شناخت چندانی

نمایشگاه بزرگ ایرانگردی امسال از ۲۲ تا ۳۰ مرداد (۱۲ تا ۲۰ آوت) با عنوان "همه جای ایران سرای من است" در محل نمایشگاه های بین المللی تهران دایر بود و به گفته دست اندر کاران نمایشگاه روزانه ۵۰ هزار نفر از آن دیدن کرده اند و این نمایشگاه برخلاف تبلیغات گسترده ای که پیرامون آن به عمل آمد بیشتر به نمایشگاه صنایع دستی ایران شبیه بود و به جز ماکت ها و طرح هایی از آثار باستانی و معماری فعلی برخی از نقاط ایران هیچ چیز دیگری جهت افزایش شناخت بازدیدکننده از میهنش و فرهنگ و طبیعت نقاط مختلف آن ارائه نمی داد. علاوه بر آن برگزاری چنین نمایشگاه هایی اگر با رفع پاره ای از موانع کوچک و بزرگ که مانع علاقه مردم به سفر به گوشه و کنار کشورشان و شناخت و لذت بردن از آن می شوند همراه نشود، چندان حاصلی نخواهند داشت.

تمرکز یا تبار

راست این است که به رغم پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی نسبی در ۱۰۰ سال اخیر هنوز بخش های جغرافیایی کشور ما تقریبا حالت اجزایی جدا و کم ارتباط با یکدیگر دارند، واقعیتی که بویژه در مورد نواحی حاشیه ای کشور بیشتر مصداق دارد. توسعه ناموزون و بی برنامه کشور چه در دوران رژیم پهلوی و چه در حاکمیت رژیم کنونی مانع از آن بوده که صنایع، کشاورزی و سیستم سیاسی - اداری کشور خصیصه ای تمرکز گریز بیابند و بخش های مختلف کشور با توجه به امکانات و پتانسیل خویش از گسترش صنعت و زراعت و سیستم اداری سهم ببرند.

این امر به تمرکز هر چه بیشتر امکانات صنعتی، خدماتی و اداری در نقاط مرکزی کشور بویژه چند شهر بزرگ کشور در راس آنها تهران انجامیده و سبب شده که رفت و آمد میان بخش های مختلف کشور به صورتی یکطرفه در آید. برای مثال امکان اینکه یک تهرانی سرو کارش به یاسوج بیفتد بسیار کمتر از نیاز یک یاسوجی به سفر به تهران است، چرا که شهر وند تهرانی همه امکانات کشور را در ویر خویش دارد و نیاز چندانی به شهرها و مناطق دیگر کشور نمی بیند، قفسه ای که در مورد فرد یاسوجی درست برعکس است. چنین روندی از ارتباط متقابل بخش های مختلف کشور به یکدیگر کاسته و لاجرم زمینه های ارتباطی حتی الامکان دوسویه را زایل کرده است و نگاهی گذرا به آمارهای موجود نشان می دهد که حتی جشنواره ها، سمینارها، مسابقات ورزشی، نمایشگاه ها و... نیز عمدتاً در تهران برگزار می شوند و به

نداریم. این مهم رانه سیستم آموزشی ما جدی گرفته است و نه رسانه های گروهی به آن توجه کرده اند. طرفه آنکه در نمایشگاه های هم که قرار بوده گوشه و کنار ایران را به مردم بشناساند از نمایش تصویری (ویدیویی) جاذبه های طبیعی، تاریخی و فرهنگی نقاط مختلف کشور تقریبا هیچ خبری نبوده است. علاوه بر آن امروز دیگر نه تنها در کشورهای پیشرفته، بلکه در بسیاری از کشورهای نظیر کشور ما که برای توریسم اهمیت جدی قائلند، با ایجاد دفاتر اطلاعاتی و چاپ و پخش کتابها، بروشورها و راهنما های مختلف مسافر را در گشت و گذارش یاری می کنند و آگاهی های لازم را در اختیارش می گذارند. وزارت اطلاعات و جهانگردی بویژه از آن زمان که نامش توسط جمهوری اسلامی به "وزارت ارشاد اسلامی" تغییر یافت گویی که نسبت به وظیفه فوق در خواب فرو رفته است. اخیرا هم که این وزارتخانه تلاشهایی را آغاز کرده ظاهرا بیشتر به خاطر رفع مشکل ارزی رژیم از طریق جلب توریست های خارجی است تا گسترش بدیده سفرو ایرانگردی در میان مردم خود ما.

یکی از راه هایی که می تواند به رواج شور و شوق سفر بویژه در میان جوانان کمک کند وجود امکانات ارزان قیمت و تسهیلات اقامتی است. برای مثال اگر دانش آموز یا دانشجویی بداند که در فلان شهر دارای جاذبه های طبیعی و تاریخی امکان اقامت نسبتا ارزان در دسترس است و نهادها و ادارات مربوطه در این زمینه پیش بینی لازم را کرده اند، با علاقه و اطمینان بیشتری راهی سفر به آنجا می شود. در ایران اما اکثر شهرها فاقد مکانهایی همچون خانه جوانان و هتل ها و متل های مخصوص استقرار جوانان هستند و در توانایی مالی بسیاری از جوانان هم نیست که به هتل های عادی تازه اگر وجود داشته باشد، بروند.

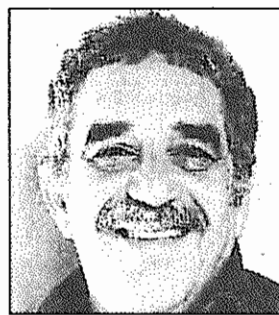
غم نان یا فکر سفر

در کنار همه عوامل فوق باید از فقر و ناداری و سختی معیشت یاد کرد که در ایران امروز کمتر مجالی برای سفر و تفریحاتی از این دست باقی میگذارد. بسیاری از مردم بویژه از اقشار متوسط و فرودست جامعه باید صبح تا شب و حتی روزهای تعطیل خود را صرف کسب درآمد کنند تا بتوانند حتی الامکان از پس هزینه های عادی زندگی برآیند. در چنین وضعیتی نه آهی در بساط می ماند که خرج راه شود و نه وقتی باقی می ماند که کسی فکر سفر کند. مادری که جزء دیدار کندگان نمایشگاه ایرانگردی بوده در پاسخ به سوال یک خبرنگار در مورد انگیزه آمدنش به نمایشگاه می گوید: "ما که پول نداریم، نظری صد تومان می دهیم، همین جادو را بران می گردیم." و این پاسخی است که از هر گذر سیاست های اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی امروز حسب حال بسیاری از افراد جامعه ماست، افرادی که خوردن یک تیکت را گوشت در ما برایشان به رویا بدل شده، چه رسد به سفر کردن و تفریحاتی از این دست.

رفع همه موانع و مشکلاتی که ذکرشان رفت تنها در چهارچوب یک برنامه توسعه و پیشرفت فراگیر و موزون و ایجاد توازن و عدالت در همه سطوح جامعه امکانپذیر است. جمهوری اسلامی بنا به پیش و اندیشه خود فاقد چنین برنامه ای است.

مارکز:

رمان حسنی دارد که فیلم فاقد آن است



این دو (جنبه کار شما) چه اشتراکاتی وجود دارد؟
مارکز: من همیشه علاقه شدیدی به سینما داشته ام. گرچه کار من بیشتر رمان و داستان نویسی است، لیکن در اصل قصد داشتم کارگردان سینما بشوم. ابتدا به رم رفتم تا در "سنتر اسپریمنت" به تحصیل در رشته سینما بپردازم، ولی خیلی سریع دریافتم که فیلم سازی یک شیوه بیان هنری برجسته و در عین حال یک کار فوق العاده دشوار است. انسان در این عرصه تا حد زیادی به صنایع فیلم، شرکت های اجاره فیلم و به ویژه به تکنیک وابسته است و با نویسندگی فرق می کند که انسان به تنهایی در اتاقی در بسته پشت میز تحریر می نشیند و تا آخرین واژه اثرش را شخصاً و با مسئولیت کامل به پایان می برد. از این رو ترجیح دادم به رمان نویسی بپردازم و

سینما و رمان و نیز دلیل جهانی شدن ادبیات آمریکای لاتین را مارکز در مصاحبه ای با روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو با زگو کرده است. ترجمه این مصاحبه در زیر باز نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت. از مارکز به تازگی رمان تاریخی "از عشق و شیاطین دیگر" به بازار آمده است. ترجمه های متعددی از آثار مارکز به زبان فارسی صورت گرفته است. آخرین اثر مارکز که به فارسی برگردانده شده است "زاتران غریب" نام دارد. این کتاب شامل ۱۲ داستان است و صدف تقی زاده آن را به فارسی برگردانده است.

گابریل گارسیا مارکز نویسنده نام دار کلمبیا، خالق رمان معروف "صد سال تنهایی" و دارنده جایزه نوبل، در عرصه سینما نیز فعالیتی چشمگیر دارد. برخی از آثار مارکز همچون "عشق سال های ویاپی" به صورت فیلم در آمده اند و خود وی از بنیانگذاران اصلی بنیاد سینمای کوبا (ICAIC) به شمار می رود، بنیادی که برخی از کارگردانان مطرح آمریکای لاتین از آن جا برخاسته اند. مارکز اینک ریاست بنیاد سینمای نوین آمریکای لاتین را بر عهده دارد و در صدد است که دانشکده فیلم کوبا (EICTV) را به صورت کانون مرکزی توسعه و پیشرفت سینمای آمریکای لاتین در آورد. اما وی به رغم درگیر بودن در عرصه سینما ساختن فیلم بر اساس رمان هایش با لحنی منفی سخن می گوید. علت این امر، تفاوت میان

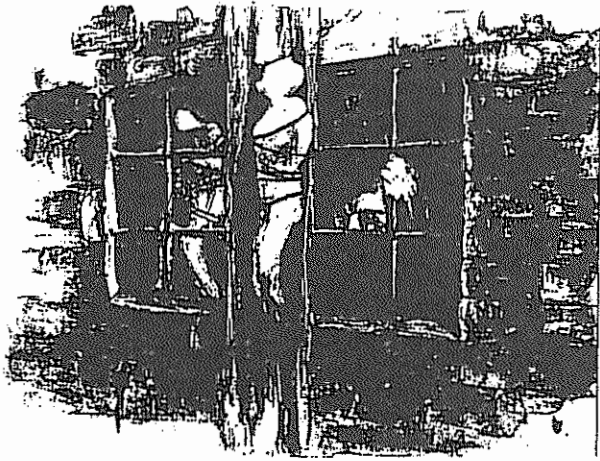
در عین حال با سینما در پیوند باشم. من سینما را پیگیری می کنم و مایلیم که خود نیز در آن همکاری داشته باشم. ولی می دانم که فعالیت اصلی من در سینمای آمریکای لاتین عبارت از به کار گرفتن مناسبات خوب خود با سطوح بالای هنری، روشنفکری، مالی یا سیاسی در سراسر جهان در جهت پیشرفت این سینماست. در این مورد مثالی بزنم. هنگامی که من کار رمان نویسی را شروع کردم، رمان آمریکای لاتین در سراسر جهان تقریبا ناشناخته بود. کار من این نبود که موانع را کنار بزنم و راه این رمان را بگشایم، بلکه تنها سبب شدم که نیروی گسترده موجود در عرصه تخیل و داستان نویسی سرریز کند و با بهتر بگویم منفجر شود. به نظر من وضعیت کنونی سینمای آمریکای لاتین نیز قریباً همان شیوه های را با وضعیت رمان ویا به طور کلی ادبیات این قاره در ۲۵ سال پیش دارد. به دیگر سخن سینمای آمریکای لاتین نیز در آستانه شکوفایی و تحول قرار گرفته است. و ما باید باور کنیم که چنین تحولی فرا خواهد رسید. در خارج هنوز آثار سینمای ماجدی گرفته نمی شوند و در داخل نیز نمایش آن ها با دشواری ها و مشکلاتی مواجه است. با این همه فیلم سازان ما باید بدانند که آن ها سرانجام در شکوفاسازی و طرح سینمای

آمریکای لاتین کامیاب خواهند شد. با یک مثال دلیل این امیدواری خود را برایتان توضیح می دهم. سالیان درازی به ما می گفتند که رمان هایمان زمانی اعتبار و اهمیت پیدا خواهند کرد که از سوی رمان خوانان دیگر کشورها مورد ستایش و تقدیر قرار گیرند. اما واقعیت درست برعکس این است. رمان آمریکای لاتین زمانی در سطح جهانی مطرح شد که علاقه خوانندگان بومی و استادان دانشگاه های داخلی را به سوی خود جلب کرد. دولت های آمریکای لاتین اینک به فیلم های بومی توجه نشان می دهند. روزی که ما بتوانیم با فیلم های خود بازارهای داخلی را به تصرف در آوریم، قادر به تسخیر بازارهای جهانی نیز خواهیم بود. فرانکفورتر روندشاو: چرا تا کنون رمان "صد سال تنهایی" شما به صورت فیلم در نیامده است؟
مارکز: من اجازه چنین کاری را نمی دهم. رمان حسنی دارد که فیلم فاقد آن است. رمان فضایی را بوجود می آورد که خواننده می تواند در آن خلاق و آفریننده باشد. خواننده رمان این امکان را دارد که چهره و شخصیت افراد (رمان) را در ذهن خود تصویر کند. او با خود می اندیشد: این زن مثل خاله من است، آن یکی به پدر بزرگم شباهت دارد و آن دیگری به دوست

هم مدرسه ایم می ماند. از این رهگذر خواننده در زرفای رمان رخنه می کند و حتی در آفرینش آن شرکت می جوید. اما فیلم دارای چنین امکانی نیست، زیرا تصویر پرده سینما آنچنان بر ذهن بیننده غلبه می کند که جانی برای خلاقیت وی باقی نمی گذارد. شخصیت ها همان گونه در ذهن نقش می بندند که بر پرده سینما ظاهر می شوند و هیچ تماشاگری نمی تواند خاله یا پدر بزرگ خود را در فیلم کشف کند. بدین ترتیب ذهن وی از هر گونه تخیل و خلاقیتی باز می ایستد. من دوست دارم خوانندگان شخصیت های رمان من را هم چون آشنایان خود ببیند و از آن ها یاد بگیرد. رمان های من بر پرده سینما از باز شناخت آشنایان خویش محروم شوند. تعدادی از خوانندگان پس از دیدن فیلم های ساخته شده بر اساس برخی از آثار من گفته اند: "این فیلم مثل کتاب تو نیست. آن ها حق دارند. این واقعی به نظر نمی رسد که کسی بگوید: "از فیلم بیشتر از خود کتاب خوشم آمد." زیرا کتاب یک چیز است و فیلم چیز دیگری. اغلب خوانندگان من می گویند: "از کتاب بیشتر (از فیلم) خوشم آمد." بنابراین من کماکان به رمان نویسی ادامه خواهم داد و در ساخته شدن فیلم ها هم کمک و همکاری خواهم کرد.

گاه‌دارهای اعدام، گاه‌دهشت‌واندوه

روایتی از آن روزهای تلخ



زندان‌ها و تجدید محاکمه‌ی زندانیان ما مورثه است. در میان خیرهایی که از طریق "مورس" می‌آید، این گفته‌ی رئیس حفاظت زندان هم گویا خطاب به یک زندانی بود که: اینجا آخر خطه، یارومی روم یازنگی زنگ.

فاجعه آشکار می‌شود

حدود نیمه شب بود که از یکی از بند‌های مجاور، که بند انفرادی بود، صدای فریاد و ضجه برخاست. صغیر کابل همراه با صدای دشنام و فریاد پاسدارها و داد و فریاد زندانیان. صدای فریاد حاجی بسه، حاجی بسه و آخ، خدا مردم، شکنجه و فریاد تا نزدیکی صبح ادامه داشت.

گروه‌دهشت‌واندوه در حسینیه زندان به دار می‌کشند

اختیار دهشتناک از بند‌های دیگر رسید. تعداد زیادی از بیچه‌ها اعدام شده‌اند. کسانی که حاضر به محکوم کردن حزب و سازمان‌شان نشده‌وب عقایدشان پافشاری کرده بودند، را مستقیماً به حسینیه‌ی زندان منتقل کرده‌اند. یک گروه از پاسداران ما موراجرای حکم بوده‌اند. همه را به وسیله‌ی طناب به دار کشیدند. رئیس حفاظت زندان گفته بوده که امروز شخصاً ۱۵ نفر را به دار کشیده است. فضای وحشتناکی در بند حاکم

از آنچه در روزهای سیاه تابستان ۶۷ در زندان‌های ایران گذشت، هنوز کمتر اطلاعی در دست است. آنها که مسیبان این جنایت بوده‌اند و به آنچه کرده‌اند به خوبی واقفند، مهر سکوت بر لب زده‌اند و هیچ نمی‌گویند که در آن تابستان وحشتناک با بهترین فرزندان این آب و خاک چه کرده‌اند.

آنچه تا کنون پیرامون این فاجعه‌ی ملی دانسته شده است، گزارش‌ها و خاطرات کسانی است که در آن روزها در زندان بوده و از موج اعدام‌ها جان به در برده‌اند. این گزارش‌ها و خاطرات هر کدام گوشه‌هایی از آن روزهای تلخ را روایت کرده‌اند.

کار رسالت خود می‌داند که نگذارد گرد فراموشی برای جنایت هولناک بنشیند و تا آنجا که در توان دارد در آشکار ساختن آنچه در آن روزها گذشت از پای ننشیند. انجام این رسالت جز به یاری آنها که گوشه‌ای از این روزهای تلخ و فاجعه‌بار را در سینه و ذهن خود به یادگار دارند، ممکن نخواهد شد.

گزارش زیر، گزارش دیگری است از آن "روزهای تلخ" که نویسنده‌ی آن خواسته است نامش مکتوم بماند.

بروند. سهمیه‌ی روزنامه‌ی بند هم نیامد. بر لب همه یک پرسش بود: چه شده است؟

باز خیر آمد که از بند‌های دیگر "مورس" زده‌اند. در همه‌ی بند‌ها وضع مشابه است. اینطور که معلوم است، هیشکی از طرف رژیم در زندان است و اسدالله لا جوردی هم در بین آنها دیده شده است. خیر حضور لا جوردی در زندان، مورابرتن همه سیخ کرد. بخصوص کسانی که از نزدیک با این جانی آشنا بودند و به قول معروف دوره‌ی لا جوردی را از سر گذرانده بودند، حضور نامیمون او در زندان را نشانه‌ی فاجعه‌ای می‌دانستند.

صبح روز بعد آغاز فاجعه بود. ساعت ۸ صبح در بند باز شد و پاسدار بند لیست بلندی از اسامی را خواند. کسانی را که نامشان در لیست بود، چشم‌بند زدند و به زیر هشت بردند. هیچ کس نمی‌دانست قضیه چیست. بعضی‌ها می‌گفتند که جابجایی‌هایی از نوع معمول است. (در زندان مرسوم بود که هر چند وقت یک بار بند زندانیان را عوض می‌کردند و آنها را بر اساس نوع اتهام و موضعی که در قبایل سازمان‌شان داشتند، طبقه‌بندی می‌کردند). اما این خوشبینانه‌ترین نظر بود. بعضی‌ها می‌گفتند که این یک تلاش در جهت ایجاد یک موج وحشت در زندان است و عواقب خطرناکی نخواهد داشت. اما عده‌ای هم می‌گفتند که رژیم در صدد تسویه حساب است و حضور لا جوردی و هیئت مذکور هم در همین رابطه است. اما همه‌ی اینها هنوز حدس و گمان بود و هیچ کس خیر درستی از اوضاع نداشت.

غروب عده‌ای از بیچه‌ها را به بند برگرداندند. آنها را از صبح در راهروهای سالن اصلی زندان زیر چشم‌بند نگاه داشته بودند. آنها غذا نخورده بودند. خسته بودند و می‌گفتند آنها را که برنگشته‌اند به بازپرسی برده و بعد به انفرادی منتقل کرده‌اند. از این که در بازپرسی چه چیزی سؤال شده، هیچ کس اطلاعی نداشت. قاعدتاً فردانویت افرادی می‌شد که امروز به آنها نوبت نرسیده و به همین دلیل به بند بازگشته بودند. هوا که تاریک شد، "مورس" زدن وارد و بدل کردن خبرها شروع شد. از همه‌ی بند‌ها خبر می‌آمد که وضع مشابهی بوده است. در میان خبرها این خبر هم بود که بازپرسی از سوی یک هیئت ویژه است که از سوی خمینی برای رسیدگی به وضعیت

روزهای نخستین مرداد ماه ۶۷، خبر حمله‌ی "فروغ جاویدان" در بند بخش شده بود. همه بیست زده بودند. همه چشم بر صفحه‌ی تلویزیون دوخته بودند تا از آخرین اخبار و وقایع مطلع شوند. هر کس چیزی می‌گفت، بیچه‌های مجاهد به نحو محسوسی به تکان پویافته بودند. بعضی از آنها می‌گفتند که مجاهدین تا یک هفته‌ی دیگر در تهران خواهند بود. می‌گفتند قرار است در میدان آزادی راه پیمایی کنند و مانور بدهند. می‌گفتند که نیروها پشان در همه جا آماده‌ی عمل شده‌اند. این گفته‌ها برای خیلی‌ها قابل قبول و منطقی نبود. زندانیان چپ و وابسته به جریان‌های دیگر با این خبرها محتاطانه برخورد می‌کردند. همه منظر بودند.

انتظار زیادی طول نکشید. فردای آغاز حمله، تصاویر دهشت‌انگیز صحنه‌های جنگ و سازوبرگ نظامی مجاهدین که به مشت‌های پاره تبدیل شده بود و تعداد بیشمار جنازه‌هایی که در بیابان‌های غرب کشور پراکنده بودند، از تلویزیون بخش شد. اوضاع و احوال در چند لحظه تغییر کرد و هیجان و اضطراب همه را فرا گرفت. صحبت یکی از رفقا که سنی داشت و سال‌های زیادی را در زندان گذرانده بود، دهان به دهان گشت، رژیم از این قضیه به سادگی نخواهد گذشت. بهانه بدستشان افتاده است. منتظر بایستید که "بی‌لای آسمانی" نازل خواهد شد.

جلادان آماده کشتار می‌شوند

روز ۶ مرداد ماه ۶۷، ساعت ۱۰ صبح: یکی از بیچه‌ها را که مدت‌ها بود حکمش تمام شده و "ملی‌کشی" می‌کرد صد کردند که وسایلش را جمع کند و آماده رفتن شود. تعدادی از رفقا تا در بند او را همراهی کردیم. دو ساعت بعد خبر آوردند که تعداد زیادی نیز ضد گلوله وارد حیاط زندان شده‌اند. گویب کسانی این را از در پنجره‌های بند دیده بودند و بعد رگبار خیرهای نگران کننده: پاسدارها هواخوری را تعطیل کرده‌اند. . . ملاقات کلیه بندها تا اطلاع ثانوی قطع شده. . . بیچه‌هایی را که برای ملاقات رفته بودند، بدون اینکه ملاقات بدهند به بند بازگردانده‌اند. . . همانروز پاسدارها آمدند و تلویزیون را با خود

یک روز خبر آمد که زندانیان "بند روانی" را هم اعدام کرده‌اند. "بند روانی" بند کوچکی بود که تعدادی از زندانیان را که مسایل روحی و روانی داشتند، در آن نگهداری می‌کردند. این زندانیان در وضعیتی قرار داشتند که قادر به تشخیص و تصمیم‌گیری نبودند و بعضی‌هاشان هم بطور کلی از حالت عادی خارج بودند. بعضی‌هاشان مریع انتقال به اتاق اعدام با صدای بلند گریه می‌کردند. اما جلادان هیچ اعتنایی نمی‌کردند. روزها از پی هم می‌گذشتند و اعدام‌ها ادامه داشت. بعضی‌ها را چند بار به بازپرسی بردند و آنها پس از چندمین بازپرسی دیگر برنگشتند.

ماشین‌های حمل گوشت

برای حمل اجساد

غروب یکی از روزها بود که خبر شدیم از حمام بند می‌شود چیزهایی دید. بیچه‌ها میله‌های حمام را طوری خم کرده بودند که می‌شد بخشی از حیاط و در ب محوطه داخلی را دید. کامیون‌های بزرگی در حیاط ایستاده بودند. پاسدارها در اطراف کامیون‌ها به این سو و آنسو می‌دویدند. بعضی‌ها جلوی صورتشان دستمال بسته بودند. بعد از مدتی درب داخلی زندان باز شد و کامیون‌ها محوطه را ترک کردند. ما بیش از این چیزی ندیدیم، اما بعداً مطلع شدیم که این کامیون‌ها، ماشین‌های سردخانه دار بودند و از آنها جهت حمل انبوه جنازه‌های اعدام شدگان استفاده می‌کردند. دستمال‌هایی که پاسدارها جلوی بینی‌شان بسته بودند، برای آن بوده که از بوی شدید تعفن در امان باشند. یکی از دادیارهای دادستانی گفته بود: جنازه‌ها را با ماشین حمل گوشت بردند و در سینه‌ی قبرستان زیر خاک کردند. هم او گفته بود که جنازه‌ها را در قبرهای دسته‌جمعی دفن کرده‌اند. به قول خودش: همه روریختن توی یک گودال، بعد هم با لودر خاک ریختن روشن.

بعضی از اعدام شدگان به هنگام دفن هنوز زنده بوده‌اند. موقع به دار کشیدن، فرد ابتدا به علت پارگی نخاع فلج می‌شود و مرحله‌ی بعد خفگی و مرگ است. اما به علت عجله‌ای که پاسدارها برای اعدام داشته‌اند، خیلی‌ها را قبل از خفگی کامل از دار پایین کشیده‌اند. یکی از پاسدارها گفته بود که وقتی جنازه‌ها را تری کامیون‌ها می‌ریخته‌اند، بعضی‌ها هنوز ناله می‌کرده‌اند و آنها را به همین صورت زنده بگور کرده‌اند.

شعری برای ترانه

گل سرخ

شکفته چون گل سرخ در سینه‌های یاران
عشقی به نام مردم، فلسفی به شکل ایران

ای هم عزای خسته، ای هم تبارز خمی
ما یوس و دل شکسته، آه‌ای سوارز خمی
هنوز هم درگ ما خون امید جار بست
با عاشقان فردا نه غم نه سوگوار بست
هر چند که عاشقان را شب است و تیرباران
اگر چه سهم یاران شکنجه است و زندان

شکفته چون گل سرخ در سینه‌های یاران
عشقی به نام مردم، فلسفی به شکل ایران

بی‌وحشت ازید و درد در شام‌های ممتد
این شیر آسبیار با بخوان که سرفراز
آنک قیام خورشید با دست‌های مردم
از موج‌های دریا تادشت و کوه و گندم

شکفته چون گل سرخ در سینه‌های یاران
عشقی به نام مردم، فلسفی به شکل ایران

آلوده گر چه دست جلادهای دشمن
به خون همسر توبه خون کودک من
اگر چه مانده خیل‌نخس شهید بر خاک
کاوه هنوز هم با ما است، بگو بگو به ضحاک

شکفته چون گل سرخ در سینه‌های یاران
عشقی به نام مردم، فلسفی به شکل ایران

ایرج جنتی عطایی

بود. چه می‌توان کرد؟ بعضی‌ها می‌گفتند نباید بهانه به دست جلادان داد. باید کوتاه آمد و زنده ماند. اما بعضی دیگر مصمم بودند تا آخر خط بروند. شجاعت و دلیری این پاک مردان و شیرزنان برای من باور نکردنی بود. اما من راه دیگری را، انتخاب کردم. روز بعد که به بیدارگاه رفتم، برایم روشن بود چه خواهم گفت. نمی‌خواستم بمیرم و نمی‌خواستم بدون مقاومت تسلیم شوم. قبول نکردم نماز بخوانم. به اتاق "تعزیر" یا شکنجه رفتم و جیره‌ام را خوردم. این وضعیت دوروز ادامه پیدا کرد. اما تحمل ضربات شلاق با پای‌های ورم کرده دیگر ممکن نبود. عده‌ای اعلام کردند که نماز می‌خوانند. یک پاسدار آمد و "آمام جماعت" شد. بیچه‌ها را وادار کردند پشت سر او بایستند و نماز بخوانند. پاسدارها می‌گفتند می‌دانیم که بجای خواندن نماز توی دل‌تان به ما فحش می‌دهید، ولی دستور امام واجب‌الاجرا است: یا نماز یا شلاق!

هر روز افراد جدیدی می‌رفتند و بازنمی‌گشتند. زندان بوی مرگ می‌داد. به مرور اطلاعات کامل‌تر شد: در حسینیه‌ی زندان حدود ۲۰ جویبه‌ی دربار پراکنده بودند. وقتی که از حمام زیاد می‌شد، حتی از کارگاه فنی زندان هم به عنوان مسلخ استفاده می‌کردند. حتی شنیدیم که بدلیل کمبود جویبه‌های دار، پاسداران طناب را به دور گردن زندانیان پیچیده و آنقدر از دو طرف کشیده‌اند که منجر به خفگی شده است. آنقدر تعداد کسانی که می‌بایست اعدام شوند زیاد بود و هیئت ویژه آنقدر برای اعدام آنها عجله داشت که حتی خوردشان قادر به تشخیص این نبودند که چه کسانی قرار است اعدام شوند و چه کسانی نه. ۲۷ نفر از زندانیان یک بند را به حسینیه برده و به دار کشیده بودند و تازه بعد از مرگشان معلوم شده بود که آنها اعدامی نبوده‌اند.

برای ایجاد رعب و وحشت عده‌ای را به حسینیه برده بودند تا صحنه‌های اعدام را ببینند. وقتی که آنها به بند برگشتند، مثل مرده‌های متحرک بودند. اصلاً قادر به حرف زدن نبودند. به تدریج نام‌های رفقای که بر سر دار رفته بودند، در بند بخش شد و هیجان و اضطراب جای خود را به اندوهی تحمل‌ناپذیر داد. نام ۱۵ نفر از رفقایم را شنیدیم که اعدام شده بودند. آنها نزدیک‌ترین رفقایم بودند. با بعضی‌هایشان مدت‌ها هم خرج بودم. صدای خنده‌هایشان هنوز در گوشم طنین انداز بود. آن شب سیاه‌ترین شب زندگی من بود.

در مساله آلترناتیو

فرخ نگهدار

معاذیری را بیگمان بسیارست می‌یافتیم. این اصلاً تصادفی نیست که تا امروز از هر گونه اعمال فشار بر سه نیروی دیگر برای واداشتن آنان به گفتگوی علنی یا دیگران امتناع و این امتناع دلیل برفوت ما تصور شده است. من بین این امتناع و فکر تشکیل یک آلترناتیو حکومتی رابطه‌ای منطقی می‌بینم. مبنی هر دو یکی است. قدرت و منافع گروهی در هر دو مورد معیار بوده است. آنکه از درجه‌ای جز مگسک لوله تفنگ به مسئله قدرت سیاسی نگاه می‌کند، آنکه منافع گروهی چشمانش را هنوز آفت‌زنگ نکرده است که فقط قامت خود را ببیند و عاشق خویشتن باشد، بی‌گمان دعوت دیگران به گفتگو با خویش و یا بالعکس را پرواز مگس در عرصه سیمرخ نخواهد دید.

حمایت دولت‌ها

طرح سازمان ما برای تشکیل جبهه آلترناتیو هنوز روشن نکرده است که آیا جلب حمایت سیاسی، مادی و عملی و کمک دولت‌ها و احزاب حاکم را می‌پذیرد یا نه. ما تا کنون فقط گاه به دولت‌های خارجی هشدار داده‌ایم که از آلترناتیو سازی برای ما دست بردارند. خود ما هیچ تماس و گفتگوی رسمی و غیر رسمی با هیچ یک از دولت‌ها و یا احزاب حاکم نداریم و تلاشی نیز در این عرصه نمی‌کنیم. از نظر من دلیل این سستی روشن نیست. کسی که می‌خواهد در راه ایجاد یک آلترناتیو حکومتی، کنار زدن دیگران، به زیر کشیدن حکومت و قدرت رسانیدن خود تلاش کند، غیر قابل درک است که چرا از جلب حمایت اتحادیه اروپا، ایالات متحده، دولت‌های منطقه و دیگران می‌پرهیزد و یا اهمیت و ضرورت آنرا برای تحقق طرح خویش ناچیزی نادیده می‌گیرد.

بر خلاف کسانی که با عوام‌فریانه و با ساده لوحانه بر هر تلاش برای جلب حمایت خارجی انگ و ابستگی می‌زنند، من این تلاش‌ها را جز در مورد دولت عراق که سیاستی ضد ایرانی و جنگ افروزانانه را دنبال کرده است، از قبل و تا زمانی که با انجام خدمات معین برای آن دولت شروط نباشد و یا به فساد و مصرف در راهی غیر از اهداف جنبش آلوده نشده باشد، یکجا مردود و محکوم نمی‌شنام. آنچه نگران کننده است صرف تلاش برای جلب کمک و حمایت این یا آن دولت نیست. نگران کننده اینست که جلب حمایت خارجی وسیله‌ی آزمایش بدر کردن و سرکوب رقیب گردد و رقابت دولت‌ها بر سر منافع ملی خود مانع هر گونه تفاهم ملی گردد. تجربه تلخ لبنان، سرنوشت فاجعه بار افغانستان، وضعیت دردناک کردستان عراق و ده‌ها و ده‌ها نمونه دیگر پیش روی ماست.

در دوران جنگ سرد هر جنبش حرکت سیاسی به این یا آن صورت در آخرین تحلیل به سوی شرق یا غرب سمت گیری می‌کرد. در دوران پس از جنگ در منازعات منطقه‌ای و در روابط کشورهای دوازده جانبه از مخالفتین طرف مقابل به یک وسیله‌ی رایج بده بستان‌ها و اعمال فشارها دولت‌ها بر یکدیگر برای کسب امتیاز در مذاکرات و مسائل فیما بین تبدیل شده است. هم اکنون در رابطه دولت ایران با کشورهای همجوار منطقه این موضوع یک پدیده روزمره است.

دروغ فعلی هر نهضت سیاسی ایرانی که به مثابه یک آلترناتیو واقعی برای جمهوری اسلامی برآمد کند چه بخواهد و چه نتواند و در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد و اگر این نهضت نهضتی نباشد که گرد آمد عمده ترین گرایش‌های سیاسی کشور هدف گرفته است، اگر این نهضت نه یک طرح توافق ملی که کشمکش با دیگر مدعیان قدرت را در مقابل قرار دهد، آنگاه شک نباید داشت که ایران ما نیز بسان لبنان و افغانستان عراق و غیره جولا نگاه کشمکش دولت‌های رقیب خواهد شد و از تاجیکستان و افغانستان گرفته تا روسیه و آمریکا و غیره تحت عنوان کمک به تأمین صلح و امنیت برای ایرانیان یا حمایت از این و آن در پی آن خواهند بود که جای پائی در این کشور برای خود گشاد کنند.

در مسئله آلترناتیو هر طرحی که نخواهد یا نکوشد تحقق نوعی توافق ملی در شیوه تعیین حکومت در ایران را دنبال کند، هر طرحی که نه مصالح عمومی کشور و مردم که منفعت قدرت و درگیری با دیگران را هدف قرار دهد هر گاه به جد پی گرفته شود و از عهده نمایش قدرت خویش نیز خوب برآید، در این منطقه پر آشوب طرحی خواهد شد برای تقسیم ایران به مناطق نفوذ همسایگان و قدرت‌های ریز و درشت جهان که برای ایران ما اموال منقول و منقول آن تصمیم بگیرند. ساده انگاری محض است هر گاه رسالت ما در تأمین دموکراسی برای ایران از مسئولیت ما در قبال سرنوشت کشور، از دفاع ما از حق مردم برای زندگی در صلح تجرید شود و تصور رود که منازعه مدعیان آلترناتیو می‌تواند دروازه‌های کشور را به روی آرمان دموکراسی بگشاید. تنها نکته امیدوارکننده در این طرح آنست که تصور نرود طراحان در اجرا پیگیر و یا توان ضرور برخوردارند.

فراخوانده می‌شوند. بسیار بعید می‌دانم که حتی اگر توان ما برای سرنگونی رژیم و کنار زدن دیگران و به دست گرفتن قدرت کفایت کند خصوصت، عدم امنیت و یورشهای پیاپی و مراجعه به خارجیان برای سرنگونی آن رژیم از درون و بیرون با پان بپذیرد و آزادی نوام با آسایش ارزانی ایرانیان گردد. طرحی که ما ریخته‌ایم با تجارت تلخ تاریخی تفاوت بنیادین ندارد. طرح‌هایی که ایران را به دموکراسی نزدیکتر نکرده‌اند. به مصیبت بیشتر نزدیک کرده‌اند.

اگر رسالتی در مرحله کنونی در راستای تأمین دموکراسی در ایران به عهده کسی باشد، این رسالت سریعتر دیدن وی بسوی قدرت - چنانکه مجاهدین می‌کنند نیست. این رسالت قبل از همه در رفتنی است که در راستای تأمین شرایط همزیستی نیروها و گرایشهای مختلف سیاسی کشور و همگرایی آنان حول یک تصمیم همگانی بر عهده گرفته می‌شود. مسئله مرکزی ایران بر خلاف بسیاری تصورات نه نفس تغییر حاکمیت که کیفیت تغییر آن است. و رسالت ما این است که شرایط مشارکت هر چه وسیعتر نیروها در تنظیم طرحی که این کیفیت را تعیین می‌کند هر چه بیشتر فراهم کنیم.

این استدلال که ایرانیان برای به توافق رسیدن روی هیچ الگویی همگانی آمادگی ندارند، در عمل توصیه‌ای است در جهت باز کرده راه برای پیاده شدن الگویی افغانستان در ایران و کنار زدن وی ارزش کردن الگوهای چون کامبوج، لهستان، آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه و غیره و غیره.

در بین ما فداثیان دو ارزیابی عمل می‌کند: یکی می‌گوید استقرار دموکراسی در ایران در گرو افشای هر چه بیشتر ماهیت سه نیروی اصلی حاکم استبداد، تضعیف و انزوی آنان، گردآوری هر چه بیشتر نیرو و حول سازمان متحدان و به قدرت رسانیدن این بلوک بندی و تثبیت حکومت آن است. دیگری می‌گوید اعمال فشار هر چه بیشتر از سوی سازمان و همفکران بر آن سه نیرو و در راستای سوق آنان در سمت رسیدن به یک توافق حول کیفیت تغییر و استقرار حاکمیت - که از نظر ما انتخابات آزاد است - نخستین گام در راه استقرار دموکراسی در ایران است.

آلترناتیو فکری

فکر من این نیست که سازمان هیچگاه نباید آلترناتیو تشکیل دهد که دیگران را شکست دهد و خود را به حکومت برساند. این کار قطعاً روزی ضروری است. روزی که شرایط برای رقابت آزادانه‌ی نیروها و انتخابات دموکراتیک مهیا و یا دستکم در چشم انداز هویدا شده باشد. امروز وظیفه ما نه ارائه‌ی یک آلترناتیو حکومتی، که ارائه‌ی یک آلترناتیو فکری است. نقد طرحی که برای نظام حکومتی ایران راه دستیابی به آن ارائه شده است. افشای بی‌پروای تناقضات آنها با موازین دموکراتیک، اعمال فشار برای تصحیح آنها و تصحیح خود، نقد اعمال و رفتار بیگانگان به دموکراسی و نشون انسانی در صفوف خود و در بین دیگران در شکل گیری یک هویت فکری آلترناتیو نقش کلیدی دارد. بگذرا قبل از آنکه ما و متحدان حول چگونه تقسیم قدرت و حول سرنوشتی که برای دیگران در نظر می‌گیریم متحد شویم برداشت‌ها و سمت گیریهای مشترک فکری و رفتاری، نیروی ما را متحد و آزد بگردانیم. چه چیز از این مبهم تر که هواداران دموکراسی در ایران امروز به لحاظ فکری و رفتاری، به هویتی مشترک شناخته شوند. هویتی که آنان را نه تنها به لحاظ طرز تلقی از نظام سیاسی آینده کشور و پرنسب‌های اداره‌ی آن، بلکه به لحاظ رفتار و منش و مواضع سیاسی روزمره نیز به عنوان نیروی ضامن دموکراسی معرفی کند.

این سؤال که مسعود رجوی در ایرانی که وعده داده می‌شود شغلش چیست و دعوت از مجاهدین به مناظره و گفتگو بر مبنای نقشه‌ای که برای ایران کشیده‌اند، آنان را به اندیشه‌ای مجدد پیرامون هویت خود و رابطه خود با دموکراسی ترغیب و به تأسیس و ترویج یک آلترناتیو فکری در مقابل فکر استبدادی در کشوری می‌رساند. سؤال ما از رضا پهلوی که اگر مشروطه خواهید یا از رهبری سیاسی کناره بگیرید و یا میراث پادشاهی را برای همیشه ترک گوئید، مشروطه خواهان را به تأمل بیشتر در باره آنچه می‌خواهند و رابطه‌ی آن با دموکراسی فرامی‌خواند و به شخص جنبش ما حول ایده‌ی جمهوری پارلمانی و تمام انتخاباتی باری می‌رساند.

اینکه سازمان ما رسماً به سازمان مجاهدین مراجعه و آنان را دعوت به گفتگوی علنی با مخالفان کند در هیات اجرائیه سازمان به این دلیل رد شده است که این کار در وضع فعلی حمل بر ضعف ما خواهد شد. این تصمیم مرا بسیار متأثر کرد. هیچ تصمیمی در این زمینه اگر علناً اتخاذ می‌شد تا این حد آن نتیجه‌ای را بار بار نخواهد آورد که رای دهندگان به آن از آن گریزانند و اگر ما به علنیت و آشکار گویی عادت کافی می‌داشتیم تکیه بر چنین

مساعده کردن وضعیت سازمان برای تماس و همکاری با مخالفان و ناراضیان از حکومت در ایران است.

دموکراسی به چه ترتیب

تردیدی نیست که خواسته‌های ما در ثریب جمهوری پارلمانی به مراتب بر نظام سلطنتی و ویرولایت و یا بر ملقمه‌ای از این دو که مجاهدین طراحی کرده‌اند رجحان دارد. چنین رژیمی مسلماً تضمین بیشتری برای حرمت حق انتخاب مردم و استقرار دموکراسی خواهد داشت.

اما سؤال اینست که در نظر گرفتن یک ترکیب از قبل تصویب شده و تحریم تشکیل هر نوع دولت انتقالی، موقت و گذرا، دولتی که مثلاً راهگشای رفتارندوم یا انتخابات مجلس موسسان باشد تا چه حد خرد مندانه و توام با تدبیر سیاسی است؟ چرا ما باید بیکبار برای همیشه تصمیم بگیریم که قطعاً باید از مشارکت در هر انتقال حکومتی دیگری جز آنچه خود می‌خواهیم تشکیل دهیم و نیز از پشتیبانی از هر تحول دموکراتیک همواره اجتناب کنیم؟

درست کردن هر ترکیب و هر اتحادی و نامزد کردن آن برای حکومت در شرایطی که هیچ معلوم نیست چرخش اوضاع و تناسب نیروها در روزی که تحول دموکراتیک ممکن گردد، تا کجا و در چه وضعی است در بهترین حالت کاری عبث و در غیر این صورت تلاشی تفاهم سوز و سوءظن آفرین است.

بحث این نیست که نقشه ما توسط ایرانیان و جهانیان، حتی توسط خود کسانی که می‌خواهند آنرا پیاده کنند تا چه حد جدی و عملی گرفته می‌شود. گیریم که دستکم ما آنرا جدی بگیریم و در تحقق آن پیگیری باشیم. نتیجه چه خواهد شد؟ شورای ملی مقاومت همین راه را از ده، دوازده سال پیش پیگیری و قاطع طی کرده و درست به میزان پیگیری و قاطعیت تلاش‌هایش برای کنار زدن و منزوی کردن دیگران، درست به میزان عطش که برای انحصار قدرت دارد، در جامعه سیاسی ایران خود را بیشتر منزوی کرده و امیدها را نسبت به تلاش‌ها و تمایزش برای برقراری دموکراسی بیشتر نابود کرده است.

من پیش بینی نمی‌کنم روند تغییر توازن نیروها در چشم انداز در ستمی قرار گیرد که آلترناتیو چهارم ما علیرغم همه جاذبه‌هایش بتواند قدرت خود را در حکومت تثبیت کند، همانگونه که پیش بینی نمی‌کنم و آلترناتیو رقیب نیز چنین فرصتی بدست آورد. وقتی که از روند‌های استراتژیک صحبت می‌کنیم رقم زدن آینده سیاسی کشور از طریق حذف سه نیروی دیگر به شمول تمام جناحهای رژیم و غلبه انحصارگرانه‌ی مجاهدین و یا بازگشت سلطنت نیز به همان اندازه غیر ممکن و یا فاجعه آمیز است که بقای انحصارگرانه رژیم فعلی امید به اینکه الگویی مجاهدین با بازگشت مهره‌های رژیم سابق یا غلبه ائتلاف چپ‌های دموکرات و لیبرال یا هر کدام منفرداً بتوانند با توسل به زور امنیت را در کشور تأمین، یکبار چگی آنرا حفظ، رشد اقتصادی را ممکن و دموکراسی را نیز مستقر کنند به همان اندازه ضعیف است که اعتماد به رژیم فعلی.

دموکراسی برای ایران و بالاترین خواسته‌ی تاریخی ماست و حصول آن نیز جز از راه جمهوری پارلمانی و انتخابات آزادانه تجربه شده است و نه قابل تصور. اما رژیم پارلمانی و انتخابات آزاد زمانی فکری قابل حصول و عملی است که عمده ترین ارکان جامعه سیاسی ایران حول قواعد آن به توافق برسند و این توافق را محترم بشمارند و علت اصلی مخالفت من با اساس خط مشی سیاسی سازمان آن است که فکر نمی‌کنم با حذف مجاهدین و متحدان، به انضمام حذف سلطنت طلبان و حواشی و بالاخره حذف گروه‌های هوادار دیکتاتوری پرولتری و غیره و با حذف همه جناحهای رژیم و هواداران بتوان مدعی تلاش در راه دستیابی به توافق عمده ترین نیروهای سیاسی کشور حول قواعد معین شد.

شانس اینکه طرح ما برای استقرار دموکراسی در ایران بتواند بدون توسل به زور علیه نیروهایی که حذف می‌شوند پیاده شود برآستی تا چه میزان است؟ و آیا اگر طرح بخواهد از طریق بگیر و ببند دیگران پیش رود آیا شایسته است نام آن طرح استقرار دموکراسی پارلمانی مبتنی بر انتخابات آزاد گذاشته شود؟

استدلال می‌شود حکومتیان از دم عامل سرکوب و کشتار و فلاکت کشوند، استدلال می‌شود به طاعون تیان چگونه می‌توان اعتماد کرد که تغییر ماهیت داده باشند و سلطنت در ایران عین دیکتاتوری است. استدلال می‌شود رفتار خصمانه مجاهدین با مخالفین و نفرت پراکنی‌های علیه دیگران جانی برای ما و برهه آنها باقی نگذاشته است. اما استدلال‌ها هر چه باشد نتیجه آنست که در طرح آلترناتیو ما برای استقرار دموکراسی در ایران دستکم سه نیروی عمده از مشارکت در تصمیم گیری برای تعیین سرنوشت کشور کنار گذاشته شده و به مقابله با آن

گسترده‌گی شورش قزوین و در پشت بند آن رسیدن خبری از تبریز و حادثه‌ای در قائمشهر و دیگر جاها، و خامت اوضاع بد اقتصاد، تشدید انزوی بین‌المللی رژیم و در ماندگی همه سران حکومت در حل و فصل مسائل بنیادی کشور فکر تشدید تلاش‌ها برای تشکیل آلترناتیو دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی را در سازمان ما دامن زده است. این فکر در سه کنگره سازمان ما و قبل از آن نیز مورد تصویب و تأکید قرار گرفته بوده است.

فکر

اساس فکر سازمان ما این است که نیروهایی که خواهان الفاء رژیم فعلی و استقرار یک جمهوری پارلمانی هستند در یک جبهه متحد شوند و آلترناتیو دموکراتیک رژیم را تشکیل دهند، طرفداران بازگشت سلطنت و شورای ملی مقاومت را کنار بزنند، جمهوری اسلامی را ملغی کنند و خود حکومت را به دست گیرند.

در مسئله آلترناتیو هم اکنون دو پاسخ مشخص موجود است: پاسخ مجاهدین که می‌گویند این رژیم برود، مسعود رجوی رهبر و همسرش رئیس جمهور شود و شورای ملی مقاومت آنان هم مجلس شورای ملی ایران گردد. و پاسخ طیف وسیعی از سلطنت طلبان که می‌گویند این رژیم برود، رژیم سلطنتی از نو برقرار شود و رضا پهلوی پادشاه گردد.

سازمان ما بارها و به صراحت مخالفت خود را با هر دوی این پاسخ‌ها اعلام داشته و تأکید کرده است که جبهه‌ای را که می‌خواهد تشکیل بدهد و به حکومت برساند طرفداران سلطنت و ولایت و مجاهدین و متحدان را شامل نمی‌شود.

وضع موجود

در راستای تحقق این فکر سازمان در سالهای اخیر رابطه‌ی خود را با طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی مقیم خارج اصلاح کرده و بهبود بخشیده است. هم اکنون سازمان ما مذاکرات تمرینش مشترکی را با چهار سازمان جمهوری خواهان ملی، حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی و حزب دموکرات کردستان ایران بی‌می‌گیرد که امید است به یک توافقنامه مشترک پیرامون اهداف سیاسی مشترک بیانجامد. ما با دیگر سازمان‌های چپ، از جمله حزب توده ایران، حزب توده ایران بلا تفرم دموکراتیک، سازمان کارگران انقلابی، سازمان اتحاد فدائیان روابط و گفتگو با یکدیگر را پذیرفته‌ایم و در برخی موارد همکاری نیز امکان پذیر است. با آقای بنی‌صدر و دیگر رجال ملی و آزاد بخواه نیز امید دیدار و همکاری و همفکری فراهم است.

با مخالفان و ناراضیان از حکومت در ایران هیچگونه رابطه و گفتگویی برقرار نیست، حتی شناخت کافی هم وجود ندارد. اما این فکر که مخالفان رژیم در ایران جزو جبهه‌ی آلترناتیو نتوانند بود و یا به بد اتحاد و همکاری دعوت شوند در سازمان پذیرفته شده بی‌آنکه در شکل فعالیت و حرکت سازمان برای مساعده سازی شرایط این ارتباط و همکاری تغییری پدید آمده یا تدبیری برای آن در نظر گرفته شده باشد.

در عرصه بین‌المللی هیچ تمهید خاصی چیده نشده است. سازمان ما هیچ یک از احزاب حاکم و دولت‌ها روابط رسمی ندارد و مراجعه‌ای هم بدین منظور صورت نگرفته و سیاست ناظر بر آن نیز تدوین نشده است.

من در هر سه کنگره سازمان با فکری که اساس خط مشی سیاسی سازمان ما بر آن استوار است مخالفت کرده و از پشتیبانی از اسناد آن خودداری کرده و دلائل مخالفت را در این نشریه و در کنگره‌های سازمان و اجلاس‌های رهبری آن توضیح داده‌ام. با این حال از آنجا که از پی‌رویدادهای اخیر فکر تشکیل جبهه‌ی آلترناتیو با مشخصات فوق از نواح گرفته است ضروری دانسته‌ام که دلائل جامع نظر خود را از نویبان کنم و آنچه در زیر آمده است در همین رابطه است.

بحث بر سر سمتگیری استراتژیک و جهات کلی سیاست گذاری و رسالتی است که در این دوره تاریخی بر عهده ما است. من هم یاران سازمان را به تعمق بیشتر در باره‌ی این رسالت و راهی که باید فراروی خود و کشور قرار دهیم فرامی‌خوانم.

این که سازمان ما در سالهای اخیر موفق شده است مناسبات خود را با طیف معینی از نیروهای سیاسی مقیم خارج گسترش دهد و بهبود بخشید یک موفقیت برای ماست. من همواره از روند تفاهم و نزدیکی با چهار سازمان سیاسی نامبرده استقبال و تا حد ممکن از آن پشتیبانی کرده‌ام. بسیار خوب است که این سازمان‌ها یک ارگان دائمی برای تنظیم مناسبات و همکاری‌های خود تنظیم کنند و بسیار خوب است که این تعداد افزایش یابد و سازمان‌ها و دیگر محافل و نیروهای سیاسی کشور حول علقه‌های مشترک همکاری یا حول موضوعات مورد علاقه طرفین به گفتگو بنشینند. این کارها هر چه بیشتر صورت گیرد بسود آرمان دموکراسی و بسود تفاهم ملی تواند بود. اگر اتفاق‌ای مطرح باشد از کندی پیشرفت این روند و بخصوص از انداشتن هیچ تدبیر و تمهید برای

فلسفه سیاسی شریعتی

قسمت آخر

امیرپرادی

در قسمت نخست این مقاله که در شماره پیشین کار درج شد، نویسنده نقش شریعتی در میان روشنفکران مسلمان دوران پیش از انقلاب و دیدگاه های کلی او در مورد مذهب اسلام را مورد بررسی قرار داد. در ادامه این مقاله نظرات دکتر شریعتی پیرامون امام و نقش آن در رهبری سیاسی جامعه و دموکراسی متعهد و غیرمتعهد مورد بحث قرار گرفته است.

مادراین جا به بیان نظریات شریعتی به ویژه در باب امت و امامت پرداختیم. حال می پردازیم به تعریف شریعتی از امام در فلسفه سیاسی خود. شریعتی در تعریف امام می نویسد:

امام عبارت از یک موجود انسانی است که وجودش، روح و اخلاقش، شیوه زندگی، به انسان ها نشان می دهد که چگونه باید بود و چگونه باید زیست. وی تجسم عینی ارزش های اعتقادی و تحقق انسانی مفاهیم فکری و نمونه محسوس و مرنمی حقایق است که یک مکتب، بدان ها می خواند و می گوید تا انسان ها را با آنها بیوراند. در وجود وی، یک ایدئولوژی عینیت و واقعیت و تجسم واقعی دارد یعنی در او ارزش ها و ایده ها و نیکی ها و مسئولیت ها گوشت و پوست و خون شده اند و زندگی می کنند. (همانجا ص ۵۴۸)

دومعنی در فرهنگ شیعی برای امام قائل می شود: "الف به معنی نمونه"، "بیب ایده آل"، "شهید"، "سوه"، "انسان مافوق"، "امام یک اسلام مرنمی و محسوس است."

ب به معنی رهبر، پیشوا، قائد، مسئول هدایت امت، زمام داری و رهبری خلق بر اساس مکتب و در راه تکامل. (همانجا ص ۶۲۹)

لذا شریعتی تفکیک میان دین و سیاست، خلافت و امامت را انعکاسی از فکر القائی جدید غربی (همانجا ص ۶۳۰) دانسته و می نویسد: "در اسلام سیاست و دین، دنیا و آخرت، از یکدیگر جدا نیست." (همانجا ص ۶۳۰)

تعریف راستین امام به نظر شریعتی عبارتست از: "انسانی که هست، از آن گونه که باید باشد و نیست. امام انسانی است که هست از آن گونه انسان هائی که باید باشد اما نیست و باید بشود. چگونه؟ بر گونه امام. بنا براین امام عبارت (است) از انسانی که انسان ها همواره در طلب شناختن و نیازمند داشتنش بوده اند، در طول تاریخ زندگی... (همانجا ص ۵۶۳)

کمترسی را می توان یافت که این جمله سارتر یا خواندن این دستور در ذهنش تداعی شود: "انسان همانی نیست، که هست و همانی هست، که نیست." با یک تفاوت و این تفاوت عمده است. فرد شریعتی سرش و نمونه واسوه و خدا دارد، در حالی که فرد سارتر نمونه و خدا واسوه ای ندارد. و شریعتی این ویژگی امام رانه خارجی، بلکه درونی، قائم به ذات فرد دانسته می نویسد:

امامت یک حق ذاتی است، ناشی از ماهیت شخص که منشأ آن خود امام است، نه عامل خارجی انتخاب و انتصاب، منصوب بشود یا نشود، منتخب مردم باشد یا نباشد، امام هست، چرا که دارای این فضائل است (همانجا ص ۵۷۷)

بنابراین نصب یا انتخاب در این جا (امامت. ب. ب) عامل تشخیص است نه تعیین. (همانجا ص ۵۷۸)

به عبارتی از این جا می توان به این نتیجه رسید: "که اساسا ملاک های مختلف تعیین (از آن هائی که در جامعه های بشری و در نظام های مختلف سیاسی عمل شده و می شود)، در تعیین امام به امامت، هیچ کدام صادق نیست، زیرا امامت به تعیین نیست، بلکه آن چه در باره او مطرح است، مسئله تشخیص است یعنی مردم که منشأ قدرت در دموکراسی هستند، رابطه شان با امام، رابطه مردم با حکومت نیست، بلکه رابطه شان با امام، رابطه مردم است با واقعیت، تعیین کننده نیستند، تشخیص دهنده اند... و بحث از انتخاب و اکثریت آرا و اختیار در این جا بی معنی است." (همانجا ص ۵۷۹)

اما وظایف امام چیست؟ نقش و وظیفه او کدام است؟ آیا قوای بر او نظارت دارد یا همه چیز در تحت احاطه و حاکمیت و نظارت اوست؟ شریعتی در پاسخ

می نویسد: "اما امام در کنار قدرت اجرایی نیست، هم پیمان و هم پیوند با دولت نیست، نوعی هم سازی با سیاست حاکم ندارد، او خود مسئولیت مستقیم سیاسی جامعه را دارا است، و رهبری مستقیم اقتصاد، ارتش، فرهنگ، سیاست خارجی و اداره امور داخلی جامعه با اوست." (همانجا ص ۵۹۲)

به عبارتی: "امام هم رئیس دولت است (سیاست مدار) و هم رئیس حکومت و رهبر جامعه (رکن) اجتماع، و هم پیشوائی فکر و رهنمونی هدایت با اوست." (همانجا ص ۵۹۲)

و در واقع اگر امامی را از امامت محروم کردند، این امام نیست که از امامت محروم شده است، بلکه این امت است که از داشتن چنین امامی محروم و بدور مانده است. شریعتی علی را چنین امام می داند. با چنین تعاریفی امام باید معصوم و منزوه و پاک از هر آلودگی باشد و چون هست که به مقام امامت رسیده است، زیرا این خصائل را کسی نباید به او داده باشد و او هم دار هیچ احدی نیست و چون چنین است انسان بدانگونه که باید باشد این مسئله که امام "پایش بلغزد" یا "دستش بلغزد" و یا "قدرت کورش کند" و یا "دیکتاتور و مستبد گردد"، به ذهن شریعتی متبادر نمی شود و به این نکته و یا امکان آن اشاره ای نمی کند و چون تشخیص نیز ملاک و معیار چنین "ایدئ" است، لذا به ذهنش این مسئله خطور نمی کند که آیا این تشخیص قابل تغییر می تواند باشد یا نه. زیرا برای او مهم تر از همه ایدئولوژی و جهان بینی آرمانی اوست، که باید به کرسی بنشیند و برای این که این جملات تهی و اقرا نباشند، در ادامه مطلب خود با زبان خود مرحوم شریعتی به این جملات اعتبار می بخشیم. شریعتی در بحث خود و در حقیقت برای اثبات این که چرا وی از مفاهیم امت و امامت استفاده می کند و نه از جامعه و فرد، و در حقیقت نیز منطق این تفکر نمی تواند هم از این مقولات استفاده کند، به یک واقعیت تاریخی اشاره کرده، بر آن انگشت نهاده و آن را ملاک تمیز و تشخیص شرق از غرب دانسته و پاسداری و حراسات از آن را مهم و حیاتی می شمرد. به عقیده او در غرب سیاست به معنی شهرداری و کشورداری است، در حالی که در شرق و در اسلام سیاست به معنی مختص شهرداری نیست و نبوده و قائم بر همه با آموزش و پرورش و تربیت و تئذیه و تهذیب آبیخته و عین است. لذا شرق از این لحاظ در مقابل غرب قرار دارد و می گیرد، اسلام در برابر اصل لا یتبینه و قرارداد اجتماعی زمینی و سبجی می ایستد. و ریشه این دوگانگی در درک این دو آموزه به خصوص در تعریف آن ها از انسان می باشد. چه بسا به همین خاطر بود که هگل اعتقاد داشت شرق با آزادی فرد و فردی مأنوس و آشنا نیست و آن را نمی شناسد. شریعتی با توجه به این نکته طرز ادراک سیاست در غرب و شرق به دو پیش و طرز تفکر در جامعه شناسی سیاسی اشاره می کند: "در جامعه و هدایت جامعه." (همانجا ص ۴۹۸)

شریعتی می نویسد: "پس حکومت دین و فلسفه و مسئولیت دارد: یا باید رهبری و تربیت مردم را به بهترین شکل و بر اساس یک مکتب تعهد کند که معلم و رهبر مردم است (سیاست) و یا مدیر جامعه است و نگهبان و حافظ آن (پلیتیک)." (همانجا ص ۴۹۸)

و بر اساس این تقسیم بندی شریعتی نتیجه گیری می کند:

"سیاست فلسفه دولتی است که مسئولیت شدن جامعه را بر عهده دارد و نه بودن آن را. سیاست یک فلسفه به معنی واقعی کلمه - شرقی و دینامیک است. هدف دولت در فلسفه سیاست تغییر بنیادها و نهادها و روابط اجتماعی است و حتی آراء و عقاید و فرهنگ و حکومت تصمیم بگیرند. تصمیمی که بیگمان دیری نخواهد پایند.

باز تا ب ساده احساس ما نسبت به شورش در عمل سیاسی و هوای در آس آن قرار گرفتن به خیال تاسیس یک دولت توده ای یا اعمال قدرت توده ای به یک طرح و نقشه تجربه شده، قابل حصول و سنجیده که یک تلاش عاطفی برای ارضای آتش نفرتی بر حق است.

ایران با آفریقای جنوبی و حتی با هند و پاکستان و ترکیه تفاوت بسیار دارد. در ایران توده های وسیع مردم، آنان که نیروی اصلی شورشند، هیچ گاه در طول تاریخ نه با احزاب سیاسی پیوند و نه از آنان شناخت درستی داشته اند. در چنین وضعی این فکر که احزاب سیاسی، از جمله سازمان، که سالهاست به خارج کشور رانده شده اند، در آس شورش قرار گیرند، آن راه ایت کنند و به وسیله اعمال قدرت آلتروانی دموکراتیک بدل سازند یک رؤیای ناب است. نیروی ناراضی و عصیان توده ای در ایران کنونی فقط زمانی پیوند تحت رهبری یک ائتلاف همگانی یونه از سوی این با آن مدعی حکومت بود. خدمت اعمال فشار بر حکومت برای تضمین شرایط دموکراتیک برای مراجعه به آرای عمومی به کار گرفته شود می تواند در جهت استقرار دموکراسی شریعتی شریعتی شریعتی

اخلاق و پیشین و سنت ها و سلیقه ها و خواست ها و به طور کلی ارزش های جامعه است بر اساس یک مکتب انقلابی، یک ایدئولوژی اصلاحی و به سوی تحقق ایده آل ها و خواستها و ارزش ها و اشکال متکامل و رهبری مردم در جهت تعالی و بالاخره کمال، نه سعادت، ... و در یک کلمه: "مردم سازی" و نه "مردمداری." (همانجا ص ۴۹۹)

لذا سیاست - شریعتی - مرفقی تر از پلیتیک است و: "فلسفه سیاسی در شکل امامت و در معنی امامت اش - عبارتست از مبتنی کردن اصل حکومت بر اساس پیشرفت و تغییر و تکامل هر چه سریعتر جامعه و لو در این سرعت و راندن به سوی کمال، افرادی هم احساس راحتی و آسایش نکنند، و با افرادی چند باشند که زندگی را کد و آسوده معمولی را بهتر از آن حرکت و تکامل ببینند با اصولا نپسندند، که اگر چنین افرادی بودند از ایشان مقامی نخواهد یافت که امامت هدفش را بر اساس رسالت و هدف و آنچه که باید باشد می گزیند نه بر اساس "مصلحت"، که بر اساس "حقیقت"، کدام حقیقت؟ حقیقتی که ایدئولوژی و مکتبی که افراد امت بدان معتقدند، نشان داده است." (همانجا ص ۵۰۴)

شریعتی با تفکیک این دو نظریه فلسفه سیاسی به دو درک از دموکراسی می رسد: "دموکراسی آزاد و دموکراسی متعهد، که بهترین نام برای آن چه بسا دموکراتور باشد. دموکراسی آزاد که در کشورهای غربی اعمال می شود و شالوده سیستم سیاسی است، در واقع، فرهنگی، حقوقی، اجتماعی، اخلاقی، و هدفش "کشورداری" نه بر اساس ایدئولوژی انقلابی، بلکه بر طبق "ایده عمومی" (همانجا ص ۵۰۰) است.

شریعتی در ادامه تعاریف خود از این نوع دموکراسی می نویسد: "دموکراسی غیر متعهد حکومت آزادی است که تنها با رای مردم روی کار می آید و تعهدی جز آنچه که مردم با همین سنن و با همین خصوصیات می خواهند ندارد." (همانجا ص ۶۱۸)

و وظایف شهرداری است در شهر. دستگاه شهرداری در یک شهر مرکز متعهد نیست که از لحاظ پیش مردم را اصلاح کند، که تسلی جوان خوبتر فکر کند، نسل گذشته بهتر بچه ها را تربیت کند، طرز تفکر مذهبی شان را عالی کند، بی مذهب یا با مذهبشان کند و اخلاق را عوض کند، ... (همانجا ص ۴۹۷)

دموکراسی آرمانی که نوع دلخواه شریعتی است و او آن را در فلسفه امت و امامت که بر شالوده توحید مبتنی است متجلی و متبلور می یابد عبارتست از: "دموکراسی متعهد حکومت گروهی است که می خواهد بر اساس یک برنامه انقلابی مرفقی افراد را، پیش افراد را، زبان و فرهنگ مردم را، روابط اجتماعی و سطح زندگی مردم و شکل جامعه را در گرون کند و به بهترین شکلش براند. برای این کاریک ایدئولوژی دارد، یک مکتب فکری مشخص دارد، یک برنامه ریزی دقیق دارد، و هدفش این نیست که یکایک این مردم را بشناسد و سلیقه شان متوجه او شود. هدفش اینست که جامعه را به مقام و درجه ای برساند که بر اساس این مکتب به طرف این مقصد متعالی حرکت بکند و هدفهای انقلابی اش را تحقق دهد." (همانجا ص ۶۱۸)

اسلام بدین مفهوم برای شریعتی بی شک یک حکومت متعهد است، پیغمبریک رهبر متعهد است. (همانجا ص ۶۱۸)

و از همین دریچه وقتی شریعتی به مسئله جان نشینی پیغمبر اسلام در سقیفه در سال یازدهم هجرت می اندیشد، سالی که به قول او:

"بردموکراسی تکیه کردند و اصل شوری در حالی که شیعه بیعت و اصل شوری را متکراست و به جای آن به

وصایت تکیه می کند و سنی، برعکس، وصایت را انکار می کند و بر شوری در خلافت استناد دارد، در حالی که زمان، زمان وصایت یعنی رهبری انقلابی بود." (همانجا ص ۶۳۱ و ۶۳۲)

در واقع شریعتی به منزله روشنفکری معتقد به مذهب و انقلابی در توصیه به رژیم های انقلابی نوشت:

"رژیم های انقلابی جدید، هرگز سرنوشت انقلاب را پس از پیروزی سیاسی که بسیار سطحی و مقدماتی است بدست لوزان دموکراسی نمی سپارند و به آراء اکثریتی که هنوز رای ندارند و اگر دارند ارتجاعی است تکیه نمی کنند، چه سخن از یک جامعه عقب مانده سنتی است که در آن انقلاب شده است." (همانجا ص ۶۲۲)

بنابراین: در عین حال که همه فضائل حکومت دموکراسی بر ما روشن است، برخلاف این تقدس شورانگیزی که این کلمه دارد - با اصل تغییر و پیشرفت انقلابی و رهبری فکری مغایر است و اگر در یک جامعه رهبری سیاسی بر اساس یک ایدئولوژی مشخص و بر دگرگونی آراء و افکار منطبق و سنت های پوسیده استوار است، رهبری نمی تواند خود زاده آرا عوام و تعیین شده پسند عموم و برآمده از متن توده منطبق باشد.

(همانجا ص ۶۰۱ و ۶۰۴)

شریعتی میان دیکتاتوری و امامت و رهبری انقلابی و انقلابیون فرق و تفاوت قائل بود و در این باره می نویسد: "آنچه رهبری را از دیکتاتوری جدا می کند، فرم نیست، محتوی است. بدین ترتیب "امامت" عبارت می شود از رسالت سنگین رهبری و راندن جامعه و فرد از آنچه هست، به سوی آنچه باید باشد، به هر قیمت ممکن، اما نه به "خواست شخص امام"، بلکه بر اساس ایدئولوژی ثابتی که امام نیز بیشتر از هر فردی، تابع آن است و در برابرش مسئول است. از همینجا است که امامت از دیکتاتوری جدا می شود و رهبری فکری انقلابی با رهبری فردی استبدادی تضاد می یابد.

(همانجا ص ۵۰۳ و ۵۱۱)

پرسمانهائی که ذهن طوفانی شریعتی را مشوش ساخته بودند و او را به فرضیه و نظریه امت و امامت سوق دادند، عبارت بودند از:

"... سوم اینکه، آیا حکومت دموکراسی عالیترین نوع حکومت ممکن برای جامعه است؟ چهارم: آیا حکومت دموکراسی بر فرض که عالیترین نوع حکومت برای جامعه بشری باشد، در همه مراحل تکامل جامعه های انسانی این اصل صادق است و برای جامعه متمدن و غیر متمدن، و در نظام های قبائلی، فئودالی، بورژوازی، استعماری، آزاد، انقلابی، یا فائونی، ... فرقی نمی کند؟ پنجم: آیا دموکراسی همه جا به نفع توده ها و طبقات محروم و عقب مانده و در بند است؟" (همانجا ص ۶۰۰)

پاسخ شریعتی به این پرسمانها - فکر کنم - صریح و واضح باشد:

پروورش فکری یا ساختمان انقلابی جامعه به یک دوران طولانی نیازمند است. لنین می گفت نیم قرن و انقلاب فرهنگی چین معتقد است که همیشه... (همانجا ص ۶۲۰) و تفکیکی که استالین میان سوسیالیسم و کمونیسم - به عنوان دو مرحله جدا و متعاقب هم - قائل شد، همین است. (همانجا ص ۶۲۰) این است که "تزدیکتاتوری پرولتاریا" (همانجا ص ۶۳۶) و "تزدیکتاتوری برای مردم" (همانجا ص ۶۳۶) است.

متعهد، حکومت یک حزبی به رهبری انقلابی (همانجا ص ۶۳۷) برای گذار از "دموکراسی راس ها" (همانجا ص ۶۲۴) به "دموکراسی رای ها" (همانجا ص ۶۲۷) باید تا آنگاه که جامعه در آن مرحله، شایستگی حکومت حقیقی دموکراسی را یافته اند و بنای ایدئولوژیک فرهنگ و ساختمان انقلابی اجتماع به انجام رسد و توده به رشد سیاسی و فکری مستقل برسد، رهبری مادی و معنوی سیاسی و ایدئولوژیک جامعه را در دست خود نگاه دارند و به حوادث و تصادف تسبیارند و در طی نسل های که باید در دوره انقلاب و آموزش پیگیری ایدئولوژیک بخته و پرورده و ناب شوند، رهبری جامعه را بر شیوه اصیل رهبری انقلابی، و نه حکومت دموکراتیک، ادامه دهند.

(همانجا ص ۶۲۸)

آلترونا تیو گرد آوردن هر چه بیشتر نیرو و حول آن به زعم ما حول جمهوری پارلمانی را گامی بلند در راه دموکراسی تلقی می کنند.

کسانی که می کشند توده هر چه وسیع تری از ایده های فوق آگاه شوند و نیروی اعتراضی خود را در خدمت تحقق آن ها قرار دهند،

کسانی که جلب حمایت خارجی در این مرحله را صرفاً برای عقب گذاشتن حریفان که برای اعمال فشار بر حکومت و پس زدن آن از مقابل به خواست های دموکراتیک و برای پشتیبانی از همگامی ملی طلب می کنند،

کسانی که صادقانه می پندارند تلاش های آنان برای تأمین دموکراسی در کشور قبل از همه جنبه پشتیبانی از مبارزه مخالفین استبداد در کشور دارد و بدون اتحاد و هم کاری با آزادی خواهان در ایران پیشبرد جنبش دموکراتیک نامیر است،

آری چنین کسانی هرگز اوضاع کنونی را نمیدانند نخواهند یافت. آن ها هرگز برای فرار از آسایه دامان رؤیایا جنگ نخواهند زد. این کسان، با اعتماد به نفسی بسیار یک دنیا کار در مقابل خود خواهند دید.

شهریور ۱۳۷۳

ادعای تشکیل آلترونا تیو حکومتی و یا تظاهربه موجودیت آن در این جا یعنی در اروپا قبل از آن که واقعیتی خارجی را توصیف کند به یک متاع تبلیغاتی شبهت می یابد. حتی اگر شاه و رهبر و رئیس جمهور و نخست وزیر و وکلای و وزرا و دیگر جزئیاتش پرکار شده و قدرت های اروپا و آمریکا هم به ما توری از آن در مقابل به رژیم تحریص شوند، باز هم تازمانی که در داخل کشور هیچ جریان سیاسی مخالف برآمد نکند کسی در ایران آن دم و دستگاه را به عنوان آلترونا تیو جدی نخواهد گرفت. باور کردن این حقیقت تنها می تواند کسانی را نوید کند که سودائی جز کسب قدرت در سر ندارند و بسیار محتمل است که بسیاری از اینان از آن جا به این حقیقت تن ندهند که وصف العیش نصف العیش.

اما:

کسانی که مسئولیت و رسالت خود را تا مین هم زیستی و گفتگوی پایدار میان عموم نیروهای سیاسی کشور با هدف حصول یک توافق عمومی برای تعیین حکومت به تعبیر ما انتخابات آزاد قرار داده اند؛

کسانی که تا سس یک آلترونا تیو فکری در مقابل تمام اشکال حکومتی استبدادی، ترویج هر چه وسیع این

در مساله آلترونا تیو

ادامه از صفحه ۸

در رابطه با شورشها

احساس ما فدا ثبات در برابر تشدید فاقه عمومی، انفجار جمعیت جوان بیکار و گسترش شورش ها احساسی مشترک و توأم با همدردی و همدلی از یکسو و احساس تنفر از سرکوبگران این شورش ها از سوی دیگر است. اما تصمیم سیاسی و مسئولیت شناسی ما در برابر وضع موجود یکسان نیست. این تفاوت منطقی در صف دیگر نیروهای سیاسی نیز وجود دارد: فکری هست که آرزوی شرکت هر چه کارا تر در آن، کنار زدن و عقب گذاشتن دیگران است و می پندارد که هر چه سریعتر آن اهرمی کار آمد برای کسب و قبضه قدرت بسازد. فکری دیگری هست که توان شورش را در اوج خود نگذارد و بهین ۵۷ و در غیر انصورت هرج و مرج و خون ریزی بی پایان می بیند و نگران آنست که توده مردم نه در انتخباتانی دموکراتیک و صلح آمیز، که در فضائی خشمگین و نفرتبار (که تکیه آن قبل از همه بر عهده حکومت است) در باره سرنوشت خویش و

صحبتی با کارکنان نشریه "کار"

رفقای عزیز نشریه کار! با سلام و خسته نباشید. نمی دانم صحبتیم را با سردبیر شروع کنم یا با تنظیم کننده صفحه پاسخ به نامه ها. در چندین شماره اخیر سیاستی مشاهده می شود که تا حدودی مسئله ساز گردیده است. در چند شماره بیشتر مطلبی به چاپ رسیده که در آن سازمان خواسته شده بود نسبت به درج مطالبی علیه سازمانهای سیاسی دیگر و به طور مشخص نسبت به سازمان مجاهدین، حساسیت بیشتری به خرج دهد. در آن مقاله تاکید شده بود که اعلام موضع در قبال سازمان مجاهدین، اهمیتی فراتر از پاسخ به نوشته ها و مندرجات نشریه مجاهد دارد. به طور کلی در آن مطلب از سازمانهای سیاسی دیگر و به طور اینکه در مباحث روزمره بخلطلد. لازم است به جایگاه خود در جنبش دمکراتیک ایران و نقش خود در جنبش چپ ایران توجه نماید. . . .

تنظیم کننده صفحه فوق - یاهر بنده خدای دیگر! - از آنجا بیکه مطلب را حمایت از مجاهدین قلمداد کرده. سرعنا مطلب دیگری را در بالای سر آن مقاله به چاپ سپرد. مطلبی که متأسفانه از دقت لازم برخوردار نبود اگر چه به امضا رفیق عزیزی بوده است. اگر بخوایم کار مسئولین نشریه را نشانه دمکرات بودن بدانیم، که از اساس در اشتباه خواهیم بود. دمکرات بودن در این نیست که نظرات ضد و نقیض را درست در یک صفحه در کنار هم چاپ کنیم. در یک حزب سیاسی نظرات چهار چوبی دارد که نمی تواند چنین بی دروپیکر باشد.

نشریه ای که نقش ارگان یک سازمان سیاسی را دارد از نظرات معنی دفاع می کند. ولیکن آرزومند چنان دمکراسی در جامعه خواهد بود که همه نظرات مختلف در آن طرح گردد.

شخصاً فکرمی کردم داستان به همین جا خاتمه می یابد. اما مجدداً این بازی در شماره اخیر به شکلی دیگر تکرار گردید. در این شماره (۸۶) مطلبی در ارتباط با سرمقاله کار در مورد پیام نوروزی رفسنجانی، به چاپ رسیده که در آن از سرمقاله نویسنده کار خواسته شده نسبت به چنین مسائلی دقت بیشتری به خرج دهد. در این مقاله با امضاء مسافر، تاکید گردیده که سازمان، و صد البته نه فقط مسئولین نشریه! - متوجه لحظه های تاریخی باشند. برای آنکه هر گونه پیش داوری را جلوگیری نماید. راستاهای مورد نظر رفسنجانی را در این پیام آنگونه که می توانست، برشمرد. اما مضمون اصلی - به برداشت من - آن نظرات ارگانهای مربوطه جهانی،

برده که شورای مرکزی، اعضا و فعالین سازمان و همچنین مسئولین کار را به رفتاری حساب شده تر متوجه نماید.

مطلب بعدی که دقیقاً در بالای سرمهین مطلب آمده است. درست از زاویه ارزیابی سطحی مسئولین نشریه در دفاع از بی اهمیت بودن پیام فوق به چاپ رسید.

رفقای عزیز! برای من این معما لا ینحل مانده که از سازمان توجه بیشتر طلبیدن در مورد مسائل بسیار جدی همچون برخورد به پیام رئیس جمهور کشوری که ادعای مبارزه برای آزادی و عدالت را برایش داریم. مجاز هست یا نه؟ من فکر می کنم که هم مطلب قبلی در مورد مجاهدین و هم مطلب کنونی بیش از تمایل به چاپ آن، بیان یک آرزومندی است که به سازمان ابراز می شود. متأسفانه افرادی در اطراف نشریه نقش نگهبانان اندیشه های رایجی می کنند که بیش از هر چیز حیات امروزه و کار روزمره را برای سازمان و نشریه در نظر می گیرند. به نظر من این شورای مرکزی سازمان بوده که می باید در مورد تقاضای دقت بیشتر در برخی زمینه ها، واکنش نشان دهد. قرار دادن چنین نامه های درج نامه به نشریه و سپردن سرنوشت آن به دست مسئول یک بخش از نشریه از اهمیت آن می کاهد. مادر شرایط حساسی به سرمی پریم. احساس مسئولیت در قبال سرنوشت مردم و کشور ما، ایجاب می کند در بیان نظرات سیاسی، دورنمای گسترده تری را در نظر بگیریم. هر لحظه از حیات سیاسی جامعه ما، با خود بار ویژه ای از فرصتهای جدی به همراه می آورد. بزرگ سازمان سیاسی جدی است که این لحظات را دریابد و در عمل روزمره خود بکار گیرد.

و اما در مورد مطلبی که آقای دانش در رد توجه داشتن به پیام رفسنجانی، به چاپ سپرده: ایشان در بخشی از نوشته خود تاکید کردند که... بدون طرح و پایه ریزی نظامی لائیک مبنی بر اراده آزادانه مردم که به مفهوم لغو نظام ولایت فقیه و جدایی دین از دولت است، بدون آزادی احزاب و سازمانها، اتحادیه ها و انجمنهای صنفی، بدون منع پیگرد نیروهای سیاسی کشور، اقلیتهای ملی و مذهبی، بدون آزادی کلیه زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و اعدام، بدون آزادی قلم، بیان، مطبوعات و لغو سانسور، بدون به رسمیت شناختن، پاسداری و احترام به منشور جهانی حقوق بشر، بدون بررسی و جبران خساراتی که به پناهندگان طی ایام مهاجرت وارد آمد و تضمین امنیت جانی آنان و خانواده ها ایشان از طریق نظرات ارگانهای مربوطه جهانی،

صحبت از بازگشت مهاجران به کشور فریبی بیش نخواهد بود. . . از آقای دانش می خواهم پیروسم آیا هیچ دولت یا کشوری را سراغ دارند که این خواسته ها را عملی سازد؟ لطفاً آدرسش را برایمان بفرستند تا ما برای خدمت گذاری و حتی پناهندگی اجتماعی به آنجا مهاجرت نماییم. دوست گرامی شما حتی هم اکنون در بین گروههای سیاسی نیز نمی توانید کسانی را بیابید که به این نظرات و التزام به پای بندی به آن تاکید نمایند. از سازمان خودمان که تقریباً بیشترین فضای باز برای بیان نظرات - تا حد یک جبهه وسیع - در آن وجود دارد مثال نمی زنم. به طور مثال سازمان مجاهدین به طور رسمی توسط سخن گوی خود می گوید در نظام آتی جانی برای اکثریت و حزب توده وجود ندارد. طرح خواسته هایی از این دست علی رغم زیبا بودن تک تک آنها، غیر جدی بودن گوینده را می رساند. به قول آقای مسافر در نوشته خود اصلاً منظور رفسنجانی سیاستیون به مفهوم خاص خود نبوده چه رسد به اینکه در جواب بگویم مانی آیم مگر چنین و چنان کنید و تازه به ما هم به خاطر رنج و سختی که در مهاجرت کشیدیم؟؟؟ خسارت هم باید بدید. آن بهشتی را که شما خواستید ابتدا درست شود بعد شما به آنجا بروید. خیلی ها را به خود می کشاند. دیگر افتخاری در رفتن بدانجا نیست.

یک نکته دیگر در نوشته ایشان، مساوی قرار دادن مهاجر پناهنده سیاسی بوده است. از حدود پنج میلیون مهاجر ایرانی تعداد بسیار معدودی هستند که از فعالین سیاسی بوده و خواسته هایی از این دست دارند. هم اکنون امواج جابجایی انسانها سراسر کره زمین را فرا گرفته و فکرمی کنم که معضل ما یک تعداد سیاستیون! عامل این جابجایی ها باشد. نه دیوارها و دیوارها و بیرون ریختن چینی ها از آمریکا و برگشت دادن افغانها از ایران جلوی این جابجایی عظیم انسانی را می تواند بگیرد و نه در آینده نزدیک تحولی جدی در کشورهای موسوم به جنوب قرار است تحقق یابد.

به حال امیدوارم در این گونه مسائل بیش از پیش چشم ما به جمال نظرات حساب شده شورا روشن شود.

در پایان یاد آور می شوم که اگر قرار است نظرم را سرودم بریده در کار چاپ کنید، لطفاً از چاپ آن و هر گونه اظهار نظر در مورد آن خودداری نمایید که اینجانب این نوشته را نه برای پاسخ گویی نشریه، که برای شورا در وهله اول و در مرحله دوم

پاسخ به نامه ها

دوست گرامی آزاد، از نامرک. نشریه "کار" به همت و تلاش رفقای چون شما پابرجاست. به تلاش خودتان برای رساندن "کار" به دست ایرانیان و محل تردد ایرانیان ادامه دهید. "کار" بدلیلی که بحث پیرامون آنها در این ستون نمی گنجد، متأسفانه برای بخش بزرگی از ایرانیان خارج از کشور نا شناخته مانده و بسیاری نیز هنوز از آن تصویریک نشریه صرف "گروهی" دارند. در حالیکه "کار" - نه فقط به گفته ما - طی سالیان اخیر بیش از پیش به یک نشریه سیاسی - خبری با ژبندیل شده که قادر است نیازهای هموطنان خارج از کشور به اخبار و تفاسیر سیاسی ایران را تا حدودی برآورده سازد. تلاش برای آشنا ساختن ایرانیان با "کار" و جلب خواننده و مشترک یکی از خدماتی است که هر دوستان "کار" می تواند به نشریه خود بکند و خوشحالیم که شما این مهم را دریافته اید. گزارشهای ارسالی شما را جدا گانه در همین صفحه به چاپ رسانده ایم.

دوست عزیز بنام "فرهاد" یک نسخه از نشریه "میدل ایست رپورت" (شماره ژوئن - اوت ۹۴) را برای ما ارسال داشته اند. که شامل مقالات و گزارشهایی در مورد کردستان و از جمله یک مقاله در مورد احزاب و سازمانهای کرد ایرانی است. متأسفانه نسخه ارسالی ایشان تنها شامل متن انگلیسی است و برگردان فارسی آن برای ما فرستاده نشده است. "کار" از نظر ترجمه متون خارجی امکانات زیادی ندارد و ما از این دوست عزیز و همه عزیزان دیگری که زحمت می کشند و مقالات و گزارشهای نشریات و روزنامه های خارجی را برای ما ارسال می کنند، درخواست می کنیم که حتماً برگردان فارسی آنرا نیز همراه سازند. با تشکر از "فرهاد" منتظر نامه بعدی ایشان هستیم.

دوست گرامی، منیژه. الف: فهرست ارسالی شما در مورد "حملات تروریستی رژیم علیه مخالفین ایرانی خود در خارج را که از کتاب (ملایان آد مکش و جمهوری فدرال آلمان) از انتشارات کانون دفاع از زندانیان سیاسی - کلن (آلمان) دستچین شده است، دریافت کرده ایم. این فهرست هر چند کامل نیست و تنها به ۵۰ مورد از ترورهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور اشاره کرده است، اما حاوی اطلاعات قابل توجهی است که باید هم از تهیه کنندگان آن و هم از شما که زحمت ترجمه و ارسال آن را برای "کار" کشیده اید، تشکر کنیم. ما این فهرست را در آرشو "کار" نگهداری می کنیم و از اطلاعات آن استفاده خواهیم کرد. امیدواریم که همکاری شما با "کار" ادامه یابد. پیروز باشید.

دو خبر از ایران

آزاد

این خبر را بوسیله تلفن، پیرامون انفجار اخیر مشهد از زبان یکی از دوستان از ایران شنیده که لازم دانستم برایتان ارسال دارم. در این گزارش تلفنی آمده است که در ایران اوضاع خیلی نگران کننده است و هیچگونه امنیت فردی و اجتماعی وجود ندارد و از طرف عوامل رژیم همه گونه ترور، دستگیری و جنایت صورت می گیرد و حتی نمی توان در خیابان بدون واهمه قدم زد یا با ماشینی به جایی رفت یا در جمعی حضور پیدا کرد خطر انفجار یا ترور با دستگیری همه را تهدید می کند و علاوه بر موج گرانی کمر شکن و فقر که هر روز دامنه اش گسترده تر می شود این نا امنی ها هم هر روز بیشتر می شود. به گزارش این دوست مردم انفجار مشهد را که به کشته شدن بیش از ۷۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۳۰۰ نفر؟ انجامید کار عوامل رژیم می دانند و این را اقدامی از سوی رژیم در جهت سرکوب و ایجاد نا امنی و مخدوش کردن اذهان مردم می دانند، لازم به تذکر است که این خبر از تهران ارسال شده است.

این خبر را هم از کردستان و بوسیله یکی از خانواده های زندانیان

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: _____ تاریخ: _____

آدرس: Name: _____

Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا: ششماه - ۴۵ مارک
یکسال - ۹۰ مارک
سایر کشورها: ششماه - ۵۲ مارک
یکسال - ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH
NR_35263011
POSTFACH 1810
کد پانک: 37050198
52020 AACHEN
StadtsparKasse Köln
GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

ارتش جمهوریخواه ایرلند آتش بس اعلام کرد

ارتش جمهوریخواه ایرلند اعلام کرد که برای برقراری صلح در ایرلند شمالی تا اطلاع ثانوی از توسل به قهر خودداری خواهد کرد. بدنبال ۲۵ سال جنگ، کشته شدن ۳۱۶۹ نفر و مجروح شدن ۳۸۶۸۰ تن، اعلامیه جمهوریخواهان ایرلند شمالی امید به برقراری صلح را تقویت کرد. آتش بس یکجانبه ارتش جمهوریخواه، این امکان را فراهم آورده است که بحران ایرلند نیز مانند کانون های بحرانی ده ساله جنوب آفریقا و خاورمیانه، در مسیر حل شدن قرار گیرد.

با این حال، هنوز یک مانع جدی در برابر صلح در ایرلند شمالی وجود دارد. پروتستان های افراطی که خواهان ادامه تعلق ایرلند شمالی به بریتانیا هستند، به عملیات تروریستی خود ادامه می دهند.

علیرغم اینکه هنوز صلح به ایرلند شمالی بازنگشته است، در روز ۹ شهریور، بلافاصله پس از انتشار اعلامیه ارتش جمهوریخواه، کاتولیک های بلغاست به خیابان ها ریختند و اعلام آتش بس را جشن گرفتند. در مقابل، پروتستان ها به آتش بس با بدبینی می نگرند. سیاستمداران افراطی پروتستان، جان میجر نخست وزیر بریتانیا را متهم کردند که مخفیانه با جمهوریخواهان معامله کرده است. جان میجر در دسامبر سال گذشته به اتفاق آلبرت رینولد نخست وزیر ایرلند جنوبی بیانیه ای انتشار داد که در آن، دولت بریتانیا حق تعیین سرنوشت مردم ایرلند شمالی را پذیرفته است. اکنون افراطیون پروتستان، میجر را متهم به خیانت می کنند. آنها از این واژه دارند که لندن در معامله با ایرلند بر سر ایرلند شمالی، سرنوشت اکثریت پروتستان ایرلند شمالی را نادیده بگیرد. نخست وزیر بریتانیا می گوید که لندن دیگر در جزیره ایرلند "منافع استراتژیک و ایستقامتی ندارد". میجر بدنبال انتشار گزارش های دایر بر معامله پنهانی لندن با جمهوریخواهان، طی مقاله ای در "ساندی اکسپرس" تأکید کرد که دولت هیچگونه مذاکرات و توافق های پنهانی با جمهوریخواهان نداشته، قول مساعدی به آنها نداده و هیچ پیش شرطی را نپذیرفته است.

۷۲ سال است که ایرلند به دو بخش شمالی و جنوبی تجزیه شده است. بریتانیا که هنوز بخش شمالی این جزیره را در اشغال خود دارد، به مرور زمان از انگلیس و اسکاتلند گروهی را در ایرلند شمالی اسکان داده است که اکنون جمعیت ۸۰۰ هزار نفری پروتستان های ایرلند

مانع روند صلح در ایرلند شوند

شمالی را تشکیل می دهند. پروتستان ها خود را ایرلندی نمی دانند و تا به حال، به آنچه مارگارت تاچرنکست وزیر سابق بریتانیا پیوند ناگسسته بریتانیا و ایرلند شمالی می نامید، اتکا داشته اند. در مقابل، کاتولیک های ایرلند شمالی خواهان وحدت این بخش با جمهوری ایرلند هستند.

لندن سالانه سه میلیارد پوند (نزدیک به پنج میلیارد دلار) بودجه به ایرلند شمالی اختصاص می دهد. بخش اعظم این پول به جیب پروتستان ها می رود. مشاغل دولتی تقریباً بدون استثنا در انحصار پروتستان هاست. لندن برای سرکوب تمایلات جدایی خواهانه ۶۷۰ هزار کاتولیک ایرلند شمالی نیروی تادندان مسلحی در این منطقه مستقر کرده است. اگر ارتش بریتانیا آنگونه که اعلام شده است شمار افراد خود در ایرلند شمالی را طی سال های آینده کاهش دهد، حدود ۲۰ هزار پروتستان ساکن ایرلند شمالی بیکار خواهند شد. شاید با توجه به این شرایط است که روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن می نویسد پروتستان های ایرلند شمالی در حقیقت از صلح هراسی دارند.

از هنگام اعلام آتش بس توسط ارتش جمهوریخواه تا کنون، افراطیون پروتستان دست به چند عملیات تروریستی زده اند. تنها ۲۲ ساعت پس از برقراری آتش بس، شبه نظامیان پروتستان در بلغاست یک کاتولیک را به قتل رساندند. شامگاه یکشنبه ۱۳ شهریور، یک گروه پروتستان در برابر دفتر حزب جمهوریخواه شین فین بمبی منفجر کرد که تنها خسارات مادی بیار آورد. جمهوریخواهان بدنبال این حملات تأکید کردند که به آتش بس پایبند خواهند ماند.

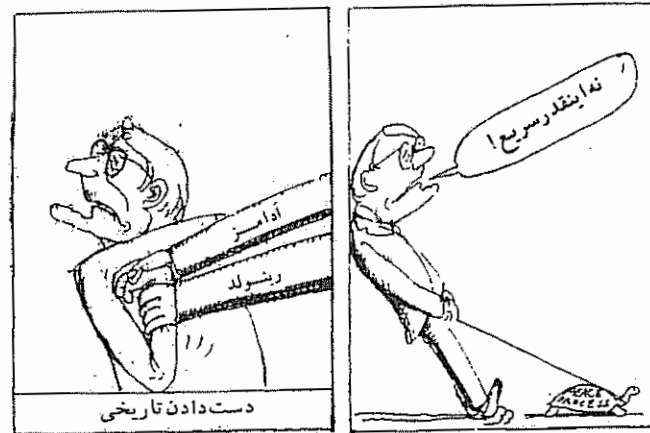
آلبرت رینولد نخست وزیر ایرلند پس از انتشار بیانیه ارتش جمهوریخواه گفت که می خواهد حزب شین فین، بازوی سیاسی جمهوریخواهان ایرلند شمالی را هر چه زودتر وارد روند صلح کند. رینولد اعلام کرد که قصد دارد هم با جری آدامز رهبر شین فین و هم با سیاستمداران پروتستان ایرلند شمالی دیدار کند.

جری آدامز خواهان مذاکرات فوری با دولت بریتانیا شد و افزود

خواهد بود. اکنون در ایرلند شمالی، کاتولیکها و پروتستان ها در مناطق جداگانه زندگی می کنند. تنها ۷ درصد مردم ایرلند شمالی در نواحی دارای جمعیت مختلط ساکنند. بین دو گروه، فضای بی اعتمادی و سوء ظن حاکم است. بسیاری از جوانان ایرلند شمالی، چیزی جز کاربرد اسلحه نمی خوانند. سالهاست که در ایرلند شمالی با جگیری بنام "جمع آوری کمک برای جنبش هم در میان کاتولیک ها و هم در میان پروتستان ها رواج دارد. به نظر نمی رسد کسانی که بدینگونه کسب درآمد عادت کرده اند، به سادگی به برقراری صلح تن دهند.

پروتستان های افراطی از طریق ادامه عملیات تروریستی می کوشند

منوط کردن چنین گفتگوهایی به رعایت یک آتش بس سه ماهه از سوی جمهوریخواهان، آنگونه که در نخستین موضعگیری های دولت میجر عنوان شد، توهین آمیز است. حتی اگر طرف های سیاسی درگیر در بحران ایرلند به توافق دست یابند، غلبه بر عواقب اجتماعی ۲۵ سال جنگ داخلی بسیار دشوار



روزنامه یبندی بندت موضع انگلستان در قبال روند صلح را در کاریکاتور مست راست و چند روز بعد موضع انگلستان را در آستانه مذاکرات صلح در کاریکاتور مست چپ نمایش داده است. کاریکاتور مست راست لاک پشتی را نشان می دهد که "روند صلح" نام دارد و جان میجر در حالیکه افسار آن را می کشد می گوید: "نه اینقدر سریع". در کاریکاتور مست چپ تحت عنوان "دست دادن تاریخی" دست جری آدامز رهبر شین فین و دست آلبرت رینولد نخست وزیر ایرلند را نشان می دهد که دست جان میجر را بیچانه اند و دارند می کشند.

گارباچف: غربی کردن شوروی سابق به شکست انجامیده است

رواج بیماری های اجتماعی مانند بیکاری، گسترش بزهکاری، فحشاء و قاچاق مواد مخدر در شرق اروپا بر اثر تحولات سال های اخیر یاد کرد. وی گفت در مرکز و شرق اروپا، چپ بر نفوذ خود می افزاید. گارباچف در عین حال اظهار تأسف کرد در حالی که در شرق نیروهای سیاسی پسر جلب حمایت غرب رقابت می کنند، غرب سعی می کند حساب خود را از روسیه جدا کند. به نظر گارباچف، اروپا نیازمند یک سیستم امنیتی واحد است. گارباچف همچنین گفت بدنبال فروپاشی شوروی، به کرسی نشاندن اصلاحات در قلمرو سابق آن دشوار است.

میخائیل گارباچف آخرین رهبر شوروی در کنفرانسی که تحت عنوان "اروپا در مسیر قرن بیست و یکم" در شهر وین برگزار شد، اظهار داشت تلاش برای ایجاد مکانیکی شرایطی مشابه غرب در کشورهای شوروی سابق، به شکست انجامیده است. گارباچف افزود این تلاش، اصلاحات آغاز شده را به خطر افکنده است. از نظر گارباچف، الگوهای پیشین، اعتبار خود را از دست داده اند، و همانگونه که کمونیست ها از اعتقاد به داشتن انحصار یک حقیقت مطلق دست کشیده اند، آمریکایی ها نیز باید با جامعه مصرفی وداع کنند. گارباچف در نطق خود با تأسف از

فرزندان و عزیزانشان را می دیدند و در طرف دیگر درد و اندوه آنها می دیدند و با خبر اعدام عزیزانشان روبرو می شدند. این بار صحنه های تکان دهنده به جلوی درب زندان منتقل شده بود. به هیچ کس اطلاع دقیقی از محل دفن زندانی اش داده نمی شد. اصلاً محل دفنی وجود نداشت. همه ی این عزیزان در گورهای جمعی مدفون شده بودند. خیلی از خانواده ها تا امروز هم از محل دفن عزیزانشان مطلع نیستند. به خیلی از خانواده ها خبر اعدام بستگانشان را ندادند و گفتند ممنوع الملاقات هستند و به بعضی از

خانواده ها فقط یک بسته کوچک یا ساکی تحویل دادند. آخرین یادگارهای عزیزانشان.

بعد از آنکه رژیم ما را آزاد کرد، بارها از نزدیکی محل دفن این عزیزان عبور کردم. هر بار قلبم یارای تپیدن و پیام یارای رفتن را از دست داد. آنجا، تکه زمینی بود، مدفون عده ای از بهترین فرزندان مرزو بوممان. عزیزانی که در روزهای سیاه تابستان ۶۷ مظلومانه به دار کشیده شدند. باشد که روزی مسئولین این جنایت تاریخی در مقابل دادگاه ملت قرار گیرند.

بودند، فشار می آوردند که اگر مصاحبه نکنید، اعدامتان می کنیم. نمایش هر روز این بود که زندانیان سیاسی را پای مصاحبه ی این افراد بکشاند. اواخر آبان ماه، ملاقات ها مجدداً برقرار شد. در یک طرف هیجان و شور و شوق خانواده های بود که بعد از ماه ها اضطراب،

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

توافق های جدید روسیه و چین

پاریس پلنسن و جیانگ زه مین رهبران روسیه و چین در بیانیه مشترکی که در جریان دیدار جیانگ زه مین از مسکو انتشار یافت، خواهان برقراری روابط جدید همکاری سازنده میان دو کشور شدند. در این بیانیه آمده است دوستی و همکاری به سود طرفین میان مسکو و پکن، یک پیمان نیست و فاقد هرگونه جهت گیری علیه کشور سوم است. رهبران روسیه و چین توافق کردند برنامہ ریزی موشکهای اتمی استراتژیک خود را طوری تغییر دهند که این موشکها به طرف کشور مقابل نشانه نرفته باشند. پلنسن و جیانگ زه مین که هر دو فرمانده کل نیروهای مسلح کشورشانند، تأکید کردند که روسیه و چین در کاربرد سلاح های اتمی علیه یکدیگر پیشدستی نخواهند کرد و در مناسبات متقابل، از توسل به قهر خودداری خواهند نمود. وزرای خارجه روسیه و چین، قراردادی در مورد مرز ۴۳۰۰ کیلومتری مشترک دو کشور، و وزرای بازرگانی خارجی، پروتکلی درباره گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی امضا کردند. این اولین دیداریک رهبر چین از مسکو از سال ۱۹۵۷ بدین سو بود.

درگیری های خونین در عدن

۳۳ نفر در نبرد های خیابانی میان بنیاد گرایان اسلامی از یک سو، و نیروهای امنیتی و مردم مسلح از سوی دیگر در عدن واقع در بخش جنوبی یمن کشته شدند. دولت یمن اعلام کرده است که اوضاع عدن را تحت کنترل خود در آورده و در صورت ادامه نا آرامی ها، به شدت علیه مسیبان آن اقدام خواهد کرد. درگیری ها زمانی آغاز شد که روز جمعه ۱۱ شهریور افراطیون سنی، مقبره های رهبران یک فرقه صوفی را در محله تجاری عدن و نیز در شهر شیخ عثمان واقع در نزدیکی عدن ویران کردند. بدنبال این حمله، گروه زیادی از مردم عدن مسلح شدند و همراه با ارتش و پلیس به مقابله با بنیاد گرایان پرداختند. درگیری تا روز بعد نیز ادامه یافت و طی آن، افراطیون سنی به مدت چهار ساعت یک مقر پلیس را در اشغال خود داشتند. هنگامی که سربازان دولتی این ساختمان را زیر آتش گرفتند، مهاجمان به کوه های شمال عدن گریختند.

نظر نخست وزیر اسرائیل درباره صلح با سوریه

اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در یک مصاحبه رادیویی مواضع خود را در مورد صلح با سوریه تشریح کرد. رابین گفت نخست باید دو کشور پیمان عادی کردن روابط خود به توافق برسند، و سپس یک دوره آزمایشی سه ساله بگذرد. تنها پس از گذشت چنین دوره ای است که اسرائیل حاضر به عقب نشینی به پشت مرزهای مورد توافق طرفین است. رابین همچنین می گوید که هرگونه توافق صلح میان دو کشور باید در یک رفتارندوم تصویب شود. به گفته نخست وزیر اسرائیل، دولت این کشور به سوریه یک طرح چهار ماده ای به عنوان مبنای مذاکرات آینده ارائه داده است که شامل عقب نشینی از بلندی های جولان نیز می شود.

دستگیری ۲۱ بنیادگرا توسط پلیس فلسطین

روز ۱۵ شهریور پلیس فلسطینی در نوار غزه ۲۱ عضو گروه "جهاد اسلامی" را به اتهام قتل یک سرباز اسرائیلی و مجروح کردن دو تن دیگر دستگیر کرد. با سرعقات رئیس دولت خود مختار فلسطینی گفت این دولت شدت عمل بیشتری علیه کسانی که متوسل به قهر شوند، نشان خواهد داد.

پایان اعتصاب کارگران نفت نیجریه

اعتصاب کارگران صنعت نفت نیجریه که هدف آن برکناری رژیم نظامی این کشور بود، بدون نتیجه پایان یافت. اکثر اعتصابیون که شمار آنها به حدود ۱۰۰ هزار نفر بالغ می شد، پس از دو ماه اعتصاب به سر کار خود بازگشتند. به گفته سازماندهان این اعتصاب، اقدام کارگران در میان مردم نیجریه از حمایت کافی برخوردار نشد. از سرگیری تولید نفت نیجریه در بازار جهانی نفت بی تأثیر نخواهد بود.

مذاکرات جبهه نجات اسلامی

ادامه از صفحه ۱۲

رادیکال تری وجود دارند که از این جبهه تبعیت نمی کنند. مهمترین آنها، سازمان موسوم به "گروه های مسلح اسلامی" است که مسئول قتل اعضای این جبهه در الجزایر، اعتبار یافتن مجدد آن بخش از قانون اساسی که با اعلام مقررات فوق العاده به حالت تعلیق درآمده، و نیز دادن گزارش دقیق و واقعی مذاکرات به مردم شده است. اگر این شرایط تحقق یابد، جبهه نجات آماده اعلام آتش بس است. در الجزایر به غیر از جبهه نجات، گروه های بنیادگرای

گاهدار های اعدام

ادامه از صفحه ۷

اواخر آبان ماه، پایان کشتارهای دسته جمعی بود. عده ای هم بعد از این تاریخ اعدام شدند که استثنا بود. موج اعدام ها که فرو خوابید، نوبت تحقیر آنها که زنده مانده بودند، فرارسید. به کسانی که قبلاً از مواضعشان دفاع می کردند و در جریان "دادگاه ویژه کوتاه آمده

کنفرانس قاهره و واکنشهای متفاوت

شود.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل کنفرانس قاهره را افتتاح کرد. وی از کشورهای جهان خواست راه حل های مشترکی برای حل مسئله افزایش جمعیت جهان در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی بیابند. دبیرکل سازمان ملل، گردهمایی قاهره را نقطه عطفی خواند که برای آینده بشریت نقش تعیین کننده داشته، بر توسعه اقتصادی و شرایط زندگی در جهان تأثیر خواهد گذاشت. پطرس غالی خواهان احترام به عقایدی شد که ریشه های مذهبی، فلسفی و فرهنگی دارند و افزود کنفرانس، محل مجادله های

سخنرانان بعدی کنفرانس عبارت بودند از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر که به عنوان رئیس کنفرانس برگزیده شد، خانم دکتر نفیس صدیق دبیرکل بنگلادش کنفرانس، خانم گرو هارلم پروتلاند نخست وزیر نروژ، ال گور معاون رئیس جمهور آمریکا و بی نظیر بوتونخست وزیر پاکستان. در حالی که نخست وزیر نروژ خواهان عدم مجازات زنان بخاطر سقط جنین شد، بوتونخست وزیر نروژ که اسلام مخالف سقط جنین است.

اظهارات نخست وزیر نروژ در کنفرانس قاهره، اعتراض روزنامه های مذهبی مصر را برانگیخت. نشریه الشعب نوشت خانم پروتلاند به بدترین شکل به اسلام و ارزش های اخلاقی مسلمانان توهین کرده است. پروتلاند طی ملاقاتی با حسنی مبارک، این اتهام را رد کرد و گفت آنچه از آن دفاع کرده است، نه آزادی سقط جنین در سراسر جهان، بلکه عدم تلقی آن به عنوان یک جنایت است.

کنفرانس قاهره، واتیکان و بنیادگرایان اسلامی مواضع مشترکی دارند. واتیکان دریانیه ای که به مناسبت کنفرانس قاهره انتشار داد، به نکاتی مانند "حق برخورداری از وسایل پیشگیری از بارداری" در طرح قطعنامه حمله کرد و ابراز نگرانی کرد وسایل "مصنوعی" پیشگیری باعث زوال معیارهای اخلاقی در جوامع بشری

عدم شرکت عربستان سعودی به ویژه برای حسنی مبارک رئیس جمهور مصر یک شکست بود. مبارک نیز مانند سازمان کنفرانس اسلامی و دولت ایران از کشورهای اسلامی خواسته بود با حضور خود در قاهره، نگذارند قطعنامه هایی مخایر با اعتقاد ایشان به تصویب رسد.

در انتقاد از طرح قطعنامه

افراطی که در ایران خواهان تحریم کنفرانس قاهره شدند، با موضعگیری شورای عالی روحانیون عربستان سعودی انطباق داشت. این شورا شرکت در کنفرانس قاهره را حرام شرعی دانست و خواهان آن شد که همه حکومت ها، ملت ها، شخصیت ها و گروه های اسلامی در یک جبهه علیه "دعوت به فسق و معصیت" متحد شوند.

اسلامی طرح قطعنامه قاهره، یعنی سقط جنین، ازدواج و دادن آزادی بی حد و حصر به فرزندان، اعلام کرد هیات های کشورهای اسلامی خواهند کوشید این نکات را حذف کنند.

حملات مسلمانان افراطی به کنفرانس قاهره زمانی شدت گرفت که دستور کار میابحت این گردهمایی بین المللی که در آن ۱۶۱ کشور از ۱۹۱ دولت عضو سازمان ملل شرکت کردند، انتشار یافت. در آستانه کنفرانس، موضوعاتی از قبیل سقط جنین، همجنس گرایی و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج در دستور میابحت قرار گرفت و خشم بنیادگرایان اسلامی (ومسیحی) را برانگیخت.

در کنفرانس قاهره، که به تعبیر پطرس غالی، دبیرکل سازمان ملل متحد، مهمترین کنفرانس بین المللی تاریخ بشر است، ۱۰ هزار نفر شرکت کردند، در حالی که در برآوردهای اولیه، تعداد شرکت کنندگان بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر تخمین زده می شد.

در ایران، از چند هفته پیش بحثی درباره کنفرانس قاهره در گرفت. در حالی که روزنامه حزب اللهی کیهان بزرگترین تیتر صفحه اول خود را به "توطئه آمریکا برای اعمال فشار بر کشورهای اسلامی جهت پذیرش طرح قطعنامه اختصاص داد و نکات "ضد اسلامی" این طرح را برجسته کرد، روزنامه های مانند اطلاعات و همشهری برخورد متفاوتی با کنفرانس قاهره داشتند و بطور ضمنی از اهداف آن حمایت کردند. در آستانه برگزاری کنفرانس، روزنامه جمهوری اسلامی شرکت ایران در گردهمایی قاهره را تسلیم در برابر مقاصد "ضد مذهبی و غیر اخلاقی" کنفرانس خواند.

این موضع حزب اللهی های

کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه که هفته گذشته در قاهره گشایش یافت، در سراسر جهان به عنوان یک رویداد با اهمیت تلقی شده است. سیاستمداران و رسانه های گروهی در نقاط مختلف جهان، از مواضع متفاوتی نسبت به این کنفرانس و اسنادی که در آن مورد بحث قرار گرفته اند، واکنش نشان می دهند. برخوردهای متفاوت، به ویژه کشورهای اسلامی راد چارشتت کرده است. اختلاف نظردر مورد مسئله کنترل جمعیت، در همه کشورهای اسلامی وجود دارد و موضوع بحث است.

در آستانه برگزاری کنفرانس، دولت مصر که میزبان این گردهمایی است، کوشید در میان کشورهای اسلامی یک توافق فراگیر برای حضور در قاهره ایجاد کند. اما این کوشش ناموفق ماند. عربستان سعودی، سوئد، قطر، لبنان و عراق هیاتی به قاهره نفرستادند. نماینده عراق در اتحادیه عرب که عالیترین دپلمات کشورش در مصر است، نتوانست دلیلی برای عدم حضور عراق در کنفرانس ارائه دهد.

نمایندگی دپلماتیک لیبی در قاهره اعلام کرد این کشور هیاتی به کنفرانس می فرستد. جمهوری اسلامی نیز که غیبت عربستان سعودی را فرصت مناسبی برای ایفای نقش رهبری جهان اسلام دید، نمایندگانی به قاهره فرستاد. جمهوری اسلامی حتی از کشورهای اسلامی خواست در کنفرانس شرکت فعال داشته باشند تا بتوانند تصمیمات آن را در جهت انطباق با قوانین اسلام تحت تأثیر قرار دهند. دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی نیز که در هفته پیش از آغاز کار کنفرانس در تهران به سر می برد، ضمن انتقاد از سه جنبه "ضد



سخنرانان نخستین روز کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه در قاهره. از راست: ال گور، معاون رئیس جمهور آمریکا، بی نظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان و پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد

مذاکرات جبهه نجات اسلامی

و دولت الجزایر

دولت و برخی از احزاب اپوزیسیون جبهه نجات و نه احزاب بزرگ دیگر اپوزیسیون مانند "جبهه نیروهای سوسیالیست" به رهبری آیت احمد و "اتحادیه برای دموکراسی و فرهنگ" شرکت ندارند. سوسیالیست ها که در انتخابات لغوشده الجزایر، پس از جبهه نجات بیشترین آرا را کسب کردند، مخالف خواست بنیادگرایان مبنی بر تصریح اسلام به عنوان دین رسمی در قانون اساسی اند و ابراز نگرانی کرده اند که دولت در ازای پذیرش سایر اصول قانون اساسی توسط بنیادگرایان، خواسته است، اعلام اسلام به عنوان مذهب رسمی را بپذیرد.

نشریه مستقل "آزادی" چاپ الجزایر نوشت یکی از اعضای کابینه این کشور در زندان به ملاقات عباسی مدنی رهبر جبهه نجات رفته است. در حالی که دولت الجزایر این ملاقات را تأیید یا تکذیب نکرده است، یکی از رهبران جبهه نجات که ساکن آلمان است، می گوید مدنی در این دیدار نامه خود به زوال رئیس جمهور را که حاوی پیشنهاد های جدیدی است، به وزیر مزبور تسلیم کرده است. در این نامه، مدنی علاوه بر آزادی زندانیان، خواهان

عبر غم اعتراضات برخی از اعضای سرشناس جبهه نجات اسلامی الجزایر، طرفداران عباسی مدنی رهبر جبهه نجات در صددند به مذاکرات با دولت ژنرال زروال رئیس جمهور الجزایر ادامه دهند. در این مذاکرات که در زندان ادامه دارد، دو طرف توافق کرده اند که آتش بس برقرار شود و سپس گفتگوها ادامه یابد. هم مدنی و هم مخالفان مذاکره با دولت، در زندان به سر می برند. آزادی رهبران جبهه نجات، از شرایط بنیادگرایان برای ادامه گفتگوهاست. هفته گذشته رادبوی دولتی الجزایر گزارش داد مدنی قصد دارد در صورت لغو ممنوعیت جبهه نجات و آزادی همه اعضای زندانی آن، در مذاکرات جهت حل بحران سیاسی الجزایر شرکت کند. این گزارش حاکی است مدنی این پیشنهاد را در نامه ای که روز ۸ شهریور برای رئیس جمهور ارسال کرده، ارائه داده است. موضع نسبتاً آشتی جویانه مدنی در مقابل دولت، احتمال انشعاب در صفوف بنیادگرایان الجزایر را افزایش داده است.

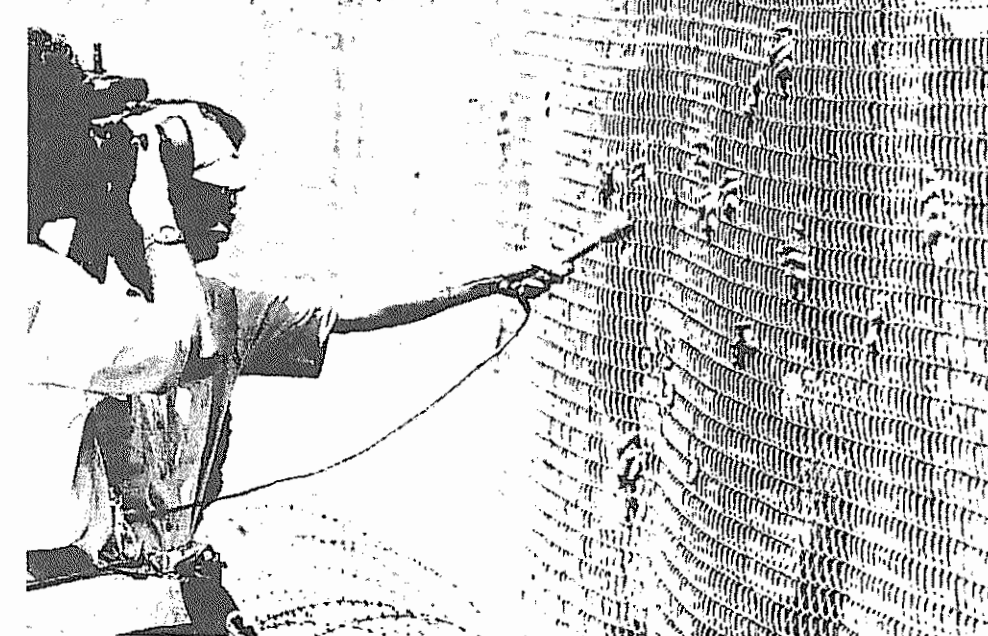
دولت شرکت نیروهای سیاسی در گفتگوها را منوط به چشم پوشی از اعمال قهر و پذیرش دموکراسی و آزادی های فردی کرده است. در الجزیره، گفتگوهای میان

پایان مذاکرات آمریکا و کوبا

خواستار لغو آن شده اند. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز هفته پیش این تحریمها را غیر قابل توجیه خواند. رهبران اصلی فرانسویون دمکراتها در کنگره آمریکا نیز در روز های اخیر کلیتاً ربه لغو تحریمهای اقتصادی علیه کوبا فر خوانده اند. در عین حال سولونا وزیر خارجه کوبا ضمن دیدار هفته پیش خود از اسپانیا در مصاحبه ای با روزنامه معروف ال بایس اعلام کرد که

خواستار لغو آن شده اند. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز هفته پیش این تحریمها را غیر قابل توجیه خواند. رهبران اصلی فرانسویون دمکراتها در کنگره آمریکا نیز در روز های اخیر کلیتاً ربه لغو تحریمهای اقتصادی علیه کوبا فر خوانده اند. در عین حال سولونا وزیر خارجه کوبا ضمن دیدار هفته پیش خود از اسپانیا در مصاحبه ای با روزنامه معروف ال بایس اعلام کرد که

خواستار لغو آن شده اند. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز هفته پیش این تحریمها را غیر قابل توجیه خواند. رهبران اصلی فرانسویون دمکراتها در کنگره آمریکا نیز در روز های اخیر کلیتاً ربه لغو تحریمهای اقتصادی علیه کوبا فر خوانده اند. در عین حال سولونا وزیر خارجه کوبا ضمن دیدار هفته پیش خود از اسپانیا در مصاحبه ای با روزنامه معروف ال بایس اعلام کرد که



نه! اشتباه نکنید، با شیرویلینگ مصاحبه نمی کنند. اینها مهاجرین کوبایی هستند که آمریکا آنها را در اردوگاه های قفس مانند جای داده اند. با وعده های آمریکا به آن کشور رفته اند و در پشت حصارها "آسکان" داده شده اند!

مذاکرات یک هفته ای آمریکا و کوبا روز جمعه ۹ سپتامبر با حصول یک توافق به پایان رسید. واشنگتن پذیرفت که از طریق اعطای ویزا سالانه ۲۰ هزار کوبایی را به عنوان مهاجر در خاک خود بپذیرد و دولت کوبا نیز متعهد شد که از مهاجرت غیر قانونی اتباع خود به آمریکا جلوگیری کند. علاوه بر آن قرار شد که ۳۵ هزار نفری که ظرف هفته های اخیر با قایق و وسایل دست ساخت خود راه سواحل آمریکا رسانده اند، دوباره به کوبا برگردانده شوند و برای ورود به آمریکا از سفارتخانه این کشور در هاوانا تقاضای ویزا کنند.

درباره لغو تحریمهای اقتصادی که کوبا مایل بود آن را به عنوان موضوع اصلی مذاکره با آمریکا مطرح کند، ظاهراً هنوز توافقی به دست نیامده است. دولت هاوانا این تحریم سی ساله را عامل اصلی وخامت اوضاع اقتصادی و کندی روند اصلاحات میدانند و آن را در کنار کارزار تبلیغاتی آمریکا از عوامل مهاجرت کوباییها به شمار می آورد. دولت آمریکا، هم بخاطر ملاحظه مهاجران کوبایی مقیم فلوریدا که آرا آنها هم در انتخابات محلی وهم در گزینش رئیس جمهور مهم به حساب می آید و هم بخاطر "تادیب" کاسترو که نخستین کشور مستقل و "نا فرمان" را در حیات خلوتش ایجاد کرده تا کنون از لغو تحریمهای اقتصادی سر باز زده و آن را بر افتادن حکومت فعلی کوبا مشروط کرده است. با این همه پس از پایان مذاکرات اخیر وارن